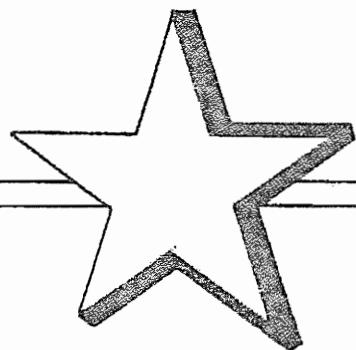
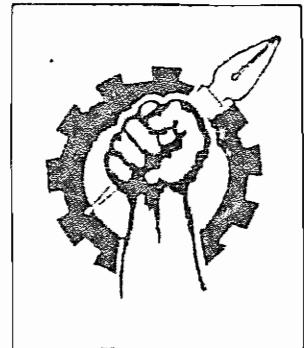


## اتحادیه گهوفیستهای ایران



- \* ملاحظاتی درباره انحراف تروتسکیستی در انقلاب دمکراتیک و ملی
- \* درباره نظرات انحرافی راه کارگر پیامون جنگ کنونیالتقاط و بی اصولی در فتار رزمیکان در قبال جنگ
- \* فداییان خلق (اقلیت) در کامین جنگ شرکت میکند؟
- \* نفی لنینیسم، پایه تئوریک خیانت پیکار به انقلاب و کمونیسم است.
- \* نگاهی به نقطه نظرات وحدت انقلابی پیامون مواضع مجاهدین و نشريات فریادگود-نشین و بازوی انقلاب در قبال جنگ کنونی
- \* فداییان اکثریت در جنگ کنونی مبلغ پاسیفیسم و سیاست امپریالیسم روس میباشند!

# ملاحظاتی درباره انحراف ثروت‌سکیم‌ستی



## در انقلاب دمکراتیک و ملی

انقلاب ایران می‌پرس

۱ - وظایف انقلاب  
و مناسبات میان طبقات  
(مناسات طبقاتی) را استکل  
شادرستی طرح میکند. وظایف  
انقلاب دموکراتیک و ملی را  
در مهارزه "ضد امیرالاستی"  
و فدغندالی تندیده و با آنها  
را کام همیت بعلوه میدهد.

۲ - هرگز انحرافی از  
ستش طبقات بدمت مبدده، بد  
دوست و دشمن در انقلاب دمو.  
کرامک و ملی را نادرست  
تشخیص میدده، دستیار عمه  
راسدیده، حتی دوستان و  
منحدرین بالقوه انقلاب را  
نشسل نظر میکند.

۳ - دروزی مخصوص  
حصر سرمایه‌داری در حاصمه  
عنبر مانده میانه مینهایم.  
سرما پیده‌داری را انقلاب نیزه  
گردد، بد عنصر ملی درون آن  
شوجهی شکرده و بی‌آن که  
همیت میدده.

۴ - تفاوت میان انقلاب  
در گذورهای شبه مستعمره و  
امپریالیستی را مخدوش نموده  
این دو نوع انقلاب را از هم  
ماهیت ترفن میکند. وظایف  
برولتاویاد را انقلابات می‌تو-

سالهایی در گذورهای بین‌  
فته سرمایه‌داری (جا به کمزیس  
وظایف برولتاویاد را در گذورهای  
عفیت مانده مینماید. همان  
وظایفی را در بر اسلام انقلاب  
دموکراتیک و ملی قرار میدهد  
که در بر اسلام انقلاب سرمایه‌  
فراراده، و با درسته عتمد  
سوسالیستی در انقلاب دمو.  
کرامک و ملی مبانده می‌نمایی -  
نماید.

زمانیکه اشتباهات کوچک  
مبارزه طبقاتی منطبق شوند، بهای تصمیع شدن، توسط  
گواه این امر است. حرکات واقعیات آنکوئه متوجه می‌شوند، و زمانیکه شکت‌های  
طبقات مختلف در طی این دو گردند که گویی خطاهای تاریخی  
سال چنان اشکال متوعی را اند.

نشکت‌های بزرگتر جای می‌شوند، انحراف تروت‌سکیم  
در بیان روشنکاران حسنه دارد  
بورژوا میزشکل می‌شوند، و این  
است و انتیکبوس بیرونی  
سیاسی وايدنلولوزیکی بخشن  
قائل شوهر ارشیروهای سیاست  
سر مدنی شنافع طبقه، کارگر  
در گذوره.

مادر دبیل بربسته شریان  
و بازترین زمینه‌ها وشمود -  
دارهای این انحراف تسویه  
تکیم را با رستکانیم تسا  
بتوانان ما را کیم لسم  
انقلابی را از شوری همای  
ارتحانی تروت‌سکیمی که خود  
را با الشاق جب و مارکیتی  
بسیار میکند، شیزاده،  
دبیر زمان آن رسیده است که  
کارزار وسع و قاطمی علیه  
این انحراف ببا خسرو و سار  
ده، کوییتیهای ایران حوا -  
ها نیمی که در این مبارزه بمسا  
باری رساند.

### مشهودیات

#### تروت‌سکیم‌گه بشکل

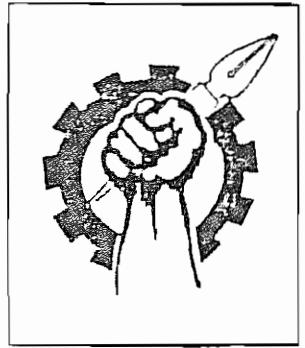
#### انحراف "جب"

#### بروزهی نهاده

بیج و خم و بر تلاطم خود را می‌پسندند، مبارزه طبقاتی منطبق شوند، بهای تصمیع شدن، توسط  
گواه این امر است. حرکات واقعیات آنکوئه متوجه می‌شوند، و زمانیکه شکت‌های  
طبقات مختلف در طی این دو گردند که گویی خطاهای تاریخی  
سال چنان اشکال متوعی را اند.

انحراف "جب" سایی  
که بودگرفته است که شاید همینها  
کتاب شوری نتوانند با سخنی  
جزم اندیشه های بسته که گردیده اند  
آن باشد. صفتندی همای  
متعبیر وی سیاست میان طبعا  
مختلط اجتماعی، وحدت‌های  
واشلاقها جناب سریع و باشد  
بهم میخورد و جای خود را بسته  
رقت بکشیدنی میدهد که  
کویی دیگر امکان با رکشید به  
آن نمی‌رود، ولی با شکست  
اسکیزی خاصی در سیر حوا داشت  
تاریخ معاصر مجدد استها بسوی  
جهد راز میگردید که گویی هیچ  
اختلافی وجود نداشت است.  
برولتاویای آگاه ایران به  
بزرگترین تجارب می‌رازد  
طبقاتی در عرض ۵۸ سال عمر  
خود مواجه میگردد. و در معرفت  
قفاوت همکانی قرا رمیگیرد  
که آیا راست خویش را میتواند  
انجام دهد یا نه؟

جای تاسی ایسجاست که  
علمیرغم‌تمامی امکانات و  
شرابط مناسبی که برای نیزه و  
های مدعی منافع طبقه، کارگر  
در عرض این مدت برقرار رموده  
است، انحرافات سیاسی‌تاشی  
برای سالیان در از به غصب  
اعتدلو ضرباً حان می‌سایی را  
متحمل گردد. گویی تاریخ  
جنیش کمونیستی ملت مارا سیز  
از این عارفه، تا حواسته بسی  
تصبیح نگذارد و آنرا در بر این  
آزمایش مجدد خود قرارداده  
است، سپرورد، و بجا ایسکه فرمول



البته در شرایط طامن ایران کمیکی از منفات سوروزواری ملی خدکوشیست بودن آن هست و نیز در اتحاد با انتلماپیو قرار نهاد، این کرامن فکری قویاً تقویت میکرد که سوروزواری ملی جزو دشمنان انتساب ایران است.

خ - خودم سوروزواری - که دهستان شیرین‌خانی<sup>۹</sup> را پنهان وابس فست در بخش السف آمد، ماقنی می‌ماند خسرو، سوروزواری شهری - ولایه ها

مختلف آن . . .

الف - برای این کرامیش توده‌ها همچشمآ ماده‌ها نقلابند و شهدا منتظر دستورایشان میباشد. و معیت انقلابی جنبه، داشتم بخودم می‌گیرد و درباره، آن شدیداً غلوتی - گردد. هر مبارزه کوجک با برگ، درست و با غلطی بیشتر بسوان جازوکن و دسالار و بوروزواری سگرسه و شهدا نبروی اینقلابی خوده

بوروزواری رادر بحری شاه

زمانیاب سیاسی اینقلابی نکاه مکن. بد عنمر ملی و داد مهریا لبستی در میان خوده بوروزواری کم بهادره، و شانسیع ابده‌های مرفه استهاری خرد بوروزواری را بهشت بوروزواری حل مهدده.

بهترین و شیخه شاهی مذهبی و ختنه شاهده بوروزواری یک جانبه نگریست و آشرا کمال در صفت دنیا نقلاب قرار مهدده. شهدا منتظر برویزه شدن خوده سو - روزواری امیر بالستی کش: جراکه هر دوداری میباشد. حتی کاهی بوروزواری ملی

(لیبرال) سرای امیر

هزار شکر حطره اکثر از بیمه

روزواری امیر بالستی قلمه

داد میکردد و متش جاده میان

کس آشرا بسرحد حمستی

و مکی گرفتار این دوسیروی

طبقات ارشناه میدهد.

اتخاذ دبا بوروزواری ملی در

هوش را بیمی برای این کرام

مش حکم گیان و نروختن

شوروزواری ملی در سیچ

اساسات میهن برتانه

و داد مهریا لبستی مسردم را

تا دیده گرفته و تناذهای

این شهروی احتماعی سا

امیر بالستی امروزه را

جوب نوطه و دنیا نقلاب جهان

امیر بالستی قبول دارد.

معاوی را که لاجرم سعادت صد بدی طبقات و سعیرا - تی کدرطی اسلاب دمسو - کراتیک و مداریا لیستی در آن بوجود می‌یدرائمه - بیسد.

ج - برای کرامیش تارو - تکیم اسلاب بمانندیک صحنه، جنگ است که طرفی در صوف منظم در برا بربیک دیگر قرار گرفته و هر یکی دستور شلیک و حمله را میدهد، و توجه متدارد که اسلاب در واقعیت امپریو، بیجیده شری از صفت بندی ها و تداخل صفحه ای طبقات درون جامعه سیر میکند و وضعیت های تو - یعنی به پیش میباشد که محتاج برنا مه خاص و نوینی میباشد، در برخانهای سیاسی - واقعیمدادی جامعه بطور میباشد و میعیت اسلابی را داشتم در حال رشدی بندارد. هر حرکتی از سوی طبقات متعدد میگردد. س - شهدا به مبارزه میان اسلاب و مداری اسلاب اعتقاد دارد. دوخط مثی و بادوراه بیشتر در برا برانقلاب نمیباشد. بیندو آسرا مطلق مینماید. قادر به تشخیص سایه روش ها و کرامیشان مختلف میان طیف اینقلاب و غذا نقلاب نمیباشد. هر مبارزه ای جزء مبارزه میان هست. هر مبارزه ای که خود براها است و هنهاست با انحرافی است و ها در خدمت صد اسلاب . نفق طبقات بیننا بینی در میان طیف اینقلاب و غذا نقلاب را نماید. گرفته و پیش از آن کم سهای میدهد. هر کات این طبقات و موقعیت های ممتازی را که ممکن است در جریان اینقلاب بسته آورده ناشی از ایک اشتباه تاریخ قلمداد میباشد. کنم، آنرا کاذب میخورد و با در خدمت توطه های دشمنان اینقلاب (بوروزواری) میباشد. بنداره، قابل به مراری اینقلاب را این اشتباه تاریخ قلمداد میباشد. در خدمت توطه های دشمنان اینقلاب (بوروزواری) میباشد. بنداره، قابل به مراری اینقلاب را این اشتباه تاریخ قلمداد میباشد. تکا ملی در اینقلاب دموکرا - تیک نمیباشد، و دوره های

د - خطراست روی و مازشه کاری شهدا خطری است که اینان در درون جنین خود اینان میباشد، و شهدا همچه از انحراف را میباشد. اینان تنها خطرو را است را میبیند چرا که فکر میکنند راست روی تنها با نفواد بدولوزیکی سیاسی بوروزواری (ولذا سازشکاری و صد اینقلابی) در درون جنین است، "چه" روی سرای این کرامیش تنها حکم پک اشتباه و پاحدشه عبر مترقبه را در دولت این اهمیت طبقاتی و تعیین کننده ای برای آن قابل بیستند. و با این حال



## لریس گیشیم در

### ایدیولوژی ۶

#### لیلایست و تشكیلات

نیستی مانیزا زمیان قشر روش آن طبقه در خدمت تحکیم سرمایه فکران خرد، بورزوای برخاسته داردی و باسته قلمداد میشود، ولذا سیاری از کراپتا سپا - همکو دتای امیری بالیستی علیه می خرده بورزوای را با حسود رزیم جمهوری اسلامی ( وايدا ) حمل میمایند. در عین حال علیه بورزوای ملی ) حرکت جامد مادرای جمیعت کشمیر درجهت تحکیم سرمایه داری العداء از این طبقه است که وابسته !!

سیاست و جوحا کم بر جا معمده را در سیاست ، این طرز شدیداً تحت تاثیر خود قرار می - تغیر خود را در مقاطعه های زمانی دهد. لذا جیش کمونیستی ما مختلف عموماً بنکل " چب " روی هم از درون و هم از برو در معروف های کودکانه جلوه گر میسازد. این خط آزادگی های غیربرو - البته " چب " روی در طاه هر لشی و خرد، بورزوای قرار ام، و در این و در ادامه دارد. ولی خصوصیات فکری سکانی خود را است روی محض کلی این قشر را بیدلولوزی، مجرم میگردد. زمینه یک چیز سیاست و تشكیلات چنین است : سفیر و تحولی را امروزه من - از منطقه نظرای بیدلولوزی - هدنه میکیم. برای سمعته با سکری و طرز تفکر - کراپشن کسانیکه معتقدند جدا شنکلاب این قشر از روش شفکران بکمال وارتجاع حاکم است ، صداق لاب سه کری و غلو و پرجسته نمودن و ارتخاع دیگری بدایران دهنی کرانه یک چیز از قضاای حمله کرده است ، و تا قبل از اجتماعی - سیاسی است. و حمله عراق به ایران لبه تیر ارآ جایشکه این قشر روش شفکران حمله متوجه ارتجاع و ضاد نقلاب ان عموماً از برو و تولیم سد حاکم بوده است ، و با حدیث اجتماعی بدور میباشد و منبع شمین ارزیابی طبقاتی پس از تعذیب فکریستان را بطور عمده حمله عراق ، لبه تبریز حمله شوشتخت شنکل میدهد ، گرای متجوجه ارتجاع خارجی میگردد. پس به جرم اندیشه و دهنی گردی آنکه ما است که نتیجه منطقی در میان اینان بیوریا فست بعدی چنین طرز تفکری مأذون میگردد. اکرواقیات مبارزه بودن وحدت ویا اتحادیاً علیقاشی طبق فرمولهای خشک ارتجاع داخل در حین حفظ این مده پیش سروبدانحالاً. قبول کردن ما هیئت ارتجاعی میشود. خصوصیت استیحالی برای این عددندار مسخره میگردد. مادر فوق بسیاری از خصوصیات گراپشن تروتسکیسم خریان جامعه بلکد طسو پیش فرض های اینان فشر را در عرصه سیاست گوش داده است. در میان این فشر عمارت پردازیهای بر طبقه ای و بدون پایه " سرمایه داری وابسته " ، " این توطنده " ایست در خدمت سرمایه داری رهبری بورزوایی ، درنهایت نق شالشی وجود ندارد. در میان این طبقه در مجموع یا میتواند تحت رهبری برولتاریا فراگیرد و با تحت رهبری این طبقه ، بورزوایی در عدم توانایی برولتاریا در رهبری این طبقه ، بورزوایی لیبرال این طبقه را شدیداً تحت تاثیر خود قرار داده و آنرا دشمنانه خود میشود. این جنبه مخفی این طبقه است که در میان از راست اینجا عی میگیرد. شجزیه میمیز از جمله نتایج همکری این طبقه میگردد. اکثر اعماق جنیش کمسو -

مسارزهای این کراسنی سیزیار ویزیوسیم و راست روی در حمله پراکنی و مسارزه با طوا هر راست روی محدود میگردد. ه - این کراپشن فکری در زما سیکه مسئله ملی در مطیح کشوری ، معنی تفاصیل حلقه ای ایران و امیریا - لیم حدت خاکی میباشد و عمر ملی شدیداً تغییت شده و بدیکی از ارکان وحدت توده های مردم بدل میشود ، مهلك ترین صربات را بر سیروها اشغالی وارد می - آورد. این کراپشن با عدم توجه به این رکن میزانتی عملانه عامل ساعی افکن درون صفر توده میشود تبدیل شده و با جایگزینی ذهنی کراپشن تفاصیل عده و غیر عده به عالم عیسی ( آنکه اینا آنکه ) امیریا لیم تبدیل میگردد. البته نیروی عملی آن در پیشبردا مورونهندرون توده مردم را چیز است ولیکن مصالح پر ارزشی را برای بورزوایی آماده مینماید تا کمونیسم و مارکسیسم - لینینیسم اشغالی را بآبرو و بسی حیا میکند. برخورد ارتجاعی برخی از سیروهای " چب " نسبت به تجسس از عراق ولاپالیگری آنسان در مقابل حرکت میمین بسرمه سنا نشوده های مردم و گرامی اهمیت جلوه دادن خطمر شجزیه میمیز از جمله نتایج همکری میگردد. یک چنین کراپشن مکری است .

سکات بالا ، محصسری  
خطه‌نگار کده‌نگل "چپ سما" مادرآ پندت می  
بود از مختصات کراپت نtro - بی "مفترط در کشور ما طاهر  
سکبستی که در پیش از  
هرات این کراپت شرایط معاور  
کسرده، عراق به ایران سما -  
را در جنبش خودمان تحریمه  
ستی ارتقا عی را به پیش  
گذارده، میباشند ماطعه  
و تحلیل کنیم!



نقل از حقیقت ۹۲ - ۱۷ مهر ۱۳۰۹

سکات بالا ، محصسری  
بود از مختصات کراپت نtro -  
سکبستی که در پیش از  
هرات این کراپت شرایط معاور  
کسرده، عراق به ایران سما -  
تا ریخ مبارزات خلقها بر رور  
کرده، و کشور ما هم از این امر  
مستثنی نیست، این کراپت  
خطه‌نگار، در دروازه حسنه  
بر رکترین فربات را به جنبش  
وضعیت فکری و عملی ای  
های رهایی بخواهد وارد آورده و  
با عث شکست های در دنگ  
گردیده است، با این کراپت  
\* \* \* \*

مردم آماده مبارزه نداشته  
پایی جان هستند،  
این شور انقلابی را  
باید شدیداً ثقویت  
کرده و با تکیه بر این  
نیروی اصلی انقلاب،  
اشرار بعضی را نار و  
مار کرد!

# درباره نظرات انحرافی راهکارگر پیامون جنگ کنونی

جز مقنای از مصادر معتبر پردازیهای سی و بسط جیزی تجویل خواسته شد: شیوه: درویزه نامه (۱) شماره ۴۳-۶۲

دریاچه جوار این جنگ را تجاوز کارانشی دانمیم. میتوییم:

سلانه دلیل اینکه حکومت ایران یک حکومت اقلایی، دمکراتیک و خلق‌آهنگ است (پراکنده درست نگیری این است) بلکه دقیقاً با این دلیل که جنگ عراق با حکومت اسلامی بیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد خلق ماست.

اگر هم محض این عمل از پردازی های روشن‌فکر مآبانه برای کسی روش شود، متأثر دلیلی سرتاج و زکاربودن عراق نیست. مثلاً اگر جنگ عراق بسر فرض بر علیه عملت ما شیوه معنی توانست تجاوز کارانه باشد. تاریخ شیری تا کنون بهای خوش از این جنگ را ارشاد داده است که بدون اینکه مردم یک کشورهای بیرون واسطه یک نیروی خارجی باشند کشور آنان مورد تجاوز قرار گرفته است. مانند بسیاری از جنگ های امیریالیستی.

و درویزه نامه (۲)، همین شماره با زمینه‌برامون علت تجاوز کارانه دانست جنگ می‌گوید:

"این جنگ از طرف رژیم بعثت عراق برای این تحمیل شده است. که از کشیات مهی است که "راهکارگر" برای گشودن راه کارگران به آن نائل آمده است!"

در شماره ۴۴ همین تشریف شعر که گویا تحت فشار بیشتری برای دست بودا شدن از عبارت بردار، بهای سی و بسط فرار گرفتاده، کوشش دیگری برای توضیح ما - هیبت این جنگ می‌نماید: پیامون ماهیت جنگ: "-

حکومت اسلامی" بتواند خود را مثبت کند، درکشیده اش برای وسیعیت خود مثبت به جنگ احتیا لایم ادب بدلتر از وظیعی کنونی از حاکمیت دور از - خواهد بود که اکنون رژیم بعثت آفتد. البته دور افتادن "راه" در عراق موجود است. "کارگر" از حاکمیت - لینیسم در راه کارگر شماره ۴۴ - یکی از اعلی شرکت کمونیستها

در این جنگ ایران علیه عراق را با توضیح اینکه خود قساد داشتند و شرایط کنونی حکومتی اش قرا رشتیت با مارکسیسم می‌گوید" کمونیستها در این جنگ شرکت می‌کنند و می‌دانند. شرکت در جنگ سقا و مت در این عادت کنونی توانند باشد. در موضع علی و عینی درستی شرمی توانند حای گیرند. شعار اصلی "راهکارگر" در مردم جنگ ایران و عراق، "دفاع از میهن" است که در جای خود فاصل متودن می‌باشد، جراحت عمل احکمی که "راهکارگر" در فیان هوا داران خود را در این جنگ شرکت کمونیستها باشد. و میهن ماست. ولیکن "راه کارگر" با معیارها و توجههاش که برای این شعار خود را در جنگ ازقدرت و سیدن از حمله های ازقدرت و سیدن حکومتی هارترو... است!!

معنی درگفته اول حکومت اسلامی با پیروزی خود یک حکومت هاست که را تراز عراق در ایران را بسیار خواهد ورد و در گفتارهای دوم، علت شرکت کمونیستها در جنگ علیه عراق برای جلوگیری ازقدرت و سیدن حکومتی هارترو... است!! آقایان کمونیستها دیوانه نیستند! و چنین تناقض - گوشی های بی ربط از دهانش خارج شی شود در این نوع جنگ های خیالی شاهمه شرکت نمی‌کنند!

ما در ذیل به شرح نظرات "راهکارگر" بطور خلاصه می‌بینیم. با تذکراین مطلب که رشته ای کدتمنی "استدلالت" راهکارگر را بهم بیوئندیم - دهد، همان در این جمله خلاصه می‌گردد که "بد ما تجاوز شده" می‌گردید. شده اندورت گیرد. برای اراده شنودهای از این تناقض گوشی های "راهکارگر" بسیار موقوع از دویزه نامه (۲) شماره ۴۴ و شماره ۴۵ "راهکارگر" شده است.

در ماره ۴۴ همین تشریف شعر علیرغم اینکه "راهکارگر" جنگ می‌شوند، است که در اینجا سهمی و جمه منظور دفاع از مضمون و معنای این نقل قول هاست: در منتجه این جنگ "اگر

برای هر مارکستی تعبیین می‌هیت بدبده، اولین شرط ضوری سرای شناختن آن ولد شعبین روش خود را می‌شناختند. می‌پاشد. وابن نیز به شنیدهار موردنیتی روش کمونیستها نسبت به جنگ کنیتی صدق می‌کند. بلکه قبل آن نیز می‌شد

شرا بیط میشی که به جنس عنگی با داده است مورش بررسی قرار گیرد. جنگ چرا آغاز شد، کدام سیاست های این جنگ منجر شد، و اهداف شرکت کنندگان در این جنگ جستجو چه کسانی در آن شرکت می‌کنند. خلاصه این جنگ پیش است میرای جیت و بر علیه کیست؟ کوالات مقدماتی هستند که هر مارکستی قبیل از تعبیین روش خود را می‌شناختند. می‌باشد. ولیکن برای مک سوروزوا خود را خرد می‌بینند. شما هست جنگ و شهادت و شیرهای شرکت کنندگان در آن تعبیین کنندگ است. نقطه‌گذاری از تحمل و تعیین روش یک خرد بورزو و یا بورزو این است که این جنگ چه منافعی سایه از داشته و باجه کی اول حکم را شروع کردوایا این جنگ سر علیه من و باش نفعی من است. بمرحبه شرابط و باخسی که این خرد بورزو و یا بورزو می‌باشد. می‌باشد. موضع می‌دهد، در این شرایط نیروهای متخاصم، درصفحه حق و یا ناحق و یا سطح کلی تا حق (جهد و طرف می‌باشد) تو اندمشترکاً تا حق باشد) فرا رکبرد. آنها دشن به میان تجاوز کرده است؟ اولین سوال و اینکه "خود بورزو و یا سورزو" باشد. برای تعبیین روش خود می‌باشد.

د اهکارگر "برای تعبیین روش خود را مثبت به جنگ کنونی از جنین مبنای شرکت می‌باشد. البته "راهکارگر" بسیار دشمنی دارد. از تعبیین روش خود را مثبت به جنگ دست بده توضیح و توجههاست

دست بده توضیح و توجههاست

نظر ما در صورتی بک جنگ را می -  
شوان جنگ منا و مت در راه است  
علیه ایران هدف شد چیست ؟  
شجا و زوجنکی بروای دفاع از  
میهن نا مبدک در بیک سوی آن  
سنافع توده های خلق فرار گرفته  
باشد . " و در حای دیگر " از  
رازم طفره روی از اصل قصبه !

## ثرباره نظرات انجمنی راه کارگر

با لامه معلوم نیست که با هیبت  
این جنگ چیست ؟ مکرمه رئیس  
تبعا و زی اجتماعی است . بوسیما  
مکر هر نوع دفاع از میهنی . راه  
متفرقی ! خیر . همه این هم  
بستگی به چوای سید موالی انتسی  
دارند که در سراسر ایران مقاله داشاره  
وقتی است . ماهیت جنگ طرفین  
هدور رسان آن باشد و حضور  
جنگ واحد جنگی بینکه جنگ  
علیه کیست مطرح بی شاند .  
راه کارگر همچیز کجالزومنی  
نمیدارد است که اذعان به متفرقی  
بودن دفاع از میهن و " جنگ  
متناومت " نیم بطور منصف در  
سازمان ایران ایران ایران  
و عراق پنهانی خواهد بود .  
جنگ افتاده است . ولی علت عدم  
عی است . با متفرقی از درمورد .  
از زیبایی " راه کارگر " از ملحتی  
طرفین جنگ . بیان چنین تصویر و دلیل کتابی در دیگر  
ناهنجاری رو برو و میشونم .  
بلولا : " حکومت اسلامی - آمریکایی زا پروریم " جنگ  
یک حکومت وابسته به آمریکا مردمی " اسلامی ترجیح میدارد .  
و دست نشانده نیست بلکه " المیت نویستگان " راه کارگر  
حکومتی است منتقل " ولیسی کمی قضیه را بیشتر توضیح نماید .  
حکومتی است ضد مکراتیک . اندکه جای توجه است .  
وصدا شغلی . " ویژه نامه " در آین بیان مکراتیک  
رو ۴۳۶ و در ویژه نامه ۴۵مین که " راه کارگر " برای خواست  
شاره حق کوبیده حکومت خوشی کان خود ترسیم کرد ، جای  
یک حکومت خدا غفلاتی و فتنه آمریکا خالی بود که اینکه بشه  
مردمی است . " . . . . . آن میپردازد . جرا آمریکا دارد  
خانه . " رژیم عتسویان . این جنگ و راهشده است و می  
شیزیک و زیم شا و میشه آصرت . نیشت سرعت آق قزاق گرفته است .  
بیک است واژ لحاظ میاسی لا اغسل . --- اولاً حکم کلی و بھی صورت  
تبا این لحظیک رژیم مستنسیل . سوارا راشه صیذ هد میشی برا مینکه  
است . ولی این رژیم شیر خد . " آمریکا لیسم و فدا انتقال و فد  
مردمی و فدا شغلی ایست . " و در افق در مجموع خنازع میشکی  
جای دیگر " خدم مکراتیک " . " حدا و میش . " ویژه نامه ۴ - نوا من  
ویژه نامه ۴ - شاره ۴۳ . " که " اعتماد آمریکا و مساق در  
میش طولین جنگ از ماهیت واحد حمله به ایران ایاشترانگ منل  
هر خود را و شد . " . . . . . فتح عیشی آنها ریشه میگیرد :

رونق بدھو . . . " ( هردو تسلی  
قول ازویژه نامه ) .  
تا اینجا بین رافهمیدم  
که علت تحاوز عراق از نقطه نظر  
آمریکا است که خسیر اکا .  
تدبیخوبی برای سازمانی  
سرمایه داری وابستگی پسند  
وازن نقطه نظر عراق به ۲ علت  
تفصیل . بکمفوذا صلام در عراق ،  
دو هم ایران علیه عراق چنین  
خلی عراق ، و سوم برای راه  
انداختن بان عربیم خود و  
هیین .  
ما با لآخره تفهمیدم که  
بنای بجهة علیتی " راه کارگر "  
تجاویز عراق را " بیش از آنکه  
علیه حکومت اسلامی " بدلند .  
علیه خلق " مامیداند الله  
واعلم !  
علوم مبتدکه این عبارت  
بردازیهای " راه کارگر " بپرس  
امون تحاوز عراق به خلق هد  
بی خود بوده است . و تنها برای  
حالی نبودن عربیم طرح شد  
که با لآخره " خلت " هم جایی در  
این تصویر کذاشی داشتم بلند .  
این از ماهیت جنگ و ما .  
هیت شرکت کنندگان در دو سوی  
این جنگ از نظر " راه کارگر ".  
حال چرا باید ما را کسبت  
هادرا این جنگ شرکت نمایم .  
جنگی که به نظر " راه کارگر "  
دو سوی آن خدمتی و مسویت  
عربیان ترآن مگوشیم ، او تجا  
عی است . " حاکماً متعده " مردم  
در این میانه که معلوم شدیم خود  
طرح گردیده است . ولی با این  
تفاسیر تویستگان " راه کارگر "  
اصراحت برای دفاع از میهن  
این جنگ " برای دفاع از میهن  
شرکت است و آنهم فعال است . این  
رهنخود غفلی که قابل قبول  
برای مانیز است ، در تفاوی  
با آنها و آنکیزهای فکری و  
تشویی های نویستگان " راه  
کارگر " فرازدارد . کمینهای دو  
و ارادت با ضریب زدن به حکومت  
اسلامی اولاً مطوف تعالی بازیاران  
داخلي مقامات کنند ( حتماً این  
همبرایی با زیارتی سرمایه داری  
و آبسته است ) و ثانیاً بساز  
دیگریان هر یکم حرث بیست را

است به سرپوشت انقلاب و چگو-  
نگی بیشتر دان.

ولبک توپتندگان راه  
کارگران این موضوع را قبول  
نمودند و بطور برجسته ای به  
توجهی این اشراف خودمی-  
سست خواهند گرفت. "راه کارگر"  
با تکید برشوار "دفاع از میهن" توضیح اصل قضیده را توجیه می-  
کند که این شعار خودروی خود را در عکس العمل نسبت  
به فشارها بایی در شاره ضمیمه  
های سیش از هر جزء نکست سیاسی  
۲۵ خود آورده است میگویند  
شوریک خود را اشناخ می دهد.  
"علیرغم اوزیماهی مریضی که  
از ماهیت ارتقا می وظیفه  
میتوان از تحیل های "راه" - حکومت داریم جنگ کنونی را  
کارگر دریافت کرد، همان‌ت از حاضر عراق تجاوز کارهای  
جانب توده‌های ایران جنگ  
حقاً وقت می داشتیم....."

همان ظور یکه ملاحظه می-  
نمایشید، راه کارگر مجدد از اهل  
قضیه طفره میروند، و با زخم حسنه  
حرهای سی ربط را می زند. آیا  
این جنگ عادله است؟ "راه" -  
کارگرها صخی به این ماله  
تحمیده دهند از انسانی تواند تکبیر  
درستی را اتخاذ کند. اینکه  
جهنمروها بایی در طرفین جنگ  
شرکت دا وند منصب مقتبه  
مهمتر که جنگ بوسیله خبرت حا-  
- مگاه اشاعی و رائالتخاتمی کند،

"راه کارگر" معتقد است خاص  
اصلی جامعه ماقبل اینکه  
سرمه بوده و سرمایه داری و ا-  
بسته شکل غالب مناسبات تو-  
لیدی برجا ممکن است بوزانیکه  
بر جم دفاع از استقلال و میهمی  
دانیکی افزاییدا جدا کشون  
انقلاب از استقلال صنعتی شنها  
یک درگز دویزیونیستی دا از  
ارتجاعی غنیاند با ظرفه  
ماهیت اینقلاب و وظایف انقلاب - وقتی از این موضوع یک اصل  
در برابرها اراده میدهد. چهه  
برای یک ما را کمیت لیستیست  
استقلال یک کشور جزیی از مقوله  
انقلاب و مربوط به چکونگی شرکت  
پیش‌رفت آن است موالا جدا کردن - تعیین نیازگرند. اصل مقدم تر  
استقلال از انقلاب و چشم پوشی - این است که یک مارکسیست

نسبت به حاکمیت سیاسی و صفت  
منها بعد از تسمین ما هست یک  
بنده طبقات در آن کشور و سر-  
نشست انقلاب بسته اینکه درزی - گندیده در آن خی بود از دو اشکاه  
مورث و اهای "استقلال" است. اشت که میتوانند روشن خود را -  
استقلال کشور را که در او تبیان شد - تسبت به شریروهای شرکت کننده  
متقیم باید از هدا امیریان - و متینین شاید - این  
لهمتی فلکه ای دارد، از منقطعه تظری  
بیویا لیسم علیه تسبتها مربوط

میگوید "رژیم اسلامی تخبیر  
ما هست نداده است (ما هست  
این رژیم از نظر ایمان = ضد  
انقلابی - ضد مردمی) دفاع ما  
از میهن شاید معنای ربخش  
آب تطهیر بر سرمه های اسلامی  
باند" و بزم این میهانه میگردید که

## درباره

### نقشات

#### انحرافی راه کارگر

معنای جز دفاع از میهن "را کارگر" از زوایش را بروزرا می‌ایی "شادر و نسیم" ساده می‌گردید. حکومت ناوابسته  
شناخته شده است، این شمار حمیمی را ترجیح داد و دفاع  
نارسایی سروهای سار - از میهن واستقلال معنای جز  
کست - لبیت و انتلاسی آب تطهیر ریختن از سوی "جب"  
کنورهایی است که تحت ملطه، نمایان نمی توانند باشد. دفاع  
امیریا لیسم هستند و انتلاشان از استقلال ایران دو شرایط  
در مرحله دموکراتیک و ملایی کشونی علایم معنای دفاع از  
هر آزاده. آین شعار، شمار حکومت خوبی است، هر چند که  
دقایق جیشی در زمان انتقال بعدی دو شفکران جب نمایان  
چین مشارفهای وستایی در خوش آیندی باشد.  
زمان استقلال دستیام و بوده نقطه نظرات راه کارگر  
است و در عمل صحت خود را اینه از جنگ ایران و عراق، باطنره  
آزموده است. "راه کارگر" نیز روی های پیامی آن از احوال  
بطور غیر مستقیم مجبور به  
ادعا نهیں موضع اینست  
بحوزت خجالتی و غیر مارکسیستی  
آن شده است. "ما بک دولت نا  
وابسته راه چند که این دولت  
خدمه دکار است باشد، بخلافه آن جنگ  
است که ما هست جنگ در واقع  
که تهاوز راه امیریا لیسم روی کار  
خواهد آورد، مسلمان و قطعاً ترجیح  
می دهیم، و بزم این و در جای  
دیگر میگوید "استقلال سیاسی  
بکی از دست اوردهای قیام آمریکا با خوبی هم برسد  
بهمن بوده و دفاع از آن در برابر آن زمانی سرمایه داری وابسته  
توطنهای امیریا لیسم و تهاوز کذاشی است. گویی که خوبی  
خواهی ضروری است و بزم این می داند  
ترجم دادن یک دولت نیا است و "سرخوردگی امیریا لیسم  
وایستیه دولتی وابسته، یعنی آمریکا از حکومت اسلامی "با عذر  
دفاع از آن در مقابل این آن شده است که آمریکا مجبور  
دیگری استقلال سیاسی که داده  
کارگر بر راستی مگی از دست اورده  
های قیام بدهم ماه می داند  
جیزی جزو محدود حکومت خوبی  
نیست که خود را ملزم به دفاع  
نه خوبی و طبقه اور اشاغه و شهادت  
از آن ساخته است. ولی مثل این آمیریا لیسم را می شناسد "راه  
که راه کارگر" از این اعتراض خود کارگر قادر نیست به هم که  
هر آین داشته باشد مهیا را می  
نگهداشتن قافیه باتفاق "جب"  
تضاد میان ملل متعدد و کشور  
که هنوز درست آنان قرار گرفته های امیریا لیستی برسد.

# لوباید نظرات

## آخر افی راه کارگر

حکومت اسلامی و ... تدریطی  
چند شماره منشی خود بیرامون  
جنگ ایران و عراق مطرح کرده  
است که مخاطر فرعی بودن آن  
نتیجت به ماله اصلی بحث  
از آن فعلاً می‌گذریم .  
ما از اینکه "واه کارگر"  
توانسته است در عمل موضوع  
درستی را اتخاذ کند نمیتواند  
نمی خرستند باشم . لبک شا  
آنجا شیکه نویسنده کان راه -  
کارگر "با طفره روی ازمایل  
مرکزی بحث جاری درون جنبش  
کمونیستی پیرامون ما میت  
جنگ و ماهیت طرفین حنگ و  
اوپاچ واحوالی که منجربه  
این جنگ شده دست به طرح  
یکسری احکام کائوتیکیتی  
وادرآکات النقاٹی از مایل  
موردمشا جرمه زده و آشان وابه  
منابه مارکسیسم تحويل خواه  
شندگان خود می دهد . نمی  
توانیم نکوت اختیار کنیم .  
در خاتمه چند نکته را لازم  
بهمذکوری داشیم :

اولاً "نویسنده کان راه -  
کارگر" موظفند پیرامون ترا  
های سابق خود در ساره "کاست  
حکومتی" ، "سرمهیداری" و  
بسته "بودن جاصمه و توپوژی"  
آمیز خواندن صاوزات خند  
امیریالیستی مردم ایران و  
یکسری احکام شاد ریت دیگری  
که تاکشنون طرح کرده و در عمل  
نادرستی خود را ثابت کرده است  
با مذکوبها شند . حبشه ما محفل  
روشن فکرانه نیست که هر که خبر  
چدیش خواست بگوید و بگشته ،  
وحاب پس ندهد .

ثانیاً : "راه کارگر"  
ما باید تکلیف خود را تا خط چیز  
نها بانه و تروتکیستی موجود  
در چنین ماکما مأمور زده بیان مازمان  
مرتد "بیکار" علم دار آن شده  
است و اخراج "جب راه کارگر"  
مرحله نتویستی از ارتدا متكامل  
داده است درون نموده موضوع  
واضح و بدون اینها می را تخداد  
نمایند .

ثالثاً : مادرطی این  
مثال که ترمد اخراج "راه -

و به مایلی تی پردازد که در  
وسطی به جنگ میان ایران و  
عراق - جزو ادب صوری آن -  
ندازد . برای مثال در مشور  
تحاوز زا پن مهجن سادگی از  
دوی یک بدیده مم می گزند  
و نتایجی را که باید استنتاج  
کند نمی کنند .

در این ساره میخواهیم  
تحاوز زا پن در جنگ جیانی  
دوم به جیس و هندوچین موحسب  
گردیده که مونیپیتیا برای  
سازمان دادن به یک جنگ مقا  
ومت خذای اینی میبا خیزند (که  
درست است) در حالیکه میدلیم  
در همان زمان در چین حکومت  
ضدانقلابی کومنی دان میبا  
کوشیتیها در عالم جنگ بسود .  
اولًا حکومت کومنی دان تنها  
ضدانقلابی خشک و خالی نبود  
حکومت کومنی دان تنها نشده  
امیریالیسم آمریکا و متحدین  
نشود ایل و کبیر ادورها و بورو -  
کراتهای ولیستی بود . ثانیاً  
تفاوت عدمه جا میمیین در آن  
قطع بین سالهای ۱۹۳۱-۱۹۴۲  
شاقبل از تجاوز زا پن مت خاد  
میان خلق و امیریالیسم و  
شودالیسم سرکردی جیل  
نکاییک بود . نوع و انقلاب آن  
انقلاب ارضی بود . ولی با  
تجاور زا پن به خاک چین تقاد  
های خود را عوض کرده و تقاد  
عمده به تقادیان همه مردم  
چین با مت جا وزین ژا هست .  
مت خاد چینی زاین و ترو -  
متکیتیها چینی تغییر بافت  
شالش ، حزب کمونیست چین با  
کومنی دان تقاد خذای اینی  
تکمیل دادند و در جبهه واحدی  
گردهم آمدند . راه کارگر که  
معتقد است حکومت حبشه  
مستقل از آمریکا بود و فقط  
ضدانقلابی و ضدردمی است .  
آیا احضر است با آن عقد اتحاد  
میشند؟ امیدواریم که نه  
بیشندگان "راه کارگر" پیرامون  
این صاله نیز این را منتظر میباشند؟

این میان وجود این نموده  
نه دیگری از وقایع تاریخی  
مددجهایان بعد از اشغال فرانسه . راه کارگر  
مایل متعددی و سلط و با وسط  
دیگری شیزمانندجا یکاه  
شوری و معاقب این جنگ میگرد  
و مقاومت در برابر تجاوز تبدیل  
با زخم هجای اخراج میگرد

زی قا شیت آلمان بود که  
حکومیت سهای را در فرانسه  
اعمال می نمود . میبا رزه علیه  
ناشیم و حنگ امیریالیستی  
در فرانسه نهشت مقاومت  
ملی علیدینیروهای مت جا و  
وحاکم جدید را بخود گرفت . طول  
این مثال جه ربطی به جنگ  
کنونی دارد . آیا منظور "راه  
کارگر" میبا رزه علیه هر دو شیوه  
پیش شرط شمیس روش او نیست  
بآن می باشد . بخرا رسی  
در باره "هرولتاریا و جنگ"  
حدل ۳۶ - صفحه ۴۰۲-۴۹۲

زمانیکه "راه کارگر"  
برای توجیه نقطه نظرات التنان  
طی خود بیرونی نموده های شاره  
اینی رجوع می شاید . باز هم  
از اهل فضیله اخراج می روی  
اولین مثال "راه کارگر"  
مرسوط میشود . جنگ جهانی  
دوم و ماله اشغال فرانسه  
شوط آلمان خود "راه کارگر"  
اذعان میکند که جنگ میان  
آلمان و فرانسه "جنگی امیری  
مالیستی" "راه کارگر" تقسیم  
مددجهایان بوده است . یعنی  
دھوای دودزدیگر سرچاول مردم  
طبیعتاً موضع انتقامی در پیشین  
جنگی همانا مخالفت با جنگ  
که در برگیرنده می بازد علیه  
هر دو سر زوازی جنگ افروزانست  
که در مقطع جنگ جهانی دو هنگ  
مساره "ضيقا شستی را بخود  
گرفت سولی معلوم نیست . بربط  
اچن مثال به موضوع جنگ کنونی  
پیش برتند؟

جنگ امیریالیستی میان "راه کارگر" میگرد  
آلمان و فرانسه برای تقسیم  
نه دیگری از وقایع تاریخی  
مددجهایان بعد از اشغال فرانسه . راه کارگر  
مایل متعددی و سلط و با وسط  
دیگری شیزمانندجا یکاه  
شوری و معاقب این جنگ میگرد

عینی درستی در دفاع از میهرا بیشتر داشت اما ایران را هدایت ساخته است ماتحت نیز است شری را انتخاذ نمایند.

انحرافات خودستوار نمیدارا میر

نقل از حقیقت ۹۳ - ویژه نامه - ۲۸ مهر ۱۳۵۹

که "راه کارکر" موضع خطرنا -

کی رأبیرا مون این ماله مهم کرامنه اش در قالب سوال

امپریالیسم و روسیویسم اتفاق نذکر است و ساده این

مرخوردی اصولی و جدی بود. و در خانمه ما اسدواریم به وقت دیگر و امی کناریم.

ولیکن خاطرنشان حی سادس

که "راه کارکر" که عملی در موضع

کارکر" بسیار موضع توجیه کرامنه اش در قالب سوال

امپریالیسم و روسیویسم روی داشتیم و این کار را

به وقت دیگر و امی کناریم.

ولیکن خاطرنشان حی سادس

# التفاوضی اصولی در فتاویٰ "رژمندگان" در قبال جنگ

انقلاب و کشور در برآ بریک تها  
جم خارجی مقابله با یک نقشه،  
اسارتگرانه، امپریالیستی

است. در این طرف جنگ  
جنپیش خدا امپریالیستی ایران  
و همه نیروها و توده هاش که  
علیه قدرت های امپریالیستی  
ورژیمهای دست نشانده در کشور  
هاشان میرز مندقرا و گرفته -

اند. سیاست حاکم بجز این طرف  
تنبیه، منطقی دشنی رژیم ضد  
ملی و فاشیستی عراق با انتقال  
ایران و تأشیرات این انقلاب  
در منطقه، محصول واسکنی

دارودسته های حاکم بجز این طرف  
ست مقابله با امپریالیسم،  
جهات مخالفت با قدرتهای  
امپریالیستی و مزدوری پژوهانها  
حاکم است. بعبارت دیگر ما -  
هریت جنگ در هردو طرف کاملاً  
ختن حکومت خمینی و خلامی با -

روشن است و همه آنقلابیون و  
آزادی خواهان، چه در ایران چه  
در عراق و چه در سایر کشورها،  
با یددراجات بکطرف ( طرف  
کسبرادر و مزدور ایرانی ) - ایران ) و در برآ بر طرف دیگر  
باشد. جنگ تحاوز کارانه، ( طرف عراق ) ایستاده و سیاست  
کاملاً متعادل نمایند بسیار

زمان را در این جنگ برمیلا  
زمان را در اینجا و آنجا به هم  
در دی شرکتیانه با هوا داران  
خط منی انتقال شکنانه و پسند  
میهی مردان جب نمایند. و فناشتی  
را هی نیم بند در جنگ کنونی ارجاع منطقه را دریشت -

لیکن طرز تلفی سازمان  
"رژمندگان" از این جنگ واژ  
وظیف حنث کمونیستی در  
ترتیب خارجی روانه تهارات  
مارکسیم لسینیم را برآورده  
نمیکند و فتاوی اصولی، بسیار  
و مستقیم بر حرکت بک برولتر  
اسفلسی و آکا را نمی نمایند.  
سررسی مقاولات نشانه آن سا -

رمان یک مرستی اصولی، صریح  
وحدی راسخ این منحط و تر -  
و تکیتی ماسنده حاکم بر  
گروههای سپر "بیکار" و  
درورعایی "نستان سی -

هدویلکه نوعی محاشات ساین  
خط منی، نوعی کح دار و مریز  
در رخوردش جنگ کنونی و مسا -  
تل آن، راسخ اینه دال تا -  
میکند. تحلیل رهبران "رژ -  
مندگان" از ما هبیت جنگ گنو -

نی و دلیل و چگونگی شرکت  
کمونیستهای ایران در آن  
موقع غیر اصولی وال تقاضی  
ایشان را در این جنگ برمیلا  
زمان را در اینجا و آنجا به هم  
در دی شرکتیانه با هوا داران  
خط منی انتقال شکنانه و پسند  
میهی مردان جب نمایند. و فناشتی  
را هی نیم بند در جنگ کنونی ارجاع منطقه را دریشت -

خواهد گذاشت. دارودسته های  
هم اکنون ایران علیه عراق  
میکنند از طرف دیگر جنگی که  
موضع القاطع میگردند از این  
موضع انتقام از اینها را در میان  
تووده های ملت ما میگذاشند و  
در برآ برآ نهاده و مدارا و معا -  
شات در بیش گیرد.

آوردهای خدا امپریالیستی

و رژمندگان در قبال

# الْتَّفَاظُ وَبِي أَصْوَلِي

۱۰

**فعل و نادا مکه میاست حاکم بر**  
 **حکم** ) طبعاً "شوری پردازان  
 **حکم میاست مدانقلاب است ،**  
 **فایل اشخاص میباشد .**  
 **سایر حال مازمان "رز-**  
 **مدنگان" کمومیتبه را به شرکت**  
 **در جنگ تحت شرایط حاضر ،**  
 **البتدی است " دفاع از منافع**  
 **توده ها" ، و بدینه ببردا ریاز**  
 **شرابط جنگ برای بحث "کار**  
 **کران ، دهستان و زحمتکشانی**  
 **هستی اوتجا عی وغیر عادل است**  
 **حواهید بود . بطریق اولی حمل**  
 **بیت توده ها از با سداران ،**  
 **نند" ، از دست این مدانقلاب**  
 **ارتشیان میباشد بحث و پیروزی**  
 **فرامیخواند . این شناختی**  
 **والنتا ط در موضوع رهبران**  
 **رزمندگان" را در سخورد بده**  
 **جنگ کوشی چکوهدیتوان تو**  
 **چه کرد ؟ آیا در این صورت**  
 **دهیان نشست طلب "پیکار" و**  
 **همکیشان ایشان حق نخواهند**  
 **داشت که شوری پسردازان**  
 **آشده اند بیش "رزمندگان" را به**  
 **پیروی از منطق کاٹوکی ، که**  
 **صن قبول مقامدار ارجاعی و**  
 **اسارتگرانه حاکم بر طرفی**  
 **جنگ جهانی اول با نظر اغماض**  
 **بد شرکت موسیال گمکارانه دار**  
 **آن جنگ میتوکنیست ، متهم**  
 **گردانند ؟ رهبران "رزمند**  
 **گران" دو ترجیه موقع التفاخی**  
 **حستند که مردم نظر از ایشان**  
 **از موقع دفاع از منافع**  
 **توده ها" و مانیت خدشی بسا**  
 **" کارگران ، دهستانیان و**  
 **زحمتکشانی ... که مثلث می**  
 **کردند تا خود را از پیروی**  
 **خود این را میگویند که : " ما**  
 **ذرا س جنگ که جنگ " تحمیلی و**  
 **تجاوز کارانه آن توده های**  
 **وسیع مردم را به مثابه آن**  
 **کشانیده است . فقط و فقط باید**  
 **از موقع دفاع از منافع توبه**  
 **ها شرکت کنیم . " ( مقاله "**  
 **دفاع از ضد انتقلاب ...**  
 **البته کمونیستها همیشه و در هر**  
 **جنگ عادلانه ای از "موقع دفاع**  
 **از منافع توده ها" شرکت می**  
 **کنند ؟ لیکن "جنگ" تحمیلی و**  
 **تجاوز کارانه ای که آن توده های**  
 **وسیع مردم را به مقابله آن**  
 **بکشند " ضرورتا " به معنای**  
 **حقایقیت شرکت در جنگین جنگی و**  
 **بودن منافع توده ها در آن منی**  
 **باشد ؛ جه چشمکه ای ارجاعی**  
 **میان کشورهای مختلف سیز که**  
 **از هر دو سوی زبان خلقهای این**  
 **کشورها میباشد . بیهوده ای و**

همین پایه " رزمندگان " دریا - مازمان " رزمندگان " حاکم بر علیه چه کسانی میباشد ، می - تاشیده این حکومت وبا با پیج نویسید : " این جنگ از یکطرف و رحسری عصی و هواداران وی وارد این حکم شده است در خدمت خود را عمل خدمت " حفظ " همین حکومت و " مفاد " مفاد انتقلاب حاکم ایران می پیشی خدا انتقلاب دیگر بر علیه خلق باشد را زیر طرف دیگر بر علیه خلق قیصر مازمان ایران بعنی کارگران ، طبعاً مازده شان دارای باشد . همین شناختی است که تلاش میکردند تا خود را از زیسر بیوگ این خدا انتقلاب پرها شد . این جنگ که عراق از ایشان یعنی که گلشیم آغاز گردید است وظیفه دارد جمهوری اسلامی ایران را تغییف کند و از طرف دیگر وظیفه دارد شرایط را برای حکومتی داشت . همین هیات حاکمه و اساساً خود را بورژوازی حاکم را تغییف کند و از طرف دیگر وظیفه دارد شرایط را برای حکومتی داشت . در این مبارزه برعهده مخلوب ( بینی دار و میمه های شاهیر - ست و مزدور فشودال - کمپرا - دوری ) است . " واپسنه " کمو - نیستها با بد دوشاده شوده ها در این مبارزه برعهده تجسس و عراق و توطنهای امیریا لیس و ارتیاع مشطته شوکت جویید . ( مقاله " جنگ عراق و تسلط کتیک کمونیستها " ) لیکن اسکال کارا بینست که " رزمندگان " از موصی کاما ل اصولی به این نتیجه ، که کمونیستها سایه علائم را داشتند که عراق خود را برای حفظ خود ، و خلق برای دفاع از انتقلاب و دست اوردهای آن مبارزه میکند . اما این هیات حاکمه خود را بگردد خلق ایران است . و این جنگ نمی تواند بطوره جانبه و در مجموع خود مورده تا شیدکنونیستها واقع شود . ( مقاله " دفاع از ضد انتقلاب مجای دفاع از تسوده ها ؟ ! " )

سپاریت دیگر از نظر رزمندگان " جنگ از طرف عکو مت خوبی و پیروهاشی که زبر رهبری آن حستند ، ملیه تجاوز عراق و حاکم ایران امیریا لیست آن شیوه نجده سیان سیاست های حاکم بسزو و طرف جنگ ، که این جنگ محصول امور دتا شیدکمونیستها باشد ، جرا که این جنگ از طرف حکومتی سرخورد منطقی آنها میباشد ، ما هبنا " تفاوتی نمی بینیم . بلکه شناخت طراحته توده های ایرانی که خود زرسو غ فدا نشاند سندبا خطرناک انتقلاب دیگری سیکری در همین شماره از نشریه " رزمندگان " ، ادامه سیاست و پیج توده ها " برای مقاصد انتقلابی " میباشد . ( مقاله " رزمندگان " میباشد . برو جنگ ، توده ها و خود را برو

# التقطیوبی اصولی

جنگ تجاوز کارانه عراق  
علیه ایران و مقتاصلی که این

جنگ دنبال میکند متوجه هست

استقلاب در کشور است. سیهوده در این جنگ منطق، این طبقات مردم و نیروهای ملی سببت که این مازمان در تعریف "حفظ خود" به معنای حفظ کشور است. این جنگ بخشی از حودا ر" خلق قیصر مان ایران" خود در بر ایران امیریا البتهها و نقشه امیریا البتهها و نوکرانشان، تنها کارکارا، دهستان مسکراشان میباشد گرچه برای مهار کردن جنیش انتقامی و رحمتکنان "راده مدنه طبر" نتیجه بعده آن (نماینده) داشته و اصولاً خوده سور زوازی لزوماً) تحکیم این خود در برآ

شهری و بورزوازی ملی را کلا برآورده است. شالش" در این ارجاعی و فدمیلو احیاناً انتقال مبنیان خدا نقلاب، که حتی در جنگ درست آن جنگ از "خودی"

ضیرد عموی خدا امیریا البتهها هدف حمله و تجاوز مزدوران و پا

نیز جاشی مدارند، ارزیابی موران امیریا لیسم میباشد که میکند، در تحلیل این سازمان با صلطه کری امیریا لیسم و سیا

از جنگ کنونی میان ایران و سیا خاک و زور کوشی آشنا شد

عراق، از مقاصداً و تجاوزی دیگر رض داشته و بعلوه برای رژیم ها

فاصله عراق در جنگ تجاوز کارانه ارجاعی و دست شناخته منطقه اش و از ارتباط مستقیم این مانند عراق خط رنا ک است و

جنگ با سیاست امارتگرانه همین جنبه است که این درست

امیریا البتهها و دارو دسته های گان بین المللی و ایادی شان مزدوران برای این سیاست انتقامی خواهند شد

کشورها که این ارزیابی درستی اشغال بخشی از خاک ما و تلاش

بدهست داده شده است؛ ولیکن برای کودتا برائت کیخته است و مدلل همیشگفتگار این ارزه سیاست انتقامی "حرکوب خالق"

پا می نتایج منطقی نگرفته و کشتی جنگ ایران و سیا

جنگ از سوی عراق اساساً یکسان و سیاست انتقامی خود در برآورده است و میتواند کذا و مرجع

ما هیئت سیاست طرفین جنگ است آنند.

قرارداده اند، بحارت دیگر نتیجه اینکه سازمان

بهره هر دوی قدرت های سیزده و هشتران "رزمدگان" به مسئله "رزمدگان" از یک موضع فیز

مقابل همیشگفتگار این ارزه امریکا و شوروی "مرفا" بحث واقعیت

کاران بیش، یعنی به مسئله کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ سیا

مقابل همیشگفتگار این ارزه امریکا و شوروی "مرفا" تحمیلی و تجاوز

امیریا البتهها و سکراشان، که کارانه - شرکت کمونیستها

همیشگفتگار این ارزه امریکا و شوروی "مرفا" کشور خود را می خواهند

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

که در حمله این ارزه این ارزه می خواهند که کشانده شدن توده های جنگ برای این جنگ

منابع طبیعت خود را دارد، دارای یک جنبه تعییل و تجاوز کارا

نبرای مردم این کشورها بود

وجه بسا همین جنبه توده های و میتواند این از چنین جنگی و شرکت در آن و سوسنگردان

ند. آیا رهبران شکست طلب

"پیکار" و حکمیت ایشان، که جنگ ایران و عراق را با جنگ

جهانی امیریا البتهها مقایسه میکند، نیتوانند بگویند که طبق منطق "رزمدگان" شرکت

سوسیال دموکراتها در جنگ ارجاعی امیریا لیستها شیخ به دلیل وجود همین "جنگ تحمیلی و تجاوز کارانه" این جنگ

برای کشورهای ایشان، که توده های وسیعی را به شرکت در جنگ

برای باطلخ دفاع از کشور خود را آوردند شدن به شورونیسم ملی کشانده بود، مجاز باشد شرده

میشند؟ طبق این منطق "رزمدگان"، که از سوی سیاست

حاکم بر جنگ از سوی ایران را با جنگ ایشان های شناخته

و سیاست انتقامی ایشان را باز

سوی دیگر از حقانیت می‌دانند

"توده ها" بر علیه "جنگ"

تحمیلی و تجاوز کارانه، جنگ ایران

عراق دمیزند، آیا کم هوشیت از عراق نم

متطرق، آیا کم هوشیت از عراق نم

حق شناخته شده برای مقایسه با

با طبلخ "جنگ" تحمیلی و

تجاز کارانه، جنگ ایران

با نتیجه دفاع از منافع توده ها

آیا جنگ علیه ایران جنگ

خیزند؟ نظر ما کاملاً روشن است

اگرچنین کشند بنا بر این

اشقلاب در کشور خود خیزند

وزیزیده اند والبته بکرده و

نمیکند.

موقع التقطیوبی "رزمدگان"

گان در قبال جنگ تدافعی و عادلات مردم ایران علیه تجاوز کاران معشی و حاصلیان امیریا

## سیاست ایشان با طبلخ

## مشتعل رزمدگان

## درجک گشونی

علیه آنها باید می خود، برای حفظ خودشان میورند، ولی اولاً "حفظ خود" در برای این مرد سیاست ایشان و تغییف طبلخ، کارگرداران من مرد ششم، صف پندی در متنای و شش شان و تغایر اصلی و ضرعنی انتقام، و کم بهادران به جنگ "حکم معین مطرح است؟ طبلخ" همه خلقی و سیاست ایشان میگردند که

تئوری نیز کا ملتمشروع میباشد این جنگ را انحرافی از میر  
میباشد با صلاح مستقل رزمند تکا ملی "مارزو طبقاتی"  
گان " در جنگ کنونی سپاس . و انقلابی که در زدن این شان  
منزوی کردن طبقه کارگر بوده داشما رشمیکند میبیند از مند  
وی معنای خنی نقش رهبری ولی بدیل کنیدشدن تودهها  
کنندگی طبقه کارگر در حبسش  
به این انحرافهای تحملی  
منلا "جنگ عراق به ایران  
کارانه "جنگ عراق به ایران  
که تودههای وسیع مردم زلیه  
مقابله با آن کشانده است آ  
خود را ناجا و بدمازی با این  
باقعیتی دیده و عدم تطابق  
این عینیت را با ذهنیت خود  
بینشود "اعتلای انقلابی در  
قطع حامه "برای انقلاب  
کذا بی خودنیت صدیده  
سیهوده شیت که ایراد اصلی  
آنها چه شاهای "پیکار"  
و شرکاء در این جنگ اینست که  
زمندگان از مردانه است المقادی  
و موضع غیر امولی این پازمان  
آنها درباره " وجود با عدم  
در جنگ کنونی ناشی مبنی دوما  
اعتلای انقلابی در مطلع جانده  
طرات تروتکیتی حاکم بر ازیابی غلط داشته و گماهی  
این سازمان درباره مصون پیش رسوبی موقع "برهیدا وند  
انقلاب در کشور ما و وظایف طبقه و درستجدا از این حنکی که توده  
کارگر در آن پیونددار دزوهیگی ها باشیت عادله بدان کنیده  
این سازمان در این است که در شده اند غافل میباشد . (مقاله  
تئوری همیشه با انقلاب وسائل "جنگ عراق و ... ) معبارت  
مبادراتی دیگری که فعلامصالح دیگر رهبران سازمان روزمند  
کارکر، پیشی در زیر همیزی و شرایط آن فرام نیت سرو و گان در بخوبیه  
این طبقه، شرده کنیم . برای کاردارد، ولی در عمل بدبتاب ایران و عراق از لحاظ اصولی  
حسین کمیسته از همانحال که لدروی از حرکت واقعی تودهها قادره یک مرزبندی جدی با  
علیه سیاستهای ارتقا می، دجال رشده و مجبور مسحود که خود زیر همیزی  
سازگاری با وتلان مخالف را بدان اقتاع مازد مییس بیز کار و قیاش آن نسباً شد  
بورزها و خود بورزها برای به میکوشند این دنباله روی خودرا زیرا در برداشت اساسیان از  
انفراد کشیدن جنش کمیستی با نشانه دادن با صلاح استقلال شرایط و مسائل انقلاب مانها  
می رزه میکشندی بذاهه خود زدیکران و گفت تفا و تهای کما بین اشتراک شرداده شده  
اقدامات سیهودهای سوزه ای با صلاح امولی توجیه کند و خرد بورزهاشی علیه امیریا -  
همان جریان روش فکر از اپورتیونیستی چه در جشن ما ،  
کدبه خط مشی و برشناهه "فسد  
انقلابی و بله سانه "پیکار" و  
شرکاء برای جنگ کنونی غذای  
تئوریک رسانده آمت، الوده می  
باشد بالته "رهبران روزمند  
گان "با اعلام شرکت خود در  
جنگ کنونی مقاومت خود را تسا  
تر و تکیم است بیک برسی  
حدی از جریان مطروح حاکم بر  
پیکار و قیانی آن نشان داده  
و آنرا بصنوان یک اجبار منطقی  
کنونی ایران و عراق (از آغاز و یا مکاتب عاقلته و ترکت  
مستقل تبطیور مکانیکی و خود  
بیرونی در جنگ بسرعی اعمال این  
نمایشی هاشی بدهی عنوان در عمل  
جهیزی برولتی و رشتجیبی  
کمیستی کا ملاضیه فروزه و در  
بروز این وقایع و بطیور مخصوص میکوشند تا حفور خود را در جهادی

"رمزنگان" حینویسید: " ماسبخواهیم توده ها را رحلتی  
جنین کمیستی در امر دفاع سورزه ای و خوده بسورزه ای  
از دست وردهای انتقالی و مترده کیم . مامیخواهیم  
حینش انتقالی کمیستی را رشد  
لیکن در اینجا نیز سا - دھیم، " - (مقاله " دفاع از  
زمان "رمزنگان" ستعیت صد اتفاق - دھیم ) در اینجا  
از موضع المقادی وغیرا اولیه دھران سازمان یادشده هرگونه  
خود را این جنگ از بیک سیاست چشیده ای و بایشون سیروهای  
اصلی و تاکتیک صحیح در پر - در این جنگ، هرگونه اتحاد  
سی مختلف رخواهان مقاومت سیان پرولتاریا و این نیروها  
برخورداری میباشد و بسطه ای  
مشخص هرگونه اتحاد دشیکی میان کمیستها و سیروهای  
واسته بحثه حکومت حمیی و رادر  
مان عمل راه را برگشترش جبهه  
ارباب ایشان ، مردوش شماره  
و آنرا بهمنزله " تبعیت از  
هدایت حاکمه " ، رفتن به پر  
نشود و رشتجیب کمیستی  
رهبری جمیوری اسلامی " و  
حسینی و فداکاری دین اسلام  
و " حد مستقل پرولتاریا " ،  
بحاب میاورند؛ در حالیکه  
این اتحاد دشیکی در پرورد  
علیه دشنان مشترک بنفع طبقه  
کارگر بوده و به مخدوچیت کمو-  
سیتی در میان توده ها و اینها  
مشق رهبری کنندگی طبقه " ،  
پیشروهای صحراساد . بتشوری  
پردازان "رمزنگان" ظاهر  
از میم آنکه به مواضع راست و  
چاپلوسنه کروهای رومیسو-  
نیت نظری فدائیان خلی  
(اکثریت) . که طبق مصالح  
سیاست فرب ابر فسدرت روس  
کواره، جب رویهای کنندگه را  
میبردازد، شبکه فاصله  
پردازی های جب بناهه شرده و  
دانه از " حد مستقل " ، حضور  
مستقل " ، " حینش مستقل " و  
کدام میزند، منظور " روزمند  
کا " از این " مستقل ها " ،  
تا کیدبر استقلال ایدشلویزیکی  
و تسلیماتی پرولتاریا و سلاش  
در راه اعمال رهبری طبقه " کار-  
کردر میان همه سیروهای در گیر  
در جنگ کنونی نمیباشد، بلکه  
بدهمیان جدا جنگیدن، پیای  
اتحادیه هیچ شرکی جدای  
خود رفتن، و بدوافع مندو  
شدن است .

که در تشوریهای خود رد کرده است و همان "روزنگاران" مایکونه حتاج مارکسیستی - کارگری آشنا بوجود آورند. پلی کمرس برای اوهما، و حلب رضا پیشتر تشوری پردازی های استقاطر این سازمان که خراها ن شرکت انجام خراب خواهد داشت. حریان روشنگر اند چنین متأثرب و متوجهه و متوجهه است غوتمکو. فعال در جنگ متواتم و همراهی و بهبود خود را مرتدان حاکم سر شدتا میان حتاج ایورشیستی ماردم خوبش اسپل زده. اهداف آن با پیدخراش شود.

"بیکار" و "سایر فراریان حسنه روشنگری سازمان خودکه دلبر که میتواند مطلعه گرو جعلیات تروشکیستی و مک بررسی حفظ کرد اند. نقل از حقیقت ۹۳- وزیر نامه ۲۸ مهر ۱۳۰۹

## برای مقابله با تجاوز ارتش مزدور عراق، متحد و مسلح شوید! هموطن قهرمان!

ارتش تجاوزگر عراق، بنابد ستور اریابان امپریالیست خویش برای نابودی انقلاب و آزادی واستقلال ایران کمربسته است.

امروز دفاع از انقلاب و میهن عزیز وظیفه مقدس همه مردم رحمتکش اقلائی است.

برای مقابله با تجاوز ارتش مزدور عراق متحد و مسلح شوید.

اتحادیه کمونیستهای ایران

## 福德اییان خلق (افقیت)

در کدامین

# جند شرکت می‌مکند؟

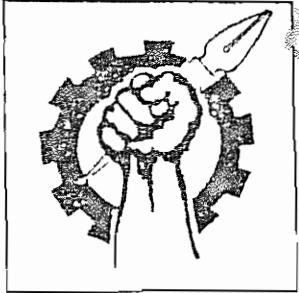
و عراق، مقاله‌ای در "کار"

اصلی خود را برملا سازند. . یکی از این شیوه‌های ۷۸ نکاشته وطن آن، جنگ سیاسی، جریان "سازمان راز هردوسو" همازسوی ایران جریکهای ندایی خلق، معروف وهم ازسوی عراق ( "ارتجاعی" به بخش "افقیت" می‌باشد. خوانده و "مواضع" خویش و به "افقیت" در "تحلیل" از تبع آن کویا جنبش کمونیستی بودن و "مارکسیست تاب" ما هیئت جند کنونی بین ایران

هر پیچ تاریخی، جزو انتقلاب ایران است ولذا جنگ، شرایطی را برجسته ای نشانات طبقاتی و سیاسی را وارد امیا زدتا نظرات و عقاید خود را آنکوشه که واقعاً مستند، و شد آنکوشه که ادعا میکردند. اظهار داشد. جنگ ایران و عراق یکی از تند پیچ های

# ادامه گذاری

## سیاست‌ها است؟



## قدایان خلق

....

ایران "، را در قبال آن گو-  
شید کرده است. .

اقلیت "در مقاله" خود  
با یکاد طبتسی و سیاست‌پای

ایران و عراق روزهای حاکم  
در ایران و عراق سخاسته است.

"اقلیت" بعما میگوید که "جنگ  
آجاتیک سیاست خارجی ادامه

شدار میدهد کی کسی که بدون در  
نظر نظر فتن خلقت طبتسی جنگ

و ما هیبت آن از تاشید و رنج  
بطور کلی سخن گویدیا دجال

ما جراحتی های آثار شیستی  
شده دیبا اتخاذ سیاست‌پای

سویا ل شوونیتی عمل اندیشه  
رو وحدتگزاریا سیاه بورزوال

زی خواهد شد. " ماسی میکنیم  
تابدون کلی گویی " و استناد

های کاذب به لشیں و انتالین  
دلایل " جریکهای قدایی

" اقلیت " را بدکرده و شان دهم  
که اینان در مردم پیرودی علی

از از زیستی و تحمل خود در مردم  
ما هیبت جنگ به مغلب شکست طبی

ادجاعی در مقابل امیریا لیم  
و حیاتیه جنیش ملی و دموکرا-

تیک مردم ایران سقوط می  
نمایند. .

البته ناگفته نکذاریم که  
همیاری از " استدلالات " جریکهای

قدایی (اقلیت) در باره  
" از جاعی " بودن جنگ کما بیش

هان " استدلالات " و هیوان مرتد  
سازمان " پیکار " میباشد که  
سطر مژروح در مقاله " همنوا-

یی با امیریا لیم نتیجه " محتوم " چب اشایی " ضمیمه  
حقیقت " ۹۲ بدانها نایخ داده

شده است. به چند نکته بپردازیم:  
.....

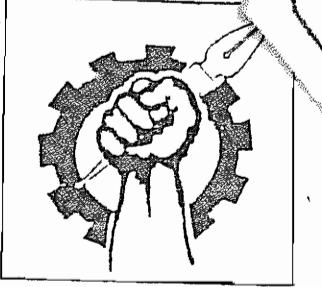
## اچنگ گلوچی

و شدت موقعیت رژیم عراق  
ست، بلکه برتری طلبی و  
تشیت موقعیت محدود است.  
برای ایران کرده است" و رژیم  
عراق میگوشت که با توجه به  
شاید منی و یا صریح امیر  
یالیم پس از رژیم شاهنشاهی  
بک دولت برتری طلب را در  
منطقه خلیج فارس ایفا کند و با  
درست گرفتن مناطق استرا-  
تیک در دریا و خلیجی موقیت  
خود را ثابت نماید. (با زخم  
تاكیدات از ماست)

اولاً - " اقلیت " به این  
گوید که رژیم عراق منافع  
سورزاوی کم برادر (واسطه)  
این کشور را تبدیل به باگاهی  
برای ارتحاعی تریس محافل  
و استهمه سرمایه داران سرک  
کرده است. حاکمیت " حما  
فهیم که رژیم ارتحاعی عراق  
سادستان اصلی انقلاب ایران  
عنی طبقاتی که توسط انقلاب  
مردم ایران حرمه خود خوردند  
اندوغان تلاشان برای باز-  
گشت به " بیان " دیروزشان است  
عقد اتحاد کامل نشناخت.  
اقلیت " هم چنین سما میگوشت  
که رژیم عراق متعدد ارتحاعی  
تریس و دست نشانده تریس رژیم  
هادر منطقه بعضی عربستان  
سعودی، اردن، یمن شالی  
و غیره است.

هر آدم عاقلی، از کسانی  
که خود را گویندیهای انقلابی  
ملح سشوری هلمی شیز می  
دانند که دیگر باشد گذشت. به  
سرم کردن نکات هم بالاتر  
به یک نتیجه، منطقی می‌رسد:  
تحاوز عراق سایر ایران ادامه  
سیاست امیریا لیم - و بخصوص  
امیریا لیم آمریکا - برای  
درهم شکمن انقلاب ایران  
است که میزگزیریں خوب را بایه  
منافع مثبت و موقعیت برتر  
امیریا لیم در منطقه خلیج  
فارس وارد آورده است. که رژیم  
مدام حسین در این میان فقط  
تشیت موقعیت امیریا لیم  
در منطقه خلیج فارس با " تا شد  
ضی و صریح امیریا لیم "  
تلخ میگذند برتری طلبی " و - مجهی این سیاست با امیریا لیستی  
تشیت موقعیتی که اقلیت است و می‌بود. این داه پیش  
از آن محبت میگند برتری طلبی شی آشکار و نهان امیریا لیسته





دارد. این "پان اسلامیم" اخراج هشت گیری اساسی اش بسوی امپریالیسم آمریکا و مرتعیین دست نشانده آن در کشورهایی است که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل مدهند، و در این این حرکت امسروز

## قدایان خلق...

ذا پسین یافتاد است، ولی جنبش عظیم ناشی از روابط خصوصی آمریکا ایلیم آمریکارا با یک "علیرغم ببادفراموشی" می پاره؟ آیا مکرسیاست. انقلاب مردم ایران فرار کرد است. البته روشن است که به علت محدودیت وقتی گزینی موجود در طبقاتی که در زیر می رژیم جمیوری اسلامی نسبت به شدیداند، حرکتها ارتقا عی امپریالیم آمریکا - که شما آنرا داشتن اهلی خلفهای ایران و ایضاً جبار میدانید - بخشی از این سیاست خارجی شیوه نسبت و آنهم بخشنده میم و تغیییر کشیده و گیا مگراین بخش از سیاست خارجی انتکامی از سیاست خود را پنهان کشید، ولی این امر مضمون اصلی و عنی این روزگار را در لحظه تاریخی حمله ای کند. بدین جهت روزگار علیه آن مژنند، چهارمین سیاست داخلی "سلمانان" دو خود را پنهان کشید، این سیاست خارجی از سیاست داران وابسته واید در حدیک امپریالیم آمریکا مختلطی از سیاست داخلی "رژیم خمینی" نیست؟ و با فقط سرکوب خلق خارجی کردورکمن و عرب نمودار این سیاست است؟ لابدهمه این تظاهرات سیاست داخلی و خارجی میم این سیاست اسلامی مشمول همان "علیرغم کذایی میم گیردد!!"

نالنا - "اقلیت" سیا کشیدن "بان اسلامیم" در گمک به جنبش افغانستان و حجمین سازمان اهل میخواهد هدایتی سیاست اسلامیم "اکبر" بخواهیم از لفظ "اقلیت" است. زیم باتا هبرستان و گروههای فشودال - که برادری برای از خواسته خود میخواهیم گدد و سرخونی حکومت خمینی وروی کار آوردن یک حکومت دست ساده دیده این "بان اسلامیم" سطور اساسی چه مضمونی را در بین یار و تمازی منافع خود میروشیم که شان دهد سیاست کنونی در خود نهفت. انقلاب ایران یا اندانقلاب، چون مقابله کری و عام گویی

## ۳- نیایسته عملی "اقلیت" در چنگ گذشت؟

سطه و سیاستی از تنشیت روزم هدام حین برای جلو. کبری ارسنطه خود میباشد. " (از ضمیمه حدیث ۹۲) چنگ کنونی سیان ادامه تفا بیل سانستیای در سالایاد شده سه طرف دیگر است!

در این شرایط منطقه که میتوانند ها و تاکتیکهای منحصر را میتوانند، وینزگی این "وظایف" بینشیادی "اقلیت" است. متوجه شد: "اقلیت" در مرور و ظایف منحصر "نیروهای انقلابی عراق میگوید که: "نیروهای انقلابی عراق باید پیگیرانه روزیم خدخلی و ارتقا عی از عراق داشتند و سیاستی را میگردند. صارزد علیه آن مژنند. حتی چنانچه شرایط عینی آمداد است چنگ رایه بک چنگ داخلی علیه آن (رزیم هدام). تبدیل کشند". در واقع کوتیستها و انقلابیون عراق میباشند. با برآمدانداختن بک چنگ انقلابی داخلی بر علیه روزیم هدام، ساخواتا بودند نکت ارتقا و متحاذ عراق در این حکم سه آرمان انقلاب مردم عراق خدمت کرده و در عین حال بد امر انقلاب و رهایی ملت ایران کمک کشند. زیرا روزیم هدام است تنها دشمن اهلی انقلاب و مردم عراق است، بلکه هم اکنون افزار اهلی سیاست امپریالی لیم آمریکا و دشمنان انقلاب و مردم ایران در چنگ کنونی است. "اقلیت" اگرچه بهایس مرنزدیک میشود، ولی بخارتر تحملیل "اش از چنگ به صورت شیعه کاره این وظیفه را مطرح میزاد شعار تبدیل چنگ به چنگ داخلی به آمادگی ذهن توشه مردم ارساط ندارد، بلکه به تحملیل از ماهیت چنگ و میتوانع عیی توشه مردم بستگی دارد. همان جیزی که "ا قاین" در مرور آن به گمیت ها پنهان و اندیز میدهد، شرایط عیی، آمادگی توشه مردم برآید به کفت گرفتن سلاح و حرکت علیه برای مرتفعی دزیم صدام فقط در نکل میارزه بر علیه روزیم صدام تا تیر میگذاشتند در مضمون آن، وظیفه نیروهای انقلابی و کمونیستی عراق میباشند. شمار تبدیل چنگ به چنگ

مخالفت منشان میدهد. "اقلیت" این تحاوز برای درهم نکنن استقلالی است که آنها در حال بیش بردن آن هستند و بهمین حاطر با تمام قدرت و توان خود مدافعان از آن و از میهن خود سلطنت میتوند. "اقلیت" همان شاند این حرکت استقلالی شوده مردم را بد "توهمن" و "جهل" شده نسبت میدهد. جاهلان، متوجه سبستدلیک کاری هستند که خودرا "مارکیست های ناب" مبدانند و جوگ و راست را ای مودم نخواهند شدند. همان میگارا وضادانقلابی مادرمی کنند.

"اقلیت" بجای آنکه از این حرکت توده درمن درستی مگیرد و ذهنیات خود را در مرور "ارتجاعی" بودن جنگ و همچنین "ارتجاعی" بودن رژیم خپیشی تغییردهد، به توده ها تهدید "جهل" و "توهمن" بودن می زند. وسا این کار عملادر جنگ مسنه وانقلابی مردم کارشکنی میکند. "اقلیت" اگر واقعاً میخواهد در مقابل تحاوز آمریکا بیش صدام استادگی کنندیا پیداست از تحلیلهای خدماء و کمیته خود را در دوسای رهنموددادن در مرور "افتاح بحث" و حاکمیت (امتای) "اقلیت" از حاکمیت سناشیک دولت ارجاعی غلط است و گرنه افتخار فتنه کرمهای محافل ارجاعی و کارشکنی های سران ملی سورزاوی و خردمند. "اقلیت" بجای آنکه سورزاوی کا ملاصیح است که فقط با عت تفرقه در صفو حربک مردم برای دفاع از انقلاب و سینه خواهد گردید، میتحلّل درست و انقلابی از ما هست جنگ حرکت خود را برایهای اصولی وانقلابی استوار سازد. زمانی که "اقلیت" از تحلیل صحیح عادلش بودن جنگ ازسوی ایران عزیمت نکند، باید این را و هنودهای انتقاطی چون "تلیخ توده هادر ارگانهای توده ای علبه هرگونه تحاوز و وازان پاسداری میکنند. توده های مردم بسیار بهتر از "پیکار" و اینها "اقلیت" ماهیت اتفاقی از حمله متحاوزن عراقی "حتول" می گردند. ولی "اقلیت" حتی بخود

معتقدیم و شمارش خدختی در رهبری بورژوازی "و سیا" است درست نیروهای استقلالی در ایران این است که درین افشا جنگ و حاکمیت متوجه هارا در تکلیهای خود... متکلو سلح مازند و تحت رهبری سیرو



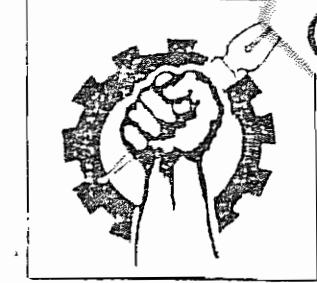
## قدایان خلق

های استقلالی ارگانهای توده... ای علیه هرگونه تحاوز و سیاست الحاق ارضی ازحمله مجاوز و زین عراقی به مبارزه بخیزند. وظایف و مباحث کی پیجده و تقاطی شده اند! ای علیه هرگونه تحاوز و زین دوکنورندیده ایم که با تحاوز همراه شوده شد. (بیش خاطرهم هم...) اولاً - ماتاکنون جنگی ای علیه هرگونه تحاوز و سیاست الحاق ارضی ازحمله مجاوز و زین دوکنورندیده ایم که با تحاوز همراه شوده شد. طلبی فعلی را اختیار کنند. چون شکست رژیم صدام در این جنگ، باید تغییر ای رژیم میگذرد. میتوان اصلی مسیر دمو از انتقال عراق، رشتادهای داخلی و آماده شدن شرایط اسلامی در عراق میگردد. و اما در مردوظا یعنی که "اقلیت" برای سیروی ای این مقولی و کمومسنتی ای ایران سیاست امیریالیستی در همین شکست انقلاب ایران میگزیند. کرداندن مجددوشا و کمال سلطنت طلبان و طبقات سورزاوی فشودال برایکه قدرت، خفه و باستگی بینکی و استحصار بدان دام زده شده باشد. ماهر جنگی را محکوم نمیکنیم. الصدما "تحلیل" که "اقلیت" ارم احمد جنگ منخر بین اسرائیل و عراق دارد، ای این جنگ شاهزاده طرف توده ها دامن زده شده و مخلصی عادلانه و انقلابی دارد. جراحت جنگی را مخفیست "طبقاتی کذا بی ایست که کوپراس توده ها تبرعلیه رژیم خپیشی بسیار کرده بودند. ولی "اقلیت" آنها بسیار گوید که "عادرقبال" هرگونه تحاوزی از جمله توده های معتقدیم... و ختسا این تخلیخ توده ها برای هم اامله با "تحاوز" است و گرنه حرفی بزیطی است. در حقیقت این "اقلیت" و همکرانشان در جنگ کمومسنتی ایران هستند که جنگ را ادا میکنند. سیاست بطریق دیگر نمیدانند و فقط باشند و

علیه کی وسای جمیزمان داده میتوشت؟ بر عله متوجه رین عراقی، یا "بورزوای" متوسط ایران؟ برای حنگ داخلی ویا سیرون راشدن اشراستن؟ این "تنها سیاست درادیبات مارکیستی اشن ساست شیست، این بک طرح تشکیلاتی است، بک سیاست تشکیلاتی است. سیاست سار ماشدی توده سرمنای ارگانهای محل توده ای در پراپط متفاوتی، بر علیه دشمنان متفاوتی می شوند اخاذ گردد سوال بس را بجا داین تشکیلاتهای توده ای محل نسبت، (که بعنیده مادر شرایط کنونی جاید منظور مقاومت در مقابل توکله آمریکا ائی عوای ایجاد شوند) سوال اصلی در "قطع کنوسی" اینست که تاکتیک کمونیستها در قبال جنگ چه شد و هر اس این تاکتیک روش سیاسی - جهوض مازما شده توده وارگانها پسی احتیاج است. اگر تاکتیک فقط اثناه ماهیت حنگ و حاکمت باشد احتیاجی مددتهای محل نیست، گروههای تسلیمانی سازمان بدھید و کارتان پیش خواهد رفت و قس علیه میباشد. "اقلیت" با آب و تاب فراوان از "تنها صیاست درست" درست "حرف می زندولی در واقع هیچ نمیکوید. ولی در این "تنها صیاست درست" یک نکته تیز شفته است. اگر "اقلیت" این "تنها صیاست درست" را فقط میگردید، این شیوه این عرضه شکتماند، منظور از طرح آن ایجاد ارگانهای توده ای برای حنگ هستند، صیاغه دسته ای که با بد مر علیه او چنگید. "اقلیت" توده میگردیم که کویده فعلاً "حنگ داخلی" مطرح نیست و این حرکتی آثار شیوه ای و جو روانه است (بالتدریج آن "تنها صیاست درست" در مقابل "حرف می زندولی" در واقع هیچ نمیکوید). و در خدمت امیریالیسم آمریکا خواهد بود) میں لسان این "مشمن" کسی حرم متحاوزین عراقی شنید.

است. اگردو "حنگ اول و دوم" که مستقماً سیروهای انتقامی ای ایران (اعلا<sup>۱۱</sup>) مرسوط می شود، هم کنم "تاکتیک" "اقلیت" مخالف است. اول و افتاده آن و شرکت در جنگ دوم واحد بسود، بهمین دلیل "اقلیت" چنین رضتمود میدهد "ما در فال هرگونه تحاوزی از حمله تها و رات عراق به تسلیح شود، هات و هبری ارگانهای توده ای مستقدم و شدار است. مدخلتی و رهبری بورزوای" و سیاست درست سیروهای اشغالی در ایران این است که در عین افتاده است. حبیت حنگ و حاکمت، توده هارا... مستکل و مسلح سازند و هات رهبری سیروهای اشغالی وارگانهای توده ای علیه هرگونه تجاوز و سیاست العاق ارضی و مسلح وزین عراقی "مرتب از ما هیبت جنگ" بین "دودولت" "حرف میزد" (که این جگ شخص از ما هیبتی "ارجاعی" بحر حورداً رسوده، ببر تلب منابع توده های هر دو کشور میاند.... دوم - جنگی که میین توده های مردم ایران و منحاوزین عراقی را گرداند و اگر مردم در ارگانهای توده ای محلی شده و بر علیه آن می سازد، بسر خیزند، خلصتی مترقبی باشد. "اقلیت" این "نکته ظرف" از طرافت جندانی بحر خوردا رتیبت و فقط ساعت تسلیح حبیه دفاع از اشغال و میهن خواهد شد. تها بک حنگ در جریان است. جنگی که میان توده های امیریالیست هاویدست رژیم دام جنین آغاز شده است و هدف آن در هم شکستن اشغال ایران و سرینگری و زیم خوبی است، واژه هم سردم و اشغال ایران و از حمله رژیم خوبی در مقابل "لاگان" مقاومت صورت میگیرد. این تها بک حنگ هنگ درست از باد می در این صیان می گردد! در اینجا بدشیست بدیک نکت، جانب و "مارکیستی" که "اقلیت" جانب و تاب آن و بیان داشت تیز اشاره ای سکتم "اقلیت" "نمایم گوید" تنها سیاست درست در مقابل صحیح و درست و تنها تحلیل صحیح و درست و انتقامی است. "اقلیت" می گهیت بدشیال "جنگهای" موهوب می در این صیان می گردد! کنار این "جنگهای" البته جنگهای داخلی نزدیک است. درگیر شوندگه در عراق، "اگر شرایط عینی آماده است" شیوه ای اشغال عراق و از جانب عراقی، "در عراق رهبری هزموسی" میگردند، خلصتی مترقبی باشد. ایرانی شیزماند است، ولی این البته هنوز "تجاور" عده ای از سوی ایران صورت نگرفته و بنا بر این چنین حنگی هنوز از باد بیه صادی بخوردان و مقاومت مردم ایران و رژیم خوبی و در هم شکست اشغال ایران و مقاومت در مقابل این رژیم خوبی در این حمینی در مقابله این حرکت اشغالگرانه، نه از از از ویه "الحق" منطقی از خاک عراق ملکه هنوز از باد طبقی از خاک عراق ملکه دفاع از میهن و اشغال خوبین است. "اقلیت" این نکته را درگز نمی گشودست این بیرون اینکه اذمان کند، از جنگ جهانی ای اینکه اول - که سیاست هردو طرف در جنگ تقسیم مجدد مستصرمات بود. که به برداری میگند. "اقلیت" "تحلیل" و "زمیند

های عملی" "اقلیت" توجه کنم، اگرچه تصوری "بیجهده و بغيرنچ" والمناطقی در متابل وجود جو ای این "نکت" ظرفی "میزبی" حوا هم برد، این "نکته ظرفی" جست؟ چنین سظری آید که



## فدائیان خلق...

ذخت نمیدهد بگوید جنگی بجزدزیم مدام - وبهتر مکوشیم امپریالیم - در این جنگ در پی "الحق ارضی" بوده، جنگ بین "دولتها ای ایران و عراق" (یعنی جنگ شیوه ای از اخاک ایران سوززوای ایران را وارد کند شاخصت هزموسی طلسان عراق را مرا وند رو و مناطق استراتژیک تر شیرین و سرمناطق حسنه طیج فارس بپسرد". ولی مانندیدم که "اقلیت" بسا بگوید که "سوریه و ای ایران کدام مساقط از عراق را میگردند شاخصت هزموسی طلب"!! ایران کدام مساقط از عراق را می خواهد خود "ملحق" سازد، آنکه این تهدید هزموسی طلب "آنکه ایران میگزین" معرفت میگردند، خلصتی مترقبی باشد. (السته) "اقلیت" از سیارانهای هوا می آیران میخ گفت این است!! آن شناط استراتژیکی راکه "اقلیت" از آن محب میگردند، خلصتی مترقبی باشد. عراقی، "در عراق و از جانب عراق" تیز شد، خلصتی مترقبی باشد. میگردند، خلصتی مترقبی باشد. عراقی، "در عراق و از جانب عراق" تیز شد، خلصتی مترقبی باشد. ایرانی شیزماند است، ولی این البته هنوز "تجاور" عده ای از سوی ایران صورت نگرفته و بنا بر این چنین حنگی هنوز از باد بیه صادی بخوردان و مقاومت مردم ایران و رژیم خوبی و در هم شکست اشغال ایران و مقاومت در مقابل این رژیم خوبی در این حمینی در مقابله این حرکت اشغالگرانه، نه از از ویه "الحق" منطقی از خاک عراق ملکه هنوز از باد طبقی از خاک عراق ملکه دفاع از میهن و اشغال خوبین است. "اقلیت" این نکته را درگز نمی گشودست این بیرون اینکه اذمان کند، از جنگ جهانی ای اینکه اول - که سیاست هردو طرف در جنگ تقسیم مجدد مستصرمات بود. که به برداری میگند. "اقلیت" "تحلیل" و "زمیند

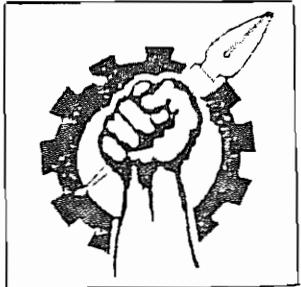
داری و استه مسازده علیه سورزوازی جسمدها نند. از "اقلیت" و گروههای مشابههم چنین درک نمی کند که دراین مسازده ملی بوداین میارزهای استقلال اوامیر ایالتی بدوان چنین تهاتی بخش ملی شفقت طبقه کارگر بلکه دهستان خرد سورزوازی شهری و در دورانها باید تا حدود معینی سورزوازی ملی بیز هم هستند. "اقلیت" اگرچه شفارمی دهدکه "نمودن امیری" امیریالیسم جهانی ستر کرده آمریکا و پا یگاهداخلي اش ولی درک نمی کندکه ای اش حق این شماریا بدینه یک مسازده رهایی بخش برعلبے امیریالیسم آمریکا دست زد درک نمی کندکه "پا یگاه داخلی" امیریالیسم آمریکا مرکسا، سورزوا - قشودا لها که حافظان نظام سورزوا بوروکراستیک و سمعه قشودالی و واسته بوده اندمی ساندکه شفقت پرولتا. ریا، بلکه ای برطاعت و انتشار خلق را نیز تحت ستم گرفته بودند. "اقلیت" درک نمی کند که انقلاب صدلطنتی ایران خود تبارز شخص و روشن حرکت هد انتشار و طبقات خلفی برعلبے این نظام همی دزروش و مشخص تفادیان سورزوا دموکراتیم انقلابی و سورزوا سوروكراستم و اینه استه و ارجاعی سوده است از همین رو "اقلیت" و گروههای مشاهده همچ تفاوتی بین سورزا وازی ملی و خردسورزوازی - ایران با سورزا زی وابسته فایل شیستند و همه آنها به یک چوب می رانند. در حقیقت ماهبت آنها را با "پا یگاهای داخلی" امیریالیسم یکی می دانندواران روش قابل شه قابلیتی برای آنان در مسازده با امیریالیسم هستند، و حتی اکردو را قیمت مسازده ای بیز با امیریالیسم داشتند باشند (ماشدهمین جنک کنوشی) و یا

است که آنها هرگز بیوتدغیر تا بلکه تنی که بین ماله ملی و ماله قدرت وجوددارد اند نهیده اند، یعنی آنکه آنها کوش کردن ماله ملی را از ساست جدا کرده و آن را در ماله فرهنگی و آموزشی می خنودند. فقط عبارت بودا زی و افتاده ای "جون امیریالیسم و درز تحریر بودن مستعمره ای از و سیله" امیریالیسم را فراموش کرده اند" (استالین) - انقلاب اکتسرو ماله ملی - (۱۹۱۸) آری "اقلیت" هم ماله بینش با افتاده ای "جون امیریالیسم رافرا موش کرده است. "اقلیت" و گروههای منابع که تحت تاثیرشوریهای روبرویونیستی کائوتکیستیهای تومن - یعنی ماندروبریتو - نست حاکم درشوری - هستند مخصوص بی از تبدیل استعمار استعما رونویسناه استراتژی امیریالیسم پس از حیگ چهانی دوم برای سلطه گری فرمقباس بین المللی، ماله روبرویونیستی، محابی آنکه در درستی از استعمار نهاده است، آنکه احتساب رهایی خود را بیز بوده است. این بازندوان یعنی مسازده سه نشیه میکن، بلکه احتساب یکی از زندهای ای ای انتقلابی در مقیاس بین المللی است. "اقلیت" این امر را درک نمی کند. کناده مرگیار تو سحاب آورند و بجای اینکه درک کنند این امرا سا به منظور منحرف ساختن مسازده رهایی بخش ملل ستندیده و حفظ موقعیت امیریالیسم درکشون های عقب شنیده شدند از طرف امیریالیسم به احراگذاشتند شده، کلام ماله ملی و تضاد مهیم و اساسی طبقه ایامیریالیسم را به دور افکنده و سرای این تفاکر مسیکی از زندهای اصلی انقلاب جهانی یعنی با یعنی دهدا هستی قائل شده و آن را امریکن با امدادهای تلقی می دهد اینهاسته ای اند ماله ملی را با ماله آزادی مستعمرات پیونددند. تحریم سیوال کار و سرمایه "پرمیانس" شوری "آخر ای" سرمایه دادن درباره نایبودی "امیر" یا لیسم آمریکا. دشمن املی خلقوهای ایران "با ارشی طاشند" ولی گویا این "دشمن املی" هیچ نقشی در تحلیل های شان بازی نمی کند، گویا این شعار دهن فقط عبارت بودا زی و

## قداگان خلق

باشد. ادلیل ایشکه ما مجبور به مرتبا "حسن" بزیم آنستکه متناسبانه گوییا سنتی رایج شودیده که گروههای و جریانات سیاسی آرچ و پوست کنده حرفهای خود را نزند، این امر به چه مغایست؟ فقط یک نهاد میتواند داشته باشد و آن اینکه در شرایط کنونی، انقلاب مردم ایران قبل از خود چیز توطیخ بازور آمریکا بی رژیم صدام، که پشتیبانی ضد انقلاب منظمه باشد های قشودال کپرا دور فراز و سلطنت طلب و همه مرتعین ریز و درشت در داخل و خارج ایران زانیزبیه همراه دارد مرطرقا رگرفته است، و با یادباما تمام قوا آن را دفع کرد. و آیا این دقتا همان چیزی نیست که در را تعیین موجود است؟ و آیا نباید این رهمنود علی چند با متوجه زین عراقی برپایه این تحییل درست و اصولی و اسلامی استوار گردد؟ "اقلیت" سهتر است در این مورد کمی بیندیند!

"اقلیت" در "تحلیل" های جودیک ماله میم و اساسی انقلاب ایران، یعنی ماله استقلال و مبارزه برای این قطع نفوذ همچه جانبه، امیریالیسم را ببابا دفرا موشی سرده است. در "تحلیل" های "اقلیت" امیریالیسم به عنای انتقام املی انقلاب ایران، و میانت شخن امیریالیستی در منطق تاریخی گنوشی یعنی دوره شکستن انقلاب ایران و سوئکن شودن رژیم حسینی جایی شدند. اگرچه "اقلیت" و گروههای مشابه بک لحظه از شمار



گردن کارانقلاب ایران و ساقط وبخصوص اینکوتگر و همای  
باره، طقائی "وازایس" می‌دانی، و آسای انقلاب ایران  
گردن رژیم خمینی بعد از انقلاب (التفاوت زاویده ولتا ریا را در انقلاب با خواستن فیم این مایل  
و سیعی یافته است، و تنها خطر رویزیونیسم (راتهدید میکند  
دموکراتیک و فدا مپریا لیستی خوبی، بزرگی به انقلاب دارد.  
از متدهای خودجا می‌کنند کراچیک و فدا مپریا لیستی  
باز همین زاویده خدمت بزرگی مردم ایران میزند و بخصوص  
با مپریا لیستی شرایط حساس که متوجه  
آن قتلیت و غروهیای امپریا لیستها برای "یکسره"

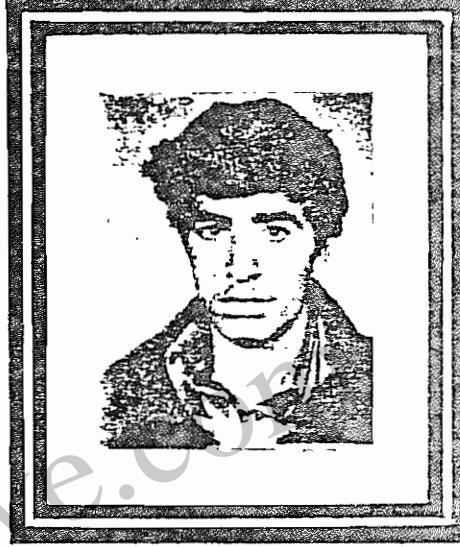
## شهدای جنبش مقاومت خلق کرد



کاک وریامدرسی



کاک صالح الدین شمس برہان



کاک نادر خدام رادپور

عضو "اتحادیه کمونیستهای ایران" و "تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان"

عضو اتحادیه کمونیستهای ایران و "تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان"

عضو "تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان"

# نفی لنینیسم، پایه تئوریک خیانت پیکار به انقلاب و کمونیسم هم است.

نقل از حقیقت ۹۳ - ویژه نامه - ۲۸ مهر ۱۳۰۹

تبی و ز آمریکائی عراق اساس خود، ادامه همان صفت با انقلاب و میهن ما و تفادهای بندیهای گذشته ما بین دو خط ثانی آزان، تاشیر خود را بر شی و دودیده اند مختلف الگیه جنسی کمونیستی مانیز گذارد و موجب صفت بندیهای جدیدی مشی مارکیتی - لنینیستی دنده است. این صفت بندیهای از یکسو خط شی جپ شناسی

تروتسکیستی از سوی دیگران است. بی از مرحله انقلاب و وظایف دوخط می و دودیدگاهی که به کمونیستهای آن و بالآخر به لحاظ ارزیابی از ماخت جامد لحاظ ارزیابی از اوضاع سیاست و طبقات مختلف آن و تبعیین اولی و تاثیرات آن بر جامد دست و دشمن، به لحاظ تکا- مدارای سقطه سطرات و بوبیزه ایستادی از آن یعنی ارزیاب

# عادل‌الله و تقاده آن

با نظریه ها کمیستی

لیگی در

این همورد!

چکوشه با بد مقوله جنگ

ها برخوردمود؟ درک مار-  
کمیستی - لشیستی از مقوله  
جنگ چیست؟ فرق جنگ های  
عادلانه با غیر عادلانه در عمر  
امبریالیسم چیست؟ اینها از  
جمله نکاتی است که برا ای تعریف  
جنگ و ما هیت آن باید مورد  
استفاده مارکمیست - لشیست  
ها قرار گیرد، تا متوجه سه  
سبتجه درست و علمی در ارزیابی  
از این یا آن جنگ رسد، تا  
بتوان به تحلیل درستی در مورد  
جنگ ایران و عراق رسید، ولی  
"بیکار" جنبی شمیکند و از  
تعریف حنگ عادلانه و غیر عادلانه  
شوه هارکمیست - لشیستی  
طفره رفتته و دان نمی پردازد.

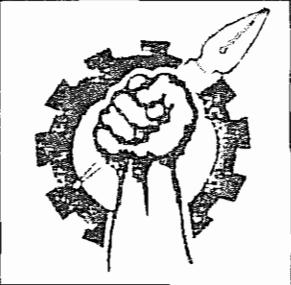
آنچه از نظر نظر "بیکار" مهم  
است عما ناچونتی نا عادلانه  
بودن بک جنگ است. و آنچه که  
اشارة به جنگ عادلانه میکند  
مسطورش همان تسویه استفاده از  
اشارة لئین به قیام مدرجوا میع  
سرما بدداری "برغایمه بزرده  
کشندگان و سلطه طلبان مردم  
است". (ضمنه "بیکار" شا-  
ره ۴۳) . در صورتیکه مطلب  
مورد بحث کنونی ما مقوله  
جنگ ما بین کشورها و تبعیین  
عادلانه بودن و یا بی بودن آن  
است. روش است که قیام  
استشارشوندگان برعلیه  
استشارشوندگان در جوامع  
طبقاتی واژه بزرده در جوامع سر-  
ما بدداری جز مقوله جنگ های  
عادلانه بوده و مورد تقویل همگان  
میباشد، ولی ربطی به پیش

محبیدن باین تحاوونجوسز - حدود سوروزواری و سوروزواری  
ملی در کشورهای تحت سلطنه است.  
امبریالیسم و هم سیک قراردادن  
آنها امبریالیسم و عالمیان  
کم برادر - فشوشا آن "نمی  
مثله" ملی برای کشورهای  
تحت سلطنه امبریالیسم، نمی  
مثله دعوایی بخواهند  
با مسدواسان مسئله ملی  
در میسان ملی متنstem-

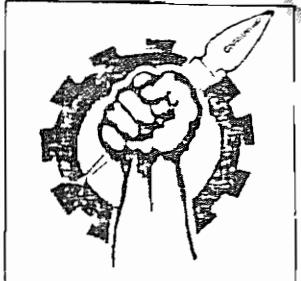
دیگر - از جمله مسائل  
مطرح شده از جانب "بیکار"  
است. مسائل و نکاتی که  
بیان کشیده نمی شنوری  
لیستی درباره امبریالیسم  
و ما هیت آن و در غلتبندی  
شنوری انتگراسون کا شو-  
شکیستی - تروشکیستی از  
جان "بیکار" میباشد. مل  
تل و نکات شنوری کی کشیدنها  
و حده مشترکی ساختار کیمیم -  
لشیستی در غلتبندی، مفت مختصره  
مشترک سا اسوانع شنوری های  
صدما رکمیستی روسربوسیستی ،  
کاشونشکیستی و تروشکیستی  
دارد. ولی خط منی کشیدنی  
"بیکار" صن آنچه کشیدن بسا  
اسوانع انجوانات غلتبندی از  
کمیستی ، بایج بساشی شروع  
شکیستی بیشتر سریزی کی دارد.  
البته اصول اعتقادی "بیکار" ،  
که به بارزترین وجهی خود را در  
تحلیل شان از تحاوز آمریکاشی  
عراق به ایران و وظایف شناشی  
ار آن شان میدهد، نمی تواند  
ریشه در تز خدمار کمیستی  
"سوانه بدداری" را بخته "که از  
نمی شنوری لشیستی در مسورد  
امبریالیسم و ما هیت و خلقت  
عملکردی آن عزیمت میکند ،  
نداشتندگان. درستی خروری  
است که سه استدللات با مطلع  
شنوریک "بیکار" که بطلور  
کاذب به مارکمیست - لشیست  
استندانه بوده، یک به یک  
برخوردن شایم.

نظریه بیکار در همورد  
جنگ عادل الله و شیر

فی لشیست



تحلیل های کامل پا فته، خط منی است  
باشد، تجاوز آمریکاشی عراق  
که در پوشش لفاظی های کمبو-  
سیستی و مارکمیستی، در حرف  
صحت از کمونیم و سوسیا لیسم  
کرده و در عمل در خدمت امپریل  
لشیستی سازمان مادیگر  
کموبیتیها را در عمل با قاطعیت  
شایان ساخته و از طرف دیگر  
ورنگری و عدم محبت و نادرستی  
خط منی چپ شاشی تروشکیستی  
را شان داده است. درین حال  
کمومیستی و تجاوز آمریکاشی عراق  
سایران ماعت تغییراتی در  
سیان گروههای مستلا و آشته  
به خط منی چپ شاشی تروشکیستی  
شکست است. مهم ترین این  
تغییرات در میان گروههای  
کمومیستی ما که لوده به این  
خط منی فدمار کمیستی میباشد  
شکست، همانا تعمیق و نکا مسل  
انحراف چپ شاشی تروشکیستی  
شان به بیک اسحراف ارجاعی  
خط رنگ، به بیک همراهی و هم  
شناشی با دشمنان ایقلیب و  
میهن ما ، یعنی امبریالیسم  
آمریکا و عوامل و پایگاه همای  
داخلی اش میباشد. گروههای  
"بیکار" (ضمنه "بیکار"  
شماره ۴۳) بطور متروک بـ  
تحلیل ارخط منی "بیکار" بـ  
داخته و مادرستی آثار در عمل  
نشان دادیم، در ادا میان ،  
میباشد. گروههای کمودر  
مها رزه کنونی طبقاتی جامد  
ضروری است که به استدللات بـ  
اصطلاح شوریک "بیکار" کـ  
در تا شید نظرات ارجاعی و خلـ  
شناش حودر آن بیانیه بـدان  
متول شده، بـخوردموده و  
نمیت آثار با مارکمیست  
فرموله شریین این گرایشات کـ  
درشراحت کنونی تجاوز میکار  
بعنوان سیستم بافت ترسیم و  
لشیستیم شان دهم. استنداد  
کاذب به لیسم در ساره  
شی عراق به ایران، سوئیشی  
ملحاظه حکومت حبسی را سنتون  
کردن جنگ های عادلانه و غیر  
را محل عملی برای بـایان  
عادلانه، ارجاعی خواشند



## فی گفتاریم

استدللات پیکار نشان خواهند داد، که دست گم و مقوله عصر کنونی است. و جنگ های عادلانه عصر امپراطوری سیاسی که بین مفترض بالیسم، که مقوله جنگ های پیکار به نقش امپریالیسم سویزه امپریالیسم آمریکا در این میان است، بطور کلی نفع نموده و باحدا کثیر شکل تجاوز مستقیم امپریالیسم موردنیزیش قرار میدهد. ما آینه نگاه را بهداشت، بجهت این اتفاق بعده ای اخیر جامد و همجنین در جهان شجاع ز عراق بعده ایران است.

### چنگ ادامه سیاست

### از راه های دیگر

### است، ولی گدام

سیاست؟

### پرداشت لبیکی با

### پرداشت پیکاری

پیکار چندین نقل

ت قول از لشین در مورد این نکته

ایران بر علیه منحاز عراق کرد. که جنگ ادامه سیاست از راه ها

بر طبق نقشه و بوسما مه امپریا

لیسم آمریکا پیغام نگوشتی

سید پیکار (ضمیمه پیکار

شماره ۶۳) را مورد بررسی

قرار دهد، این سفل قول های

حس رویا بحث های پیکار

در مورد جنگ ایران و عراق ربط

مستقیم نداشت و حتی حکم

پیکار شیز چیزی را پطه ای

را برتر او شنید! نقل قولها

بیرون ربط دادن مستقیم آنها

بد مباحث مورد مشاهده از از

نوشته جات لشین کهی پردازی

شده در این بیانه منعکسر

کردیده و می در جانی دیگر

چندین نکته بعنوان چنگ های

داخلی و خارجی بیان شدند

السلام عنوان شده است. حواله

نشده شیخ از این شروع

استدللات "شکوریکی پیکار

به این شیوه میرسد. که هدف

نوبنده کان بیان بوقت به

تلخیق تلخیق ایام با چنگ کشش

لهم در اساسی آن در شایر

ستقل از ظلم امیر بالیست

س) چنگ غیر عادله،

جنگ سلطه عویسه که مظلوم

استیلا و تخت آسارت در آوردن

برای آنست که به خواسته شان

کشورها و ملل سکاهم است.

دهد که جنگ داخلی و قیام داخلی (تاریخ حزب کمپیست

پیشنهادی اودرترا بط کنونی (سلویک) اتحاد شوروی دوره

ایران، جنگی عادلانه است! مختصر- فارسی، ص ۴۳ (۲۲۲)

"پیکار" جنگ ثنا عادله تحیل مارکسیستی موقعاً، با

را جنگی تعریف میکند که "در تعریف من در آوردن پیکار"

خدست رژیم های ارتقا عی طرب از جنگ غیر عادله کاملاً متفا-

فین جنگ بوده و "پیکار" جنگ شناختی از جنگ غیر

عادلانه شنازد، سلطانی از مقابله با

جمهوری اسلامی از مقابله با

تجاویز آمریکاشی عراق، منظور

تحت سلطه و اسارت در آوردن

کنان ایرانی و عراقی ارتقا عی در حد مت رژیم های ارتقا عی

میبیست، فقر، کشاورزی و ارگی سوده و سرای زعین کشان محب

با روح اهداد ورد، (همانجا) و فقر و بدبختی

والبته بزعم "پیکار" جنگ و مصیبت آوردن یکی از استایع

خرجکی بوده و تسبیبین کشند

عادله آنهم فقط محدوده جنگ

بر علیه بوده کشکان و سلطه

طلیان بزمدم" میباشد،

"پیکار" روش شنیدن که آسا

ما بین کشورهای مختلف می-

شوند جنگ عادله بوقوع به

بیرون دیدیاند؟ برای "پیکار"

تفاوت جنگ های عادلانه و غیر

عادلانه ما بین کشورهای مختلف

عادله و چنگ غیر عادله، از نقطه

نظر شرکت کشندگان در جنگ در

خدمت طرفین است، ولی این

نکته، بعضی در خدمت طرفیں

جنگ سودن، ما هبتو ساست

جنگ را سطور متخصی سیان نمی-

کند. این تعریف ساده لوحانه

ام رمیم نموده، جنین میگوید:

"سلویک هاراین عقده بودند که جنگ سردویوغ

گذاری مانین جنگ عادله است:

الف) جنگ عادله که

که برای تصرف خاک پیکار

من در آوردن و نا مرسوط شدن

نیست. جنگ آزادی گشتن که

منظور شنادن از این مجموع

شان میدهد که "پیکار" با محابی

خارجی و از کوشش های است که

لد جنگ تطور کلی سوده و بسیار

بسیار اسیر کردن میشودیا

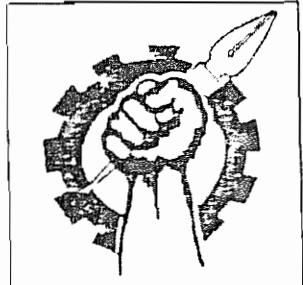
دست کم جنگ عادله رادر عصر

آزادگردن ملت از اسارت سر-

امپریالیسم موردنزی و بدنفسی

مایه داری و با بالغه آزادگردن

قرار میدهد. پر خود به سایر



## فی لذتی

کارآمدانش "جزبه احیاء نظیام سرمایه‌داری وابسته به امیری- بالیسم فکر و عمل نکرده" می‌بود؟! فقط شخص "عسای از معرفت" بقول لذتی میتواند چنین تعلیلی از جنگ ارشاد کند و فقط شخص "عاری از صرفیت" میتواند چنین تحلیلی را بگذرد. درنتیجه ای پیکار، اصلی و با تنها جنبه حکومت اسلامی بزعم "پیکار" در مردمیک بهدو سال اخیر فکر و عمل در خدمت امیریالیسم آمریکا بوده، این سیاست نمی‌تواند به جنگ با امیریالیسم آمریکا کنیده شود. جدی است آمریکا در قبال از این جنگ در عرصه دو سال اخیر وابسته نمودن این حکومت بوده است. واکرای این حکومت "فکر و عمل اثی جزبه احیاء نظام آمریکاشی" ببوده" ملماً صیانت آمریکا سیاستی مساعدت به این سیاست وباری به آن که بیشتر حکومت وباری به آن که بیشتر و بیشتر در این وابستگی موقوف شود! همان ظور گه در عرض ۹ ماه اول امیریالیسم آمریکا نهایت سی خود را برای تا مین منظور بوق بکاربرده و چون موقوف شد بطور اساسی کمر بسرشکوئی آن بست. ولی یک نکته ثابت بیزدیع "پیکار" میتواند بعثت جنگ کنوشی شود. و آن اینکه بورژوازی میباشد، و آن خواستار امنیات زا بهتر در منظلت و کشورش بازار و سلطه خود در منطقه بوده و این با منافع آمریکا و حکومت های وابسته آمریکا در تضاد افتاده است. شیوه این جنگ بروپا شده است. با تحلیل های من در آوردی دغیر مارکیستی "پیکار" فقط میتوان به چنین نتیجه شیوه رسید! و "پیکار" در حقیقت خود پراحت چنین نتیجه شیدا فرموله کرده است!

"پیکار" در تشریح سیاست خارجی جمهوری اسلامی به اندیشه ای تجاورگر آن بورژوازی آمریکا "و" تیات توطن طلب اشنا" در پیا نیمه خود

حکومت اسلامی بوده که ساعت تحریم اقتصادی . قطع روابط ایران و آمریکا . جزویان طبیعت کودتای ۱۶ تیر و غیره در سادات و با شدا ویسی - بختیار گذشت و تجاوز عراق به ایران در شرایط کنوتی شده. آری بقول لذتی "شخص عاری از معرفت نمی‌تواند بینه کند" معرفت نمی‌تواند بینه کند که جنگ ادامه سیاست است و "پیکار" هرجند که نقل قولها متعددی از لذتی و استالین بکاربرده اولی سنان داده که شتوانست مفتی "جنگ ادامه سیاست" را فهمیده و خود را از مفهوم "أشخاص عاری از صربت" جدا نماید. "پیکار" در توضیح اینکه سیاست داخلی قبل از جنگ رژیم جمهوری اسلامی جهوده که در نتیجه سیاست جنگ گنوشی کردیده، میتواند در مقابله "رژیم ایران" باشد

در مقابل "رژیم درون آن باعث نشسته بود" این جنگ کردیده که این سیاست مکنده از انسدادی "غصه" قدرت ... جزبه احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته به این حکومت بعنه سیاست خدا میریالیستی این سیاست که از جانب میریالیستی ایشان میگوید: "جنگ ادامه سیاست از راه های دیگر است. شمام چنگها از سیاست های سیاسی که آنها را خود می‌برند. جدایی شابذیره استند. سیاست که یک دولت معین، یک طبقه، مبنی در دوران خوده بورژوازی و بورژوازی ملی در حکومت پیروی کرد، در آن دولت برای مدنی طولانی قتل از جنگ هفتیگ بیکرد. بنابراین میگوید: "جنگ ادامه سیاست

تجهیزات شرکه ای از جانب سیاستی ایشان میگوید: "جنگ ادامه سیاست که از جانب میریالیستی ایشان میگوید: "جنگ ادامه سیاست در این میانه بود" (لذتی) در مناسل کارگران ... از سیاست ملکه داران و استشارگران دفاع کرده است. این رژیم خصلت ارتضاعی داشته و در نتیجه سیاست آن شیرینی تواند ارتضاعی شیوه است. (همانجا شاکیدات از ماست) . در این سفل قول "پیکار" برد و نکته امکنست گدارده است. اولاً رژیم که این رژیم جمهوری اسلامی و خلفکاری اینقلاب می‌کند. ملماً جنگ، سازشکارانه سرمایه‌داری وابسته امیریالیسم بوده و از سرما مددگارانه که بیزمع "پیکار" وابسته به این رژیم بوده، در عصر این رژیم اینکه استشارگران که بیزمع "پیکار" دفاع کرده، در حضن این جنگ نیز این رژیم بوده و از سرما مددگارانه که بیزمع "پیکار" دهد. یعنی سیاست را ادامه داری وابسته و منافع سرمایه داران که از حفظ سرمایه سیستم سرمایه‌داری وابسته به این رژیم بوده. آنچه می‌تواند حکومت درین جنگ نیز ادامه می‌باشد، و تنشائی عمل تغییر می‌باشد. (لذتی،

جنگ و انتقالب، نقل شده در ضمیمه "پیکار" شماره ۲۲-۲۳ شاکیدات از ماست) . مطلب روش ایشان میگوید: "جنگ ایشانه حکومت سیاسی که ایشان جنگ نیزه، ملماً جنگ، سازشکارانه، حکومت باعث سرمازشکارانه، حکومت برای مدت طولانی در قبال از جنگ دنبال می‌نمود، سنا چار سیاست درین طبقه و حکومت درین جنگ نیز ایشان میگوید، جمیعتی از ایشان خنگ از جانب آمریکا به دست عراق شده، شلیم شدن طبقات درون آن باعث ایشان شریوهای درون این حکومت ایشان طبقات درون آن باعث ایشان بیزمع خوده بورژوازی آن، سه آشوق امیریالیسم آمریکا و فروختن ایشان میگوید. آنچه ایشان حکومت وظیقات استقلال سیاسی این کشور است. درون آن باعث شده که عراق این طبقه میگوید: "ایشان میگوید: "ایشان

ایران و عراق، بلکه پیش از باعث مصالح تشورپک جلوه دادند نظریات مدلینی شان میباشد! درنتیجه ضروری است بدینکه از همین نقل قولهای لذتی ( جمله فولهای در مجموع سیان ) استناد شمده وارتباط آشرا با مثله است. تجاوز عراق به ایران ( ویسا سایرجکهای عادلانه و شیر عا

های طبقات شاکی خواهی پیش از رونم نوشتن مطلب ) روشن شدیم.

لذتی میگوید: "جنگ ادامه سیاست از راه های دیگر است. شمام چنگها از سیاست های سیاسی که آنها را خود می‌برند. جدایی شابذیره استند. سیاست که یک دولت معین، یک طبقه، مبنی در دوران خوده بورژوازی ملی در حکومت پیروی کرد، در آن دولت برای مدنی طولانی قتل از جنگ هفتیگ بیکرد. بنابراین میگوید: "جنگ ادامه سیاست

کنده شده بود، و تنشائی عمل تغییر می‌باشد. ( لذتی،

جنگ و انتقالب، نقل شده در ضمیمه "پیکار" شماره ۲۲-۲۳ شاکیدات از ماست) . مطلب

روشن است. سیاست که یک دولت میگوید: "جنگ ایشانه حکومت سیاسی که ایشان جنگ نیزه، ملماً جنگ، سازشکارانه، حکومت باعث سرمازشکارانه، حکومت برای مدت طولانی در قبال از جنگ دنبال می‌نمود، سنا چار سیاست درین طبقه و حکومت درین جنگ نیز ایشان

ادامه می‌باشد. جمیعتی از ایشان خنگ از جانب آمریکا به دست عراق شده، شلیم شدن طبقات درون آن باعث ایشان بیزمع خوده بورژوازی آن، سه آشوق ایشان میگوید: "ایشان

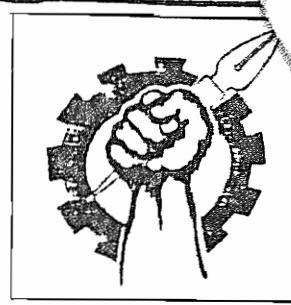
آنچه ایشان حکومت وظیقات استقلال سیاسی این کشور است. درون آن باعث شده که عراق این طبقه میگوید: "ایشان میگوید: "ایشان

راسطه‌ما نیین امیریا لبیم و موازن، قوانین دولت‌های کشورهای تحت سلطه ریشه، سرگار امیریا لبیستی (ودرتپه اختراع این نوع تزهای صد لزوم برقراری موازن، توین مارکیستی دارد. تزهای که قوا، برآ شورش‌دا مژون، آشنا مدته بود در جنبش کمونیستی دی میان کشورهای امیریا- لبیستی، هرای تقسیم محدود ما عنوان شده بدولی اکنون سفرم سیاسی و میان خالقی، جهان بتوغه پیوست، زیسته عنوان می شود. ما منتظر باز تزاری خودیکهای این جنگ شدن مجدرگ و پوست کنده تز امیریا لبیستی بود. بوبیه شد "خرده امیریا لبیستی ایران" از بورزوازی رویه دربی آن بود که شرکت درا این جنگ پایا و راهی نوین بکف آورد و از های خود را بسترباز نشانیم. گترش صنایع سطایی دوران دوما ما پیش از اینکه از این نکته بگذریم، ضروری می بینیم که نکته انحرافی دیگری را از جانب "پیکار" هستیم، تا بحث های خود را بسترباز نشانیم. جنگ سودرش را ب مردم و مستعمرات جدیدی بکف آورد. روبیه بوبیه هرای تقسیم ترکیه و اتریش هنگری و پسر- داشتن سهم خودکوش می‌نمود ایران و نقش خرد بورزوازی و بورزوازی ملی ایران ساخته ای ایران و حکومت کشوری ایرانی در جنگ شرکی و در درواز جنگ اول جهانی در روابط کشورهای امیریا لبیستی خوردن توان فوادر درون اردوگاه امیریا لبیستی ادوپی کسب مستعمرات و بازارهای نوین سودند. انقلاب روس که در موریه ۱۹۱۷ حکومت فشودالی تزار را سرنگون سود، بقیه این حکومت مرکب از نیان پند. کان "بورزوازی و ملکیت پرور" ژواده، را بروی کار آورد. ولی شده‌ئی که خودیک امیریا لبیستی نازموار دیده بود حتی کریکی که خود را زمان سویا - روس و لوسیونرها و از لحاظ طبقائی خود بورزها بود، مانند ای پر شما بندگان احزاب اپورشتو- نسبت آنرمان به خیانت در غلطیده و خودیمورت بکای جنگ امیریا لبیستی اول در آمد و با ایران و عراق، یکی از صفات انحرافی "پیکار" است. صفتی که بر همنوی دلنشیز، "تحلیل منخواز شرایط مشخص" باشد. در نتیجه نبوده و نی باشد.

حکومت کریکی جه‌سوع امیریا لبیستی برای تقسیم حکومتی بود؛ جنگ که ای اول مددجهان، و حکومت کریکی چه نوع جنگی بود؟ وجود فرقهای یک‌بای این حکم امیریا لبیستی سا حکومت خرد بورزوازی و سور و متعدد امیریا لبیستیها فرانشیز شرایط مشخص" باشد. در نتیجه زواری کشوری ایران و همچنین و انتلیپی پند. ولی "پیکار" در چک‌کشوری ایران و عراق دارد؟ یکی قلمداد محدود جنگ جهانی اول، نخستین حکم اول با جنگ کشوری ایران و عراق و هم چنین در پکی تتمدداد از دوران گذشت بوده است. این ایران در مقطعه "!!! عزیمت ادار امیریا لبیستی در تاریخ بود، ایران در مقطعه "!!! عزیمت ادار جا دیگر جنگ ادا مه سیاست از شی شوری لشی ای در مسورد

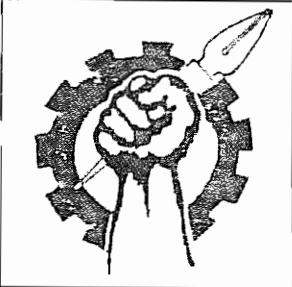
راههای دیگر نیست. اینجا جنگ ادا مه، خیال بودایی هبای "پیکار" از همان راههای گذشت است! این شیوه‌گیری ریشه در تزضدما رکیستی "رمایه" داری واسته "دارد" که در جند سال اخیرا زجان طراحان خد

## فی تینیس



ما رکیبت اش تکامل به تزریق مارکیست اس ایستاده است! "خرده امیریا لبیم" نموده است! سیاست بورزوازی ملی کشوری را این تزضدما رکیستی در گذشت ادا مه همان سیاست روزیم تحت عنوان "ظهور امیریا لبیم" بورزوا کمپردا دورانه دورابطه ایران در مقطعه "در تحلیل از خواسته ممکن است ابتداء" روزیم عراق می ذاتند!!! تزیکه متوجه "پیکار" بعده از عنوان چنین مطلبی را زجاسب "پیکار" بعده از ورودش به جشن کمونیستی صاحبناهی می دهیم که چنین است. تا حال پیکری نشده بود. ولی سه نقل قول زیر توجه گنده: اکنون بیاده شدن این تزداده "علیرغم هرگونه نقصی هم که جریان جنگ ایران و عراق کاملاً آمریکا داشته باشد این جنگ کار درین "هدف های توسعه طلبانه" ترا نشدر درجه اول و از شهادت و ذکر آن بورزوازی لسانی ما هیئت ادا مه همان سیاست ها و تفاقدی بین روزیم دوران شاه "سابق می باشد" جمهوری اسلامی و بعثت عراق مشاهده می کنیم. اینجا دیگر و نباشد سیاست و تفاوت که در جنگ ایران و عراق مابا دو خد روزیم شاه خاکش و چه در دوره امیریا لبیست روسروهستیم و با این روزیم جمهوری اسلامی، دارای مقابله کنده امیریا لبیست تاریخچه و هویت روند است. (منیمه ۲ پیکار ۲۵ - تاکت ۶ مرنکا) "پیکار" در تحلیل های تروتکستی خود، انحرافات ای از ماست) و همچنین در همان سیاستیه افرادی دیگری را در مقابله میور دیبروسی مادر توضیح سیاست "سه جهانی" های روبیز بونیست جنگ کشوری از جانب ایران می- عنوان می کند. لایکر روبیز- نوبیزند؛ این سیاستی است که نیت‌های "سه جهانی" معتقد شده روزیم های فوق سلکه روزیم سودند که حتی امیریا لبیست های شاه و سام روزیم های ارتعاعی در اروپا شی خصلت امیریا لبیست سراسر را بین بد آن دست زده. خود را از برای اهداف توسعه اند. (صیه پیکار ۲۳)

خوب مطلب از جانب "پیکار" تقسیم مجددجهان از کف داده اند. روش ترشد جنگ کشوری از لحاظ تحلیل تروتکستی "پیکار" سیاست خارجی، بخاطرا هدایت مثله امیریا لبیم را به کشورهای تجا و زگرایه و سلطه گرانه، پور. تحت سلطه امیریا لبیست روزی ملی و کشوری ایران که میت داده و برای آنها حلیت در راه ای سیاست های بورزوازی امیریا لبیستی قائل می شود! و باسته دیگری روزیم تا ساقی، آنهم تحت عنوان "امیریا لبیست از دوران گذشت بوده است. این ایران در مقطعه "!!! عزیمت ادار امیریا لبیستی در تاریخ بود، ایران در مقطعه "!!! عزیمت ادار جا دیگر جنگ ادا مه سیاست از شی شوری لشی ای در مسورد



شبا هست کام مل سا نظر با تتر و  
تکنی و ترکی در دوران اسما  
لین دارد.

تفاوت ماهی ماین  
جنگ امیریا لبستی اول و جنگ  
ایران و عراق در درجه اول در  
وجود مثله ملی در حصر میر-

## فی نیتیسم . . .

### لئی دهوره

#### عسله ملی است

"پیکار" بکرات دربررسی  
ها و تحلیلهای خود به شعار  
"دفع از میهن" بعنوان شعرا  
دروغین، شماری رویزبونیستی  
و بالآخر شعرا که شوار استشار  
کنندگان است، برخورده شد.  
آنرا دمیکند، ذکریکی دو  
شنبه برای مستندسون بحث  
های مادرانه برجای بدراز  
نکشیدن مطلب کافی می باشد.  
پیکاری نویسید: "دفع از میهن  
در پرا پر تجا وزما پریا لیستی  
..... اسن اشتتم آن اسا -

طل روز بیرونیستی . . . (ضمیمه  
"پیکار" ۷۳ - تاکیدات ازما  
ست) ویا می افزایید که از این  
جنگ میهن برخانه شکاری  
زجعتکنان بهره شی نیست ولی  
"برگش تام اقشار استشار  
کنندگان از خرد، پورژوازی مرنه  
گرفته تا پورژوازی کمپرادر  
در دفع از میهن" سوز زدایی  
ذینعت، (ضمیمه ۲ - "پیکار"  
۷۴ - تاکیدات ازماست)

بیش از آنکه به اصل مطلب  
بپردازیم، بدنیست ثکنی را  
تدکردهیم: "پیکار" میگوید  
بورژوازی کمپرادر در دفع  
از میهن ذینفع است، یا "پیکار"  
در پیشگانه این بخچ مددخوا  
یا سفطه هایی - چه بورژوازی  
کمپرادر که قدرت سیاسی اش  
مدشی است درهم کوشتند  
در اینجا تنها طرفدار شعار  
دفع از میهن در پرا پر تجاوز  
عراق شیت، بلکه طرفدار شعار  
جنگ داخلی "پرای سرنشی  
خیی است. فقط پقول لینین  
اشخاص "عاری از مفترن" تا مر

شودن حکومت کرنیکی با بالیسم در ایران گنوشی ماست  
حکومت خمینی، هیچ کدام از اگرددوران حنگ جهانی اول  
شخصیت اصلی، حنگ جهانی اول "شعار دفاع از میهن" شعار  
و حکومت کرنیکی را برای خواه امیریا لبستها و شعار "حنگ  
شده خود تریخ نمی نماید، داخلی "شعار کوشتها سود،  
پیکار تهدیان اشحرانی در جنگ کنونی ایران و عراق شعار  
می غلط، که بوریسیون "دفع از میهن" شعار کنونیست  
در رون حرب کمونیست شوروی، هاو شعار "حنگ داخلی" شعار  
یعنی ترویکی، رادک، میف و امیریا لبستهاست! اکرمیان  
امثالیم در مورد حکومت گنو - کمونیستها روسی و حکومت  
بینان در جنس ادرسانهای کرنیکی هیچ وجه منترکی به جز  
۲۲ - آن دجار شدند. بریانی حنگ داخلی نمیتوان  
نزرویکی و شرکا، که اعتمادی نست وجودها شد، مبان  
ستوری لینین در پاره امیری - کمونیستها ایرانی و حکومت  
یا بالیسم شدند، که مثله ملی گنونی و حنگ منترکی وجوددارد.  
را در مسیرهای مادیده گرفته و آن مازده مطلعه امیری  
و معتقدیه سرما به داری شدن لیسم می ساند. آری سا ماست  
پیش و انتکرند آن در سرمهاد اداه، حنگ اورا های دیکرات  
امیریا لبستی بودند، حکومت بشرط آنکه بروش لینین و با  
گومیندان سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۶ "تحلیل منحصر از شرایط منحصر  
با حکومت کرنیکی یکی قلمداد همراه، گردد. بشرط آنکه  
شوده و آنرا اجتماعی می درستفاده از شوابط تاریخی،  
نمیدند. آنان مخالف ترکت تفاوت های تاریخی در نظر  
کمونیستها در حکومت گومیندان گرفته شود. بشرط آنکه ما میمن  
پوده و در مقابل خط مشی استاد شیوه های امیریا لبستی (مانند  
لینی در پاره های میریا لبست کرنیکی، شاه، صدام حسین و  
بودن حکومت گومیندان (در - امثالیم) سانیروهای فد  
مقابل امیریا لبست پسوند امیریا لبستی (مانند گنونی)  
حکومت کرنیکی) ولزوم شرک تفاوت ما هوی گذاشده شود. به  
کمونیستها در آن (در مقابل شرط آنکه در عصر امیریا لبست  
عدم شرک کمونیستها در حکومت در تحلیل از هر نوع حکی، به  
کرنیکی ولزوم سرباشی جنگ شوری لینینی در مورد امیری  
داخلی) مقابله و مخالفت می بالیسم و مثله مستدرمات و  
کردند. شیوه های و تحلیل نو مستدرمات اتکا شودند  
"پیکار" دریکی تلمذدا دشمنون شوری های ضلیلی مانند  
شایط روسیه سالهای حنگ انتکار ایون، سرمهاد داری  
جهانی اول و شرابط ایران در واپت "و بالآخر" خرد، امیری  
دوره، گنونی جنگ عراق و ایران بالیسم و امثالیم.  
و درستخواه اینجا خواندن خرد، بورژوازی -  
ملی ایران و جنگی با عراق



ی کوئد:

اما میخینه تردیدی است  
که رویم رونته مکله دهتانی  
اساس و سوهرمه ملی است ...  
حققات نیروی اساسی جنبش  
ملی اند بدون این ارتقان  
دهناسی یک مسیر می نیروند



## نقی لیلی

شکستی و شروع کشتی در ساره دارد.  
امیر بالیسم و انتگرالیسم تو "سرما بهداری وابسته" سرمادگنورهای تحت سلطه در که با عربیت از فی تنفسوری آن حرکت می کند، سه می توانند لبی در سردا امیر بالیسم به تنادکار و سورما بهدره مکثش باشند. تنادکار و سورما بهدره مکثش ماتعنوان تنادی محوری پسر. لسی مورد بدیتری فرازدهد حور دسته و خواهان انجام وسد می توانند از سرای مازاره حور دسته و خواهان انجام خردد بوروزواری مرقد و سوروزوار. انقلاب موسیایی است تجیه ز ملی بر علیه امیر بالیسم مکرر تپیکار در تجاوز کنونی مخصوصی دمکراتیک قائل شود. عراق به ایران به مثله "ملح در سبجد تحلیل با مظلوم طبقاتی احتفاعی سا بوروزواری خودی" سعنوان مسئله امیتی مورد نظری درستاده کامل و آشکار باربانبیم که می داشتند. مکثی این سرفا از آن سبزه کھسراه نکتاست ... که ممله می در فرار دارد. تپیکار "مسئله ملی" را اداره نمود، مکثی این ملی می خواهد نظرت. غنوان تکلیف اصلی که می بود. همان می دادند و بنتیم آنرا از رهبری "تپیکار" از تفادا مامی آن زمستکنان و بوبیره دهستان رهبری "تپیکار" از تفادا مامی ملی تحت ستم می دانند. تپیکار "حاج مده مبعنوان تفادکار و سوپر. هیزاره خرد بوروزواری مرقد و مامه مو مرحله امقلاب کنونی مام. بوروزواری ملی با امیر بالیسم، بعنوان مرحله امقلاب موسیای تانچاکه بسطه امیر بالیسم تپیکار که جنده می باشد. این زندگانی این سندی مدلی بر علیه امیر بالیسم برخلاف عنصر ملی مدنده در مسخر از رقابت علیه امیر بالیسم با انتلاع آزاد، از مسئله ما بین سرور. اوصی حققانی این سندی ملی بر علیه امیر بالیسم، اسلال ملی شده های مردم بر زواری ملی مختلف خارج گردیده فتحود ایسموره باط ماقبل مسخرات درستنایزما میس آثار - جلد ۷ - ص ۷۲ - ۷۱) مسخرات درستنایزما میس آثار - جلد ۷ - ص ۷۲ - ۷۱) امیر بالیسم و ملل ستم دشنه درسته در مسخرات و در گذارده. این در شرایطی است که کنورهای تحت سلطه امیر بالیسم مسئله ملی بر علیه امیر بالیسم، اسلال ملی شده های مردم بر خلاف عصیان ملی مدنده در مسخر از رقابت علیه امیر بالیسم با انتلاع آزاد، از مسئله ما بین سرور. اوصی حققانی این سندی ملی بر علیه امیر بالیسم و بوبیره بعداز هرچه خود منخدو سیح شناشد. انتلب اکتبر ۱۹۱۶ در صارزه، بقول استالین مسئله ملی در عصر امیر بالیسم و بوبیره دهستان رایزیز توده های وسیع مردم مسخرات آناس مسئله زمستکنان جامعه و سیم نیفته است. مبارزه، است که بین از هر طبقه و قشری توده های وسیع مردم، بوبیره خواهان به بیان و بآشدن تحول زمستکنان جامعه در مسخرات و مکراسی و تلفیق آن بآباباتیام نیم مسخرات در راه به بیان و بآشدن رهائی ملی هستند و مکثی را اند انقلاب دمکراتیک با مسئله استشاره گران جامعه می بینند. این سندی دهستان رهبری که هم مسخرورهای رهائی ملی که مخدوده نست به امشنها زده و هم با امیر و پیکار می شود. مسارت دیگر با ایسم تفاداده وندمانت خودرده. میان اینها می بینیم که درمو اوضاع "تپیکار" مدتیهاست که در مورده تحاوز آمریکا شی عراق به حشنه مارا بیخ کردیده است. ایران به بیان رژیمین و چینی خود رهبری ملی را اند این انتلب دمکراتیک با مسئله استشاره گران جامعه را می بینند می دهد، تپیکار ترازد که فرموله نند آن در دهه ۱۹۴۵ را منتای می دهد. تپیکار ترازد این صندی طبقاتی در راه این در معامل سوزوار اشی و آکادمیک جنگ در مقدمه دشمنان انقلاب و در آمریکای لاثن سورت پذیرفته. بینین مان "قرا دعی دهد. والیه که مامو، استناده از کرا یشته این کرا میش ایستگاهی "تپیکار" انشناسی جوانان خواهان کا اهلا دینه دیدرا مستحبه اذات می اند ایسی پیکار لیم ولی می تشوریک "تپیکار" می میر ایم از مارکیم - لیپیم استگراییون سرماده در عصر خود راه انتلاع کویا سوار شموده امیر بالیسم در مقابله ملی و وتوطه آن به عبارت دمکراتیک می باند تحول در رهائی ملی نیز می - ولی "تپیکار" که بتزمتای شوری می ساند و درسته مسئله دهستانی میتوان دست به مخالفت و ضیافت زده و می درسته می بینیم. تپیکار با ایسم تفااده می بینند. این تحول دمکراسی در مسخرات. آن خوبی می زندند. این می بینند. این می بینند.

سین العللی، سرماده داری خند آسیا شی. و آمریکان لاثن صنایع ایران و این قلاب سوسالیستی شده بعنوان آلتراستیوی به جامعه ما و این قلاب سوسالیستی شده بعنوان آلتراستیوی به سایی اذان و الاجمی متعوده، خوش شی لیلی - ایتلایتی لیلیم در مورد مسئله ملی. بورستی فضائل حرکت شموده، کمیترن در سردا کثورهای بخت استادی داشت مدرا این مسورد. ملکدر مسنای شوری کاشو.

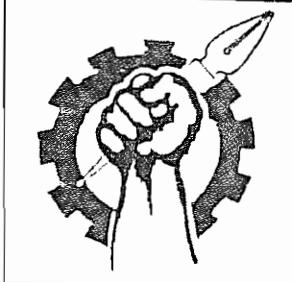
میهن سرای ملل تحت سنم م وجود نخواهد داشت و شی توائد اسحاف رود، ملسا در تحلیل هم سوحود آند ... این منهوما پس طفانی از آن سبزه کھسراه نکتاست ... که ممله می در حرا هدرفت. فلائکنسم کد لس واقع یک مسئله حققانی است: ا و لیکن مکتد از تراهای خود را (ا اتلیش - در باره، ملنه در سردم مسخرات و نیمه ملی در بیکو ملای - کل شات مسخرات درستنایزما میس آثار - جلد ۷ - ص ۷۲ - ۷۱) امیر بالیسم و ملل ستم دشنه درسته در مسخرات و در گذا و داد، این در شرایطی است که کنورهای تحت سلطه امیر بالیسم مسئله ملی بر علیه امیر بالیسم، اسلال ملی شده های مردم بر خلاف عصیان ملی مدنده در مسخر از رقابت علیه امیر بالیسم با انتلاع آزاد، از مسئله ما بین سرور. اوصی حققانی این سندی ملی بر علیه امیر بالیسم و بوبیره بعداز هرچه خود منخدو سیح شناشد. زواری ملی مختلف خارج گردیده فتحود ایسموره باط ماقبل و سه پک مسئله در متباش حدها می سرماده دهداری پکی می شود. بیان تبدیل خده است. بمعنی تبدیل بمعاریت دیگران انتلب دمکراتیک به مسئله مسخراتی و نیمه ملی زمانی می توانند بیمهزی مسخراتی شده است. به سیان بیان بیانجا مده بپولنای رای دیگر، پایه وا ساس مسئله ملی، بتوانند توده دهستان رایزیز در عصر امیر بالیسم و بوبیره بعداز هرچه خود منخدو سیح شناشد. انتلب اکتبر ۱۹۱۶ در صارزه، بقول استالین مسئله ملی در عصر امیر بالیسم و بوبیره دهستان رایزیز توده های وسیع مردم مسخرات آناس مسئله زمستکنان جامعه و سیم نیفته است. مبارزه، است که بین از هر طبقه و قشری توده های وسیع مردم، بوبیره خواهان به بیان و بآشدن تحول زمستکنان جامعه در مسخرات و مکراسی و تلفیق آن بآباباتیام نیم مسخرات در راه به بیان و بآشدن رهائی ملی هستند و مکثی را اند انقلاب دمکراتیک با مسئله استشاره گران جامعه می بینند. این سندی دهستان رهبری که هم مسخرورهای رهائی ملی که مخدوده نست به امشنها زده و هم با امیر و پیکار می شود. مسارت دیگر با ایسم تفااده می بینند. این سندی دهستان رهبری که بتزمتای شوری می ساند و درسته مسئله دهستانی میتوان دست به مخالفت و ضیافت زده و می بینیم. تپیکار با ایسم تفااده می بینند. این می بینند. این می بینند. این می بینند. این می بینند.

خود را که شده و ارجاعی "خود" خودم... بلکه راه انتساب  
از سپاهه<sup>۱</sup> مریکای لاتن وان  
سپاهه<sup>۲</sup> فرانک، دوس سانتوس  
و امثال هم است. ما این مطلب  
را در آبتد پیشتر خواهیم  
شکافت.

» - اساس استدلالات نشوریکی  
حایان تز "مرما بدادری وابسته"  
در مورد ساخت طبقاتی جامعه  
ایران، مرمرما بدادری شدنی  
روستا های ایران ناشی از  
رفتماری امیریالیستی روزیم  
منحله، بلهلوی، استوار است.  
مروحین اصلی این تز در قبل از  
سرنگویی رژیم شاه، چریک های  
فداشی خلوق عدا زان سازمان  
"بیکار" بوده است. در مسورد  
اخیر، یعنی نظریات مازماد  
"بیکار" که البته تا حال خود  
کاربکاری از نظریات و  
بررسی های "چریک های فداشی"  
خلق بوده بجزوات تحقیقی در  
دست تهیه است که در بی این  
سوئنه جات منتشر خواهد شد.

خود ترکیب شده و ارجاعی "خود"  
امیریالیست "بادرا بینجا  
امیریالیست ایران" که تبیکار  
از اولین بیان گذاران اهلی  
ترویج این تزبودها است،  
سیرون می کند. و آن اهداف  
تحاوزگرانه سورزوازی ایران

واسنده، غلبه روایت کار و سر-  
ماله در مناسکی حامیان  
سوبزه در متباین روشنایی  
است. <sup>۳</sup> استدجانیں جامعه ای  
که امیریالیست کلیت سرمایه ای  
را در خود آدمغامورا استند و شده،



## نقی لئینیسم ...

سلطه امیریالیست پس پیشوای در روابط سرمایه داری را در  
نظرات شوی به باره "بزرگ هنبا من کلی حامی سوبزه در  
ما بین مارکیم - لئینیسم روستا ها شلداده، اقلایش  
ورویزیونیم شوط احیاز سرمهی مواد برغلیمه بورزا -  
کمونیت پین و آلباتی با حرب زی خودی سپاه، اقلایی که در  
کمونیت شرروی و صراحتان پروتبرنگویی سورزوازی خود،  
در همان سورد بجهش پیش - طبقتا سرزمین "بیکار" قادر  
المملکی کمونیتی و از جنبد سرمکویی وابستگی این با  
جنبد کوشی انتلبی و کمونیت امیریالیست روابط خواهد شد. اتفاقی  
میهن ما وارد شد است. تزبکه در که "بیکار" در روابط محاذ  
حقیقت. همان طور که پیشان آمریکا شی عراق مداری  
گذرا شش پاره بدان اشاره سهال آنست، سهی مریا شی  
گردانند و سه اسکورکد پیشوان حکم خلی برعکیه بورزا زی  
این تز در درون جنبش کمونیتی خودی در شرایط کمونیتی بفسر  
ما بمحورت خجالتی عیوان از برباش اتفاقات بر عکیه بورزا  
شود است. متکورش از واشنگتی زیاری ملی و خرد بورزا زی در  
سرما بیداری در کشورهای تحت قدرت سیاسی حاکم، معنی و  
سلطه امیرالیست! انتبه مفهمه دیگری نداشتندارد.  
شدن، ادغام گردیدن "بیکی شدن" در اینجا امیریالیست جنه، فرعی  
و سالآخره وابسته کلیت سرمایه داشته والدظام هرا دستی بر  
کشورهای تحت سلطه سرمایه آتش داشته و سیاست عراق  
جهانی با امیریالیست می شنای می نهد.  
سری که مدین شوی سرمایه امیریالیست آمریکا بزم  
شی بورزا زی ملی در کشورها، "بیکار" تیاجناح های معنی از  
امیریالیست "را در عمل آنکه در  
جریان تجاوز آمریکا شی عراق  
به ایران، بررسی در بررسی ها  
و مواضع "بیکار" مثا هد می کنیم.  
بعبارت دیگر می سیاسی "بیکار"  
در جریان تحاوز اخیر، خبود  
بروشنی ریشه در تزهدما رکیتی  
"سرما بیداری وابسته" و تما می  
متباجه های خدمه رکیتی آن  
ما ایندسته خوده امیریالیست  
دارد. دریک کلام با بدگفت راهی  
که "بیکار" تبرای اتفاق بنا  
ترسیم می کند، هنراه اتفاقی  
در کشورهای تحت سلطه ما بنت  
چین، و هنرای، الیانی و... و...  
راه مانو، هوشی میشه، انسور

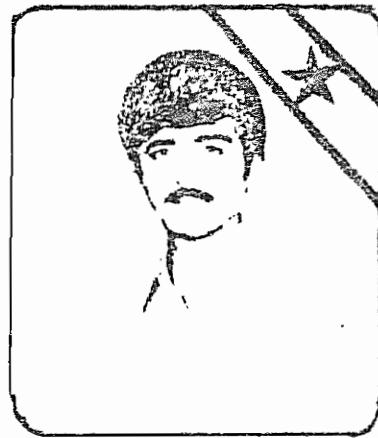
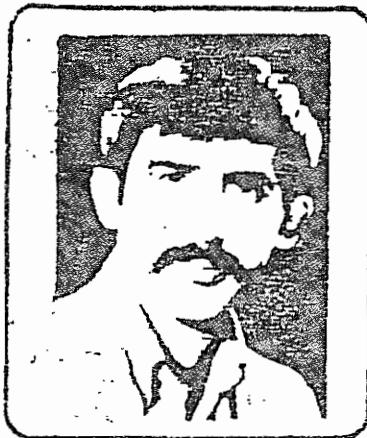
واسته، غلبه روایت کار و سر-  
ماله در مناسکی حامیان  
سوبزه در متباین روشنایی  
است. <sup>۴</sup> استدجانیں جامعه ای  
که امیریالیست کلیت سرمایه ای  
را در خود آدمغامورا استند و شده،

سلطه امیریالیست پس پیشوای در روابط سرمایه داری را در  
نظرات شوی به باره "بزرگ هنبا من کلی حامی سوبزه در  
ما بین مارکیم - لئینیسم روستا ها شلداده، اقلایش  
ورویزیونیم شوط احیاز سرمهی مواد برغلیمه بورزا -  
کمونیت پین و آلباتی با حرب زی خودی سپاه، اقلایی که در  
کمونیت شرروی و صراحتان پروتبرنگویی سورزا زی خود،  
در همان سورد بجهش پیش - طبقتا سرزمین "بیکار" قادر  
المملکی کمونیتی و از جنبد سرمکویی وابستگی این با  
جنبد کوشی انتلبی و کمونیت امیریالیست روابط خواهد شد. اتفاقی  
میهن ما وارد شد است. تزبکه در که "بیکار" در روابط محاذ  
حقیقت. همان طور که پیشان آمریکا شی عراق مداری  
گذرا شش پاره بدان اشاره سهال آنست، سهی مریا شی  
گردانند و سه اسکورکد پیشوان حکم خلی برعکیه بورزا زی  
این تز در درون جنبش کمونیتی خودی در شرایط کمونیتی بفسر  
ما بمحورت خجالتی عیوان از برباش اتفاقات بر عکیه بورزا  
شود است. متکورش از واشنگتی زیاری ملی و خرد بورزا زی در  
سرما بیداری در کشورهای تحت قدرت سیاسی حاکم، معنی و  
سلطه امیرالیست! انتبه مفهمه دیگری نداشتندارد.  
شدن، ادغام گردیدن "بیکی شدن" در اینجا امیریالیست جنه، فرعی  
و سالآخره وابسته کلیت سرمایه داشته والدظام هرا دستی بر  
کشورهای تحت سلطه سرمایه آتش داشته و سیاست عراق  
جهانی با امیریالیست می شنای می نهد.  
سری که مدین شوی سرمایه امیریالیست آمریکا بزم  
شی بورزا زی ملی در کشورها، "بیکار" تیاجناح های معنی از  
امیریالیست "را در عمل آنکه در  
جریان تجاوز آمریکا شی عراق  
به ایران، بررسی در بررسی ها  
و مواضع "بیکار" مثا هد می کنیم.  
بعبارت دیگر می سیاسی "بیکار"  
در جریان تحاوز اخیر، خبود  
بروشنی ریشه در تزهدما رکیتی  
"سرما بیداری وابسته" و تما می  
متباجه های خدمه رکیتی آن  
ما ایندسته خوده امیریالیست  
دارد. دریک کلام با بدگفت راهی  
که "بیکار" تبرای اتفاق بنا  
ترسیم می کند، هنراه اتفاقی  
در کشورهای تحت سلطه ما بنت  
چین، و هنرای، الیانی و... و...  
راه مانو، هوشی میشه، انسور

# رقاو دوستان ملوکه گمکهای هالی خود را از هر طبقه ممکن بای ها ارسال نمایید!

## اتحادیه کمونیستهای ایران

# شهدای راه استقلال و آزادی



آمن رساندن شورا اسپکت پر شود  
جوان می برا کند حظر انتگیر شود  
ماشنه اسما و ملک مدارس از کشت  
شنه جو پست نکند سر بر شود

رفیق شهید محمد محمود گرگیور  
عضو "اتحادیه کمونیستهای ایران" -  
شهرات ۹ / آب ۱۳۵۹

رفیق شهید محمد امین اسدی  
عضو "اتحادیه کمونیستهای ایران" -  
شهرات ۲۵ / مهر ۱۳۵۹

نقل از حقیقت ۹۸ - ۹ آذر ۱۳۵۹

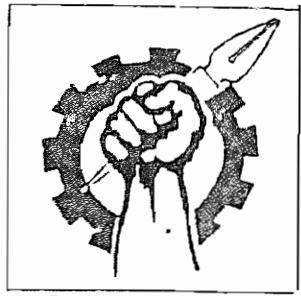
## نگاهی به نقطه نظرات وحدت اندیشه لایحه

آنچه ما را وارد اربه نگاشت در آورده سعی نموده است تا میگردد، بوجود آمد بیود. البته البته تحت عنوان اینکه جنگ این مقاله درباره نقطه نظرات تحریبیان خود را از مشکلات سیاسی - تئوریکی که پا پیچ در واقع شناخته آن است که این مشکله اندیشه خلاص ننماید. آنچه که دویژه این جریان بیسی درون جنبش کمونیستی ما را نمایان مینماید، و شده بیسی که وحدت انتقلابی تقریباً بهتر خاطر که استدلالات جدیدی را در از هر نیروی سیاسی چپ شمای دیگری در رساندگی و شکست چپ شما و ما را کمیت لشیونیست ها پهپاد مون جنگ کنشی مطرح نموده اند. "وحدت انتقلابی در طرح خود در شماره ۲۵ آن میپردازیم: سرمتاله در مجموع ۲ علت رادر خود در شریه انتقلاب شماره ۲۳ که بیش از هر چیز دیگر مارا ملزم مارکیتی را تحویل خواشده بپرسی این نقطه نظرات خود در شریه انتقلاب شماره ۲۴ میدهد. این نکته ایست که بیش از هر چیز دیگر مارا ملزم مارکیتی سایر جریانها شدت چپ شما میدهد که سایر جریانها شدت چپ شما مینماید.

آنده و ایضاً هم با پیداگفت که شماره ۲۵ شرطی انتقلاب نقطه پایان گذاشتن برخواه - این جریان در طرح نقطه نظرات خود را زنگنه ایشان ایجاد کرد. قضاوتی است که در درون خسود هم عقب تراز مقنای خود ترا و درست تراز همان پیدا شد ایشان گروه موارد عادلانه ایشان گروه

آنچه ما را وارد اربه نگاشت در آورده سعی نموده است تا میگردد، بوجود آمد بیود. البته البته تحت عنوان اینکه جنگ این مقاله درباره نقطه نظرات تحریبیان خود را از مشکلات سیاسی - تئوریکی که پا پیچ در واقع شناخته آن است که این مشکله اندیشه خلاص ننماید. آنچه که دویژه این جریان بیسی درون جنبش کمونیستی ما را نمایان مینماید، و شده بیسی که وحدت انتقلابی تقریباً بهتر خاطر که استدلالات جدیدی را در از هر نیروی سیاسی چپ شمای دیگری در رساندگی و شکست چپ شما و ما را کمیت لشیونیست ها پهپاد مون جنگ کنشی مطرح نموده اند. "وحدت انتقلابی در طرح خود در شماره ۲۵ آن میپردازیم: سرمتاله در مجموع ۲ علت رادر خود در شریه انتقلاب شماره ۲۳ که بیش از هر چیز دیگر مارا ملزم مارکیتی را تحویل خواشده بپرسی این نقطه نظرات خود در شریه انتقلاب شماره ۲۴ میدهد. این نکته ایست که بیش از هر چیز دیگر مارا ملزم مارکیتی سایر جریانها شدت چپ شما میدهد که سایر جریانها شدت چپ شما مینماید.

آنده و ایضاً هم با پیداگفت که شماره ۲۵ شرطی انتقلاب نقطه پایان گذاشتن برخواه - این جریان در طرح نقطه نظرات خود را زنگنه ایشان ایجاد کرد. قضاوتی است که در درون خسود هم عقب تراز مقنای خود ترا و درست تراز همان پیدا شد ایشان گروه موارد عادلانه ایشان گروه



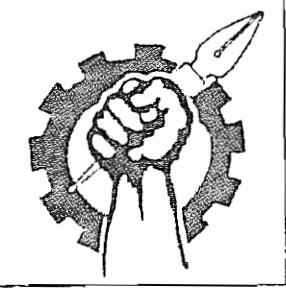
است!

اولین نکته ایکه بنتظر میرسانید است که گویا شو- پسندگان سرتاله کاری به اوضاع و احوال جامعه ایران و جامعه عراق واوضاع خاورمیانه و نقش امپریا لیستباشد رند گویا شمی داشتند را بیشتر انقلابی رخ داده است و نیرو- های جدیدی درون قدرت سپاهی را بهشت گرفته اند و این انتقال و پسیدا یش همین قدرت سیاسی جدید را بیشتر و منطقه یکسری تحولات عمیق اجتما-

عی وسیاسی بوجود آورده است، چند ایران و عراق گویا برای شویسندگان سرتاله یک پدیده نازمان پیکار اسلامی عراق و حزب الدعوه ..... درجهت سوارشدن این داردسته های مرتعج بر جنگ شوده های مردم عراق و پرسکار آوردن رئیسی انتقال که معتقدند دو "ارتجاع" پکسریست ارجاعی کنونی و محرك و مثوق و ادامه دهنده اند، از نقطه مشترکی حرکت می شوند و با یکدیگر دوستی و پسری بوده است!! برای سرکوبی "انتقال" میل تسبیشگان هی دهد خفنه کرد، انتقال دموکراتیک - ضد امپریا لیستی خلقهای عراق و تکیم موقعيت منزله و برای سرکوب انتقال در کشور عی کنونی و محرك و مثون آن های خودها شد؟ نویسندگان سرتاله بوده است.

با توضیحات پیشتری که برای له نیز میگویندگه رژیم بینویسد "بعث عراق" نیز با هدف خفنه کرد، انتقال دموکراتیک - ضد امپریا لیستی خلقهای عراق و ارجاعی باشد و دعوای این شکنندگان سرکوب انتقال در کشور عی کنونی و محرك و مثون آن های خودها شد؟ نویسندگان سرتاله بوده است. با توضیحات پیشتری که برای دست به تحریکاتی ارجاعی است، پای خود را به میدهند، قضیه "در مناطقی چون خوزستان و راکمی غاصن ترمی نهایند و کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی "میزند" .... خلاصه کلام با ادعای اکه رژیم ایران "ارتجاعی" است و ادعای شماره ۲ رژیم عراق ارجاعی است و ادعای سوم که هر دور رژیم برای خفنه کردن انتقال در کشورهای خسود دست به تحریک علیه یکدیگر زده اند، نتیجه گیری داشه اند ای میشما یتد میمنی براینکه این چند از هر دو سوا ارجاعی

دیگری بخود نیستند. این دو نتیجه اعمال سیاست امپریا- رژیم بخاطر مسائل حاده درونی ایکه جنگ لیستی از یکی ایکه جنگ بخاطر فرورت حفظ ارتش در یعنی ازوی رژیم بعث عراق داخل برای سرکوب چنبهای نیوده و نیست. پس دست امپریا لیستها داخلي و ..... چنین توانشی پاک است و تنها اینسان متصرف می باشدتا از تسايیج این جنگ و شارشند. چون قدرتی ایکه جنگ امپریا لیستی درین این جنگ و طرفین آن نیستند، و هیچگونه تغییر مهیی دولتمردانهای تمع حاکمیت دوکشور ..... پایه فوق که دعوا در اصل بیش "بدون مبارزه ای سخت بیش دونیروی مستقبل ازا امپریا- تقدرتی ایکه هر دوهم "ارنجا- لیستها است که هر دوهم "ارنجا- عی اند و دعوا هم ببرس "خفه" است که "مانع از الحاق بخشی کردن انتقال در کشورهای ایشان است، نام این پدیده شوظهر راه میگردد. در نتیجه چنین ارزیا پی کیمی و مشخص و کنکرت و کذا و کذا . نتیجه، این "تحلیل تهای من در آورده ایکه جنگ کافی است شاد و نیروی ارتجاعی در جهان پیدا کنید که هر دو خواهان سرکوب و خفه کردن "انتقال" را که بخواهند، و آنها این دونیروی یکدیگر بجنبش خواهند پرداخت و ارشش های منظم خود را در معرف خطرناک بودی ترا خواهند داد! صعلوم نیست چرا عراق پس از عربستان سعودی یا مرویا ... بجنبش خواهند پرداخت و ارشش های نظریه که ملاحظه می کنید سطح امتدادات شویسندگان سرتاله "چند" و انتقال "آخر" بشودن این آنرا استبدال گذارد، بسیار عقب مانده ترا زایسر نیروهای چپ نهایی است که هم اکنون خود را در مقابل مردم و انتقال و استقلال میین قرار داده اند. لیکن اهیت این بحث در نکته دیگری نهفته است که در آغاز این مقاله شده است و در اینجا بدان نکته می پردازیم . توجیهات خدمار کیمی و خدا تقلابی که در مقاله "چند" و انتقال آمده است در واقع بیکرور شکستگی تزییر رهای چپ نهایی است که خواهان چند



## نگاهی به

مقاله "جنگ و انقلاب" با توپه  
بهای ساله است که با طرح  
تاکتیک "قطع جنگ" مجهای  
تبديل جنگ کوشی به جنگ  
داخلي "وبتوان مقدهای  
برای آن میتوانند عرصه را  
برای خود بازگشایند. توبیخ  
گمان مطالعه فوق را فراز آز  
محضی را من جویند که "پیکار"  
در حل آن و امداده است و بهر  
حال سعی مینمایند تا ظاهری  
قابل قبول توبیرای خود را  
رایند.

داخلی علیه رژیم خمینی در  
زمان تبا وزبکان نیز رهای  
بیث عراق به میمهن ما میباشد.  
ولیکن تا در به پیشبرد چیزی  
هدف شوم نیستند، این آتابیان  
که خودخواهان ایجاد جنگ داخلی  
در شرایط کوشی هستند، از آن  
کسیک مستقدام است جنگ  
کوشی از هردو سوارهای  
است، بدون هیچ رودرها یستی  
و اگریه "اصول" خود را دارد و  
ما دی است می بایست شعار  
هدف شوم نیستند، این آتابیان  
که خودخواهان ایجاد جنگ داخلی  
در شرایط کوشی هستند، از آن  
صادقت خود را در حرف، هرچند  
که حرفش ارتجاعی هم باشد،  
حصول نمی داشددست بدشود.  
جیبا تی مانند تو جیها ت فرق  
دهای "موردنظر اعراف اکاران  
چپ دنبال کانیک در جنگ ایان  
نظر خود را درشد، نمی روند  
اگر هم غفلت زده دنباله روی  
بنمایند، بالآخر حساب خود را  
با آنها ساک خواهند کرد، شمار  
قطع جنگ مطرح شده، از سوی  
نویسنگان سو مقایل شوق الکر  
کوشش بی جا و دور و یادهای است  
برای گذاشت است و عملکاری را  
اشجام نمی دهد چون نمیتراند  
کاری را انجام دهد و حتی بیک  
قدم در را، نطفه نظرات ارتجاعی  
خود بردارد، تشاکار را ملبی  
این نظرات ارتجاعی این شده  
که بهترین از اینها خود را از  
تدوده ها را بطور مستقیمی  
دربرابریت حاکمه جسموری  
اسلامی فراز میدهد... در متنه  
چنین مبارزه ای است که آنها  
تدریجاً مادگی پذیرش ایده  
سوئیکی تهدی های مردم و مبارز  
رزات توده ها را بطور مستقیمی  
توده مردم پیشان نگهداشد،  
و بخود دلداری دهنده بخشی کهها  
نیززمانی سخا طرق عقايد غرور  
کنک می خورند ولذا کنک غور  
دن بدینیت و یا عامل مسترون  
پنجم عراق سربی شدن بخودی  
خوداشکالی شدار و "توده ها"  
بالآخر، خواهند نهیید که...  
تازه اگر هم علی از سوی  
ملغین ترا رجاعی فرق در  
جهت آن سرمیزند، که دیگر بدتر  
از بدخواهد شد، نویسنگان

های کذاشی با بیل شان سر  
خواهند شد، بیل رشد، چنینی  
شماره، این خواهند کار تاکتیکی  
خود ترا را میدهد، نتیجه علی  
این طرح کذاشی چیست؟ فرض  
کنیم، میلیونها شن لز مردم  
خواهان قطع جنگ اند، که  
نیستند، آقایان بمنشوان  
رهبران برگزیده مردم به پیش  
من آیند و به رژیم خمینی می  
گویند که جنگ را قطع شاید،  
رژیم خمینی هم که بدرستی شنا  
کنون از طرح چنین شماری دو-  
ری جست خواهد گفت، اگر جنگ  
رایطخ شکیم شما، استقلال  
میین را از دست خواهید داد و  
شهرها و خانه های خود را بساز  
خواهید است دو ما هرای خنده  
میین و بازمتن دن خانه و کاشا-  
نه و شهرهای شاداریم بسا  
متباوزین عراقی میجگیم  
آنگاه خواهیم دید که امین  
"میلیونها تن از نوه های  
مردم" طرف آقایان را خواهند  
گزند و پایا طرف رژیم خمینی را  
ولیکن آقایان صیغوا-  
هد "میلیونها تن از نوه های  
مردم" را تازه مردم راین "سازه  
علیه رژیم خمینی" پیرای قطع  
جیک به لزرم سرگوشی قهری  
این رژیم آنکه مازده اکدام  
مردم خواهان برگوشی رز-  
یمی اند که در عمل در برا بر  
متباوزین و لخنانگران قرار  
میگیرد و برای بازگرداندن  
شهرهای اشغال شده، همین توده  
های مردم بهره هال اتفاق ماتنی  
هر چند گوچک، که بینظور ماتابل  
دفعه است، را انجام میدهد.  
اين مردم رژیم خمینی را  
سرگشون شنواهند که هیچ از  
آن مدفعه خواهند پرداخت چون  
این رژیم از منافع مادیشان  
دفعه مینماید، این مردم  
خواهان سرگوشی مده دیگری  
خواهند بود که تویینگان سر  
مقابله "جنگ و انتقام" بهتر  
است زودتر بفهمداین مده  
کیستند؟  
تازه نویسنگان سر

### معنی عملی شمار قطع جنگ، دروشورایط کوشی

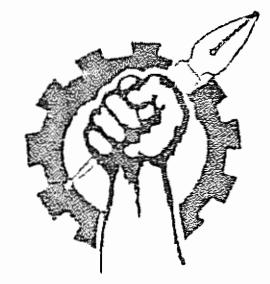
از آنها شکه ماسیماری  
او استلالات نویسنده‌گشتن. سر  
مقابله، "جنگ و انتقام" را در هر  
خوردیده سایر جزیره‌ها نهادن عراقي  
چه شما به تسلیم طرح کردند؟ تهم  
دیگر مخن بدرارانی پریم.  
و به این شکه مسنده می‌شناهیم  
که "وحدت انتظامی" نویسند.  
گان این مقاله مورده بحث،  
چهار پیک بحران ایدئولوژیکي  
و سیاسی هستند. طرح مقاومه،  
"جنگ و انتقام" و برمی‌های  
با صلاح شناخته‌آن از موضع  
شاره‌های پیشین "انتقام" و  
بیزار موضع اعلامیه‌های  
شاذه‌های ایالاتی این گروه  
همه‌سیاستگرانست که "وحدت  
انتظامی" شهودتی دارد و نه  
این که با طرح چنین تزهیه‌ای  
صدما رکبیتی میتوانند القاب  
بی شاهده شود، بحریانیات  
سلام و انتظامی درون ایست  
کرده است که از ایامش آینه.  
لوزیکی و سیاسی با محرومیت  
چه نماد است برداشت کلیست  
خود را روش شموده و با طرد  
جريدة اشعار این وقدمانه  
کیستی در میان خودنشانند  
کما می درجهت امثله چنین  
کمونیستی برداشتند.

\* \* \*

عین طبیعتم تذهبات انتظامی  
تشاهها ببورزاها ولیبرالهای  
مورده بشدت آیا آقا یان فرآین  
مورد تجزیه‌ها سرشخه موقی سه  
تodore های می‌لیویشی که ایضاً  
مانع مادی در جنین حضشی  
را کاراییش خواهند گفت محنه  
را اتریک گنجید، این بوزراها  
کلک دیگری سوارکرده‌اند.  
شماره بگشت دم توپ خود  
بسیل شما پند ایزرا  
دموکراستی و آزادی  
می‌زند گنجید، چون دعوای  
میان "دوا رشاع" است؟ با  
اینکه همچنان اگر هر برآ و پیش  
کامان دو طرف این قضیه  
و انتقام رجاعی پاشند که در  
مورده جنگ کشوری چنین چیزی  
محبت شدارد که همچنان معمی  
خواهند شد تا شرکت قمال  
خود را این می‌زند گان سرتاله  
را از دست لیبرالها و بوزراها  
به آردو و دیگر هر برآ واقعی  
طبقه کارکردا تا نمایند.  
همین مثال ماده نیز تصوری  
ورشکته نویسندگان سرتاله  
فوق الذکر را بر ملامی ازد.  
تاکتیک دوم ساخته و پرداخته  
نهن آقا یان نویسندگان سر-  
مقاله "جنگ و انتقام" بدهیج  
وجه مبالغه ای "مدون شکده".

ذکر مابا اصلاحی و ملهمی  
ندازد، می‌زند گاهی آریزی  
نیزگوشی بزیم، حاکم، راتجوز  
نماید، روش ایست بسته  
که وجوددارد، تنها کوشای از  
تضادهای اجتماعی موجود  
جا مده ماست و بدهیج وجه تقاد  
عده‌جا معه ما را بین نمی‌  
نماید، شناشرکت کمونیست  
ها در جنگ کشوری قبل از این  
که تا شیده‌ای برای هیات  
حاکمه کشوی باشد، تا شیده  
ای است برای نکه کمونیستهای  
جه خدمتگزاری بی جبر و مواف  
جب برای بعثت عراق فا می‌رسد.  
لیستهای وظایف کمونیست  
جنگ کشوری و انتظامه نظیر  
ها در فیال آن از نظر علمی  
هما شکوه که در فوق آدمجیزی  
جز خدمتگزاری بی جبر و مواف  
جب علیبرغم ضرباتی که بخاطر  
تاكتیک های خانه‌های برخی از  
فرماندهان ارتش از گیک شیرو  
های رسمی ارتش برخوردار نشدند  
ما هر آدمی بخواهی در مملکت  
چه میخواهید بگویید، مردم  
در غلب مواردشان هدآن موده.  
نمی‌نمی‌نمی‌نمی‌نمی‌نمی‌نمی

## نگاهی به



**حکایت**  
**ارگان**  
**اتجاهیه**  
**کمونیستهای**  
**ایران**  
**را بخواهند.**

مردم ایران در جنگ  
میهنه فقط بینروی  
پرتوان خود  
تکیه دارد!

اتحادیه گمونیستهای ایران

برای مقابله با تجاوز  
ارتش مزدور عراق  
**متحاد و مسلح**  
شود!

اتحادیه گمونیستهای ایران

پیرامون مواضع  
مجاهدین

و نشریات

فریاد کودنشین

و بازوی انقلاب

در قبال جنگ کنونی

دادو آنان را دریک مسیر متوجه قراردادند، دوستان مجاهد در مناطق جنگی هدوث شایر شیروها دست به فعالیت‌های تسلیل توجیهی زندن‌دیدن از انتقام بیل توجهی مایه خاسته‌کننده خود و میمین ما برخاسته‌کننده خود تحسین و تائین است. لیکن درسا بر شهرها کنیا زده فعالیت

شیدیدن شیوه‌های انتقامی برای سیجیدن توده، مردم و متوجه کردن آنان در دفاع از میمین و گشرش انتقام می‌رفت، از دوستان معاحدانه نجه انتظار می‌رفت کسر مثا هدند، تا جایی که به حداقل تظاهر سیاسی در سطح شهرها رسید.

درین حال و در شربات متوقی اسلامی چون "سازوی انقلاب تو" فربا دکودن شیب کنیا پا نکر حركت متابهی در میان مسلمانان مبارز است، گرایش متابهی می‌روزگر کننده در سرتالهای این شربات در عرض دوشهفت ایکه از هنگ سا تراز سهل اتگاری در انجام عرضی وظیفه خود، آنست که انتظار مقاله‌ها بدست خواسته می‌آید و با اینکه در طرح قضایای مربوط به اعمال قضیه‌جنگ ماهبت طرفین جنگ و خاصه علایت اصلی درگیری و تجاوز یعنی های مزدور به خاک میمین می‌سیار گنگ سخن می‌گوید، چنین است:

۱ - تجاوز عراق به ایران شناشی از مکتوطه امیریا لیستی ملک دعالت ناطلومی دارد که آنهم مربوط صیگردد به تضاد میان دودوست

ایران و عراق  
۲ - نتیجه جنگ ایران و عراق به ۴ مورد خلاصه می‌گردد: الف - زمینه‌برای حرب استفاده امیریا لیست و آنهم بطور عده آمریکا بدبخت میدهد.

الف - جننه پشتیبان ایران فلسطین نضیف می‌گردید ایرانیان در کنار آمریکا از چنین وضعی سودمی می‌رسد: ج - به غلبه ای محروم

این شیوه‌ای دفاع سرخواهند خاست، جهود تحلیل شهایی آن شیوه‌ی فادریه رهبری توده، مردم است که بترا وند پا خکو و راهنمای واقعی توده، مردم درجهٔ حل تفاههای عینی مقابله‌شان باتند.

امنیت رهبری توده، مردم حق شیوه‌ای انتقامی است. شیدیدن شیوه‌ای انتقامی برای سیجیدن توده، مردم و متوجه کردن آنان در دفاع از میمین و گشرش انتقام می‌رفت، از دوستان معاحدانه نجه انتظار می‌رفت کسر مثا هدند، تا جایی که به حداقل تظاهر سیاسی در سطح

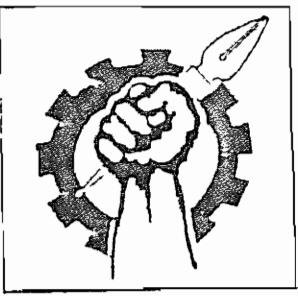
شهرها رسید.

درین حال و در شربات متوقی اسلامی چون "سازوی انقلاب تو" فربا دکودن شیب کنیا پا نکر حركت متابهی در عرض دوشهفت ایکه از هنگ سا تراز سهل اتگاری در انجام عرضی وظیفه خود، آنست که انتظار مقاله‌ها بدست خواسته می‌آید و با اینکه در طرح قضایای مربوط به اعمال قضیه‌جنگ ماهبت طرفین جنگ و خاصه علایت اصلی درگیری و تجاوز یعنی های مزدور به خاک میمین می‌سیار گنگ سخن می‌گوید، چنین است:

۱ - تجاوز عراق به ایران شناشی از مکتوطه امیریا لیستی ملک دعالت ناطلومی دارد که آنهم مربوط صیگردد به تضاد میان دودوست

ایران و عراق  
۲ - نتیجه جنگ ایران و عراق به ۴ مورد خلاصه می‌گردد: الف - زمینه‌برای حرب استفاده امیریا لیست و آنهم بطور عده آمریکا بدبخت میدهد. الف - جننه پشتیبان ایران فلسطین نضیف می‌گردید ایرانیان در کنار آمریکا از چنین وضعی سودمی می‌رسد: ج - به غلبه ای محروم

سرپی موقعت‌های اسقلادی کسر و منعد ایده‌های اسقلادی و مترفی در میان متوجه مردمی که شنید وحدت و ادامه انتقام شان می‌باشد بدبخت داده است. واقعیت و شرابط



## چیزهای موضعی ...

حاقد ماما موصیگیری خود حامکه احتمالیتیان را در این سردمیان امیریا نام و مرد دوران سوم ای از مک طرف و ملت ایران و انتقام دوم شان از مردمی دیگر سعین شود و سیاست کنوری بودگمشابط را برای سرموقیت و مفعکیریتیان این سرخوردگی ولذابا مذا دسته توضیح وار اش تحلیل شن راه توطنه‌های ارجاع های همان زده و شمارهای دوزخود سرگون شده او صبریا لیستها را در سیاست مردم ماقرازهند. فراهم کرده مودهند. تفرقه در حرم مدودی خاش و عوامل میان توده، مردم، سرخوردگی ارجاع و امیریا لیست که علیا آنان ازستجو و سرگون شما اشلاق ایران خصوت می اشلاقشان و موج شارهایی بورگنده ا نوع عجیل می کوشت های اجتنابی افتسادی و تابعوان ستون پنجم امیریا سایی در واقع بدرمن شرایط پالیس و سعی های چنستکار برای انتزوح عربیان انتقامی عمل شایند اکنربت قریب در میان مردم و سهمنم شرایط ساده انتقام کروها و اگر اینها برای کستشویه های ارتحان سیاسی و ابدی شلوذ بکی در مدد عی و توطنه‌های امیریا لیست حفظ و جات میهن از تجزیه و بود.

حال ساجرخنی که در میز لیست این طبق گستردگی موجود آمده شیوه‌ای سیاست شه عاری از نایاکی است و نه انتقامی می باشد موقعیت را بگست است. حتی مستوان جر در بندواز این شرایط کمال میانه ای را بافت که همچون استفاده را برای گسترش انتقام کشته شایان که هر روز استکلی و جذب هرچه سیاست شیوه‌ای هر دزمی آشید، با ظا هر فرسی خود دمی درجهت آن ببرند. متوجه را در میان صوف اشلاق و مدا مردم هعواه برسنای تضاد فیعنی میهن قرا و داده تا ایشت های عینی مقابله‌شان به مبارزه خنجر زندویان اینحصار طلبی ها و اشلاق برمی خیزندوز ماشکه و توطنه‌چینی هایی که می این شفاد هایه ای و خود رساند شایانه موج سارزه انتقامی و یک موقعیت تاریخی بسرای ای دفع از انتقام و بیشود شکوفا شدن اینه مبارزه بدبخت آنرا بهمک جنجال قشری و سیاست آنده است، بیش از هرچیز است بازی مدل منایند. آنجه پیشگامی و گرفتن استکار عمل پیشگامی در حال حاضر است، هم درست شیوه‌ای و اقما انتقامی شایان امرا است که شرایط جاسمه می‌خواهند جوا بکوی شیاهی هی از تجاوز و شیوه مزدوران عینی این مبارزه بوده ولذای سفنتی به خاک میمین ما آنچنان توده مردم نیز همیرف مملک ستحول گردید که یکی از طلاقی و انتگریهای طبقاتی شان از

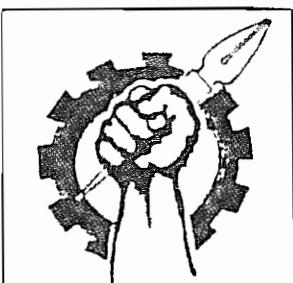
رزات مداستادی گذشت است  
(سرنقاله فریبا دکودنیش) نسخه  
شاره (۶۳) و با دادا خاف کرد  
که این نکته هسته تنهای حلب است  
بلکه بسیار دم جالب است و  
بپیراستنیروها بی کمدافع  
انقلاب پیشترنست آن میباشد  
بیشتر از جلب شدن توجه خودشان  
نسبت به این مسائل دست بکار  
شده و زاین فرصت منقتم سود  
پرده و انقلاب را کامی بحلو  
راشند.

متاسفانه این دوستان  
با عده کردن مزاره، ضد  
انحصار طلبی در عمل در مقابل  
مبارزه، خدا میریا بیستی در  
حرف، این امکان کمک به  
گسترش نیروهای انقلابی در  
ضروف مردم و بیشترین انقلاب  
را از خود سلب کرده و میکنند. نه  
برای مزارزه کردن اجازه تام  
احتیاج نیست هما نظریکه خود  
مجاهدین خلق طی سالیان  
در از مساوازه جز به تعهدی گردید  
نسبت به خلق خود داشتند.  
قید و سندی راسرای خودا یجاد  
نمودند، و نه اصولاً "اجازه"  
دهندگان "اهل آتش" که اجازه  
نامدی دادرشمایند، مبارزه  
کردن حق هر کسی است، بلکن  
بک انقلابی، اگر میخواهند  
آن قلابی باقی بمانند. مبارزه  
را وظیفه خود وظیفه خود را احتیاج  
من داشتند که از مبارزه  
عنیه انحصار طلبی در عملی  
مبارزه، خدا میریا بیستی می  
توان بافت در کجا میتوان  
انحصار طلبان را واقعاً منفرد  
و بزرگ خود را نیز میتوانند.  
داشته باشند. این جنگ  
خود توده مردم که در برآورده شده  
خود قرار گرفته اند و خواهان  
و مانی که بیار می آوردو طبیعتاً  
جنگ بدون مصیبت و بدون "فره"  
انحصار طلبی هستند.

او فاعع، رهندودها و شعارهای  
بیش و بیرون شوده های متعدده  
غلطی را نیز بینشان دارند که  
خلق است. خود این دوستان نیز وظایف متعال پا نیز طبیعتاً  
می بینند. حرکت اشعار فی مبدل  
می گزند. تحلیل شادرست  
این جویان در مقابل جنگ  
که این که تنها یادآور میباشد

دودربی گسترش انقلاب شا  
سام خوبی است مهترین عل  
مل خطرناک برای میانع خود  
در منطقه میداشد، ما در بسیاره  
انگیزه ها و نقش آمریکا در تو  
طنمندان انقلاب ایران که جنگ  
تجاز و کارانه، کنونی بیشی  
های عراقی جلوه ای از آن است  
در سایر ملتات این موضع  
کافی داده ایم و در اینجا  
محدداً بدآن شمی پردازیم.  
میلینین نظریات فوق الذکر  
یا تحلیل شادرستی که از چکو  
نکی شکل گیری این توکل  
و تجاوز ضد انقلاب و میهن، میان  
دارند، طبیعتاً نسبت به نقدی  
که خود را یخانمایند من فعل بسو  
خورد کرده و انتظاراتی را که  
با پیده را این بین داشتند باند  
شدارند، اینان توجه شمی کنند  
که این جنگ که از میان این  
قدرتها به ملت ما تحمل شده  
است، نه تنها بدشیت، بلکه  
در رشود گسترش فکری و عقیدتی  
مردم ما در مباره، وظایف این  
در سایر انقلاب و جگونگی بیش  
بردا انقلاب چند نقص ممی دارد.  
و جغرافیه های مهمی را برای  
نیروهای انقلابی ایجاد میکند  
تابه آنکه هایند توده مردم  
نسبت به رسالت و نقش انسان  
سپردازند و توضیح دهنده شورو  
های گوناگون چه نقشی را در عمل  
علی رغم ادعاهای متفاوت بیه  
ابنای می شمایند. مردمی که  
در طی مبارزه علیه دشمن اهلی  
و زا فمی خود آبدیده نگردند،  
لیاقت حفظ پیروزی های کوچک  
و بزرگ خود را نیز میتوانند.  
داشته باشند. این جنگ  
علی رغم تمام زیانهای مالی  
و مانی که بیار می آوردو طبیعتاً  
شرکت همگانی و مخالف هرگونه  
تدیده بزرگترین عرضه آزمای  
او فاعع، رهندودها و شعارهای  
غلطی را نیز بینشان دارند که  
از عان می شمایند که جالب است  
که در تهاجمات اخیر رژیم فا  
شیست عراضی، ملت صننه هایی  
از هستگی و وحدت را به تماش  
کنونی و اینزیستوان از تائید  
گذاشت که تنها یادآور میباشد

هر بار در فیال حتی کنونی  
ولذا غمین کنند، و طایف محاب  
طیں این شریعت میباشد،  
موردنظر ماست که با پیش مورد  
شند و انتقاد فراز بکری  
چنینی تحلیلی از جنگ  
که علت شروع آشناشی از



## پیامون موضع...

ایران و عراق چیزی جز سرو.  
بیت بیشتر و فره، کوچکتر نمی  
رسد، امدادی انقلاب  
نیاره (۲۹) سلطع اینها هست واقعی  
د - "در این جنگ مرند، این جنگ را کوچکتر از آنجه  
اصلی آمریکا است". (نیاره ۲۹) که هست جلوه می دهد ولذا نتیجه  
ای جزیک می خورد غیر فصل  
با زوای انقلاب ()

۳ - ملح و آتش بس با سبب این جنگ شمی تواند  
قبیداً این سکته که نیروهای عراق سدت دهد. تنها نیروهای هوا  
تی سایتی به سرحدات گذشت دارای این جریان س مقابله  
خود را از گردند، بینفع ایران است  
۴ - موضع پایه این رفتار دعوت منوند که صحنه اصلی  
و جنبش فلسطین در بر این جنگ  
شروعی باشد. در سایر نقاط  
ایران و عراق مبنی بر ترک این گرایش بحث را مستثار و  
مخاصله (بدون ذکر شرایط، که نمایل به خاتمه و سرهم پندگی  
با لطبع نوعی خارج شدن نبرو کردن جنگ تظاهر هم میکند. کسیکه  
های عراقی از خاک کشور مرا این جنگ را با بکاره شنگ روی  
هم در سخواه دگرفت) درست تنها بسودا آمریکا میداند و یعنی  
آمریکارا به شموی در تحلیل  
السته با کارگذاشتند های خود را دهد که سیستان  
پیکری نکات فرعی دیگری که بر افروزندگی از از ارکسان  
این شریعت میتوان کرده اند جنگ نجا و زکار اس عراق و این  
ما شدمی است خارجی ایران، شوطه حساب نمی گردد بلکه  
پسرا من اتخاذ سیاستهای میتوان شیوه ای که طی این  
درست و غلط در بیشتر دنیا که جنگ متعدد "سو" استفاده "امت  
(تکبیده بر تکبیده در بر این جنگ نمی تواند تحلیلی جز تحلیل  
مرتد" مردم) که دارای جواهی شدند، شادرست و خطرناک فوق را بدست  
شب شست و درست می ساندو شده، جای شک شیست که آمریکا  
شیفر عی جلوه دادن نقش میکوشند از این جنگ سو، استفاده  
دولت سوری که در روابط فرعی ده کند، ولیکن این تنها یک  
شیوه ملکه با بدیدون عمدہ  
کردن آن در بر این میگذرد  
آن می باشد و نه کل قضیه آمریکا  
آن سطرجی در محاسبات سیا  
سی انقلاب ایران منظور گردد  
و...، گه جوان ب منفی این  
جریان را انشان مبده دتموی  
فوق سایر نگره نظر اتسی  
است که این گرایش سیاسی  
کند، و ملت ایران را که  
در میان مسلمانان مبارزه  
میگردی می نهادند، این تصریف  
فوق گهناشی از تحلیل این

آن می باشد و نه کل قضیه آمریکا  
یکاهم در تدوین این توکل و  
هم از مشتایج این توکل خود  
(که دولت دیگری نیز شریکشان  
می باشد) متعدد تمویی  
است آمریکا در درجه اول دنیا  
آنست که انتقام ایران را خفه  
کند، و ملت ایران را که  
در میان مسلمانان مبارزه  
میگردی می نهادند، این تصریف  
فوق گهناشی از تحلیل این

گان نشریات فوق از توپیخ سابل و روشن تردن اذحان مردم نسبت به این صایل پیچیده و غامض که حکم اصل را در سراسر مقالات این نشریات و محور تحلیل های شار را بخود گرفته است طوره میروند و رک و پوست کنده این معادلات پیچیده را روشن نمی کنند. وظینه دیپلماتیای سازمان ملل جایگزین وظایف انقلاب بیرون شده است ولذا حق مطلب نیز می تواند از خلاصه اینکوشه توپیخات بیهوده بیرون درز کند. اینگونه روشهای خلاف حراثت در گفتار یک انقلابی است و دوستان انقلابی مانیز با یاد آزمیں روش خود استقاد کرد و از آن بپرهیز شد.

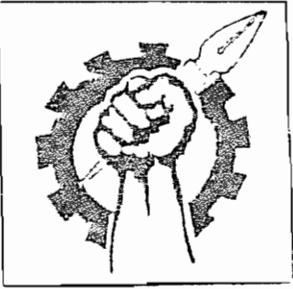
اگر این دوستان واقعاً معتقدند که موضوع پاسعرفات مبتنی بر انتخاب سیاست پی خلق نه نسبت به جنگ کنونی درست بوده و معبار این موضع تبریز هم آنست که مباداً "در آن منافعی حرقند کوچک به این دین خلق بای چنان بر سر پس چرا خود این شریه و هستکران آن موضع بیطوفی اتخاذ نشاند.

این تفاصیل میان کردا روگفتار و توجیهی که از موضع عد در صدغط پیابر عرفات میشود در ذهن خواسته قرار است چکونه حل گردد.

موضع پی طرفی در این جنگ دستکم و در بهترین حالات خود جزو لاقیدی نسبت به یک توطئه اسپریا لیستی آنهم توطئه های آمریکایی معنی نمی دهد. حوکمت برخواهی این انقلاب شماوه بجهت خواهی: "انقلاب غلطین سرمه را نمی خواهد. غات سیکرد، تابجای موضع تکریی بتفعک طرف در چریان جنگ

روش و روشهای خدا انتقلابی زده است توجه کنند: "موضع گیری چنینست تهرمان فلسطین در مقابل این جنگ (منظور جنگ ایران و عراق است) مؤبدسواری از واقعیت میباشد (کدام واقعیات؟) که میتواند در بررسی نتایج جنگ سفید و موثر باشد. آنچه که مطمئن است (چرا اصل این است؟) دربر-

شیزجیزی جزء اندک از پرایالیم و عوامل اجرا پی توطئه های آن نمی باشد. انتظار دارد که انقلاب ایران نیز همچون خود اودرقباً تجاوز آشکار عراق که درست بک توطئه امپریالیستی



## پیامون موضع

بی موردی تنبیه کردن آنقلاب و تجزیه نا درست یا سرعرفات در قالب صین معاورت می پذیرد، موضع جنگ کنونی میان رژیم تجاوز غلط بیطرفا نهای انتخاب نموده چگونه است که حتی یا سرعرفات استنتاج شود:

قبل از هرچیز اینسترا بگوئیم که روش و مسیر خودی که برخی محاذل اسلامی حاکم نسبت به یا سرعرفات و موضع اودرقباً حتی کسوی انتخاب شودند به موردهای ولزوماً تا رسیده است و شرور عین حال نیز برخوردها به یا سرعرفات نمایند. یا سرعرفات اگر از این "حقیقت" توجیه گرمواضع نادرست یا سر دیپلماتیکی خارجی چندالله عرفات در قالب جنگ کنونی اخیرش دست بر میداشت، انقلاب فلسطین در مقابل این جنگ مستواند باشد. بیشتر اینکه غلطین نیزه دجا رجیسین میتوشت اظهار بی طرقی کرده است، ارزیابی از یا سرعرفات مبهمی نمی گشت. این چاچحت همچنانکه آمریکا بشوری نیز و رحسری جبهه آزادیبخش مرغکاستی ها و گمبودهای فلسطین شیراز موضع آسان انقلاب فلسطین نیست محبت در قالب مسائل مقابله ای راهی چندالله عنوای برنهاد اصلی جنگ تنها در خارج سنه جنگ نشتمه و تنها جنیش فلسطین و تضاوهای سیاست صحیح و بفتح انقلاب مقابله پایی - هر مراین است که کدام موضع انتقلاب ما آشنازی گردد، بلکه درست است و دنبال کردن کدام تباش چنان موضع آنده بدون آنکه بیهوده این این اینست که بعنوان است. ولیکن نمیتوان نسبت توضیح داده اند بدینکه در عین دیپلماسی بورزا این که رحیمی جنیش فلسطین باشد در عین رهبران فلسطین زیاد و "موضع تبریز چینی" فلسطین مورد تظر باشد. آین امر به یافته میشود و چریان سیاستی جنگ نسبت به میتوشد تبیز برای توجیه و اثبات معنای بیتفاوتی نسبت به موردهای خودیه این روحیه نیست" و آنها هیچ وقت مجاز چنین و یا هر جنیشی دیگریست پرداخته، ایران عدم رضایت به اتخاذ موضعی نیمند که در آن علکدشن بر سر اصلی بسودن مشهوده و از آن استقاد است که در آین عقیا رها و زمینه های برای ارز - بروزا این گرایش خطرناک را در خشم هلالیهای جهان بر سر،

یا بی هاست بجهرو سوال حیان آین دوستان صلاحته - سراسر مقاله فوق لاتکر این است که آنها موضع انتخاب میکنند و هندا رعیده هم گفده است و سایر مقابله های در آین شده از سوی یا سرعرفات در قالب این نوع سیاست بازی هست. نشریات مطلع از این گلی های جنگ کنونی از تقطیع نظر متابع آدارند که همچون خودی هر چند کوچک به این انتقلاب ایران درست و با غلط انقلابی تداشته و نظر آهد است. گویا برخای شنگفتی حرقه است. نشریه "فریادگوشنی" شاهزاده شوشه اند بگدام معاویه این ایشان در تحلیل خود از مقاله شوشه اند بگوسنی" نشانه شد. بجهت این سوال آین است از این در تحلیل خود از مقاله شوشه اند بگوسنی" شهادت چه بجهد ای ساده اندیش ها گی است که چرا یا سرعرفات که خود را بمنشی یا سرعرفات در توپیخ و متند چکوته مداده نشیشی می چنیست است که بجهد علیه غاصبین هلل موضع تبریز طرفانه رهبری کنند. آنها موضع حساسی و فلسطین می چنگ، و غاصبین جنیش فلسطین هست به همین بجهد هستند. چهار نوبتند.

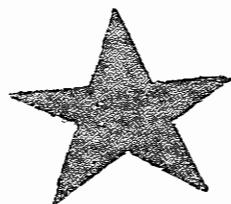
نقشه‌های پشت سر آن است. طرح زاجزوب گرو میکوبود). ایشان با پادست از جنیین بخای تکه برتووده مشتثودم تحلیل‌های غلطی برداشت و آن فلسطینی بعنوان یک اصل بسیار کوچک خود مدعی هستند جزو دوله موضع عرب (فُوکتاردول پیشگاً ما ن مبارزه‌ضا میربا - منطقی عربی) و محدودیت‌ها سیاستی در عمل درآیند و تو. وجلسه‌بازی تکه‌نمود، انقلاب جدید را موضع شادرست یا سر فلسطین شرذجاً رین سنتی شد که جلوی طبقه‌مشکن صنا سبات عرفات.

یک درس مهم انقلاب بوزژوا بی‌حاکم برآن و تکیه فلسطین از همان تجربه‌گرا - فرمایزه؛ ملتها نموده‌ای ب شباهی که بدمست داده، اینست خلق دلار فلسطین (بمعنای بیک که زمانیکه انقلاب فلسطین سر اصل) شیوه‌آن خود را ازین بسترهای فلسطینی و عرب تکیه داشت و تجزیع‌علاء‌رمان‌بل شودی اکنون شرایطی را داراست که زماشی جنبش فلسطین در اویجه مبارزه، انقلابی خود را بود. ولیکن بواسطه عدم لیاقت تکیه‌تاتی دولتمردان و نیروهای حکم بر جنگش نموده مردم می‌شواشند که جراحت و نین نیستی فرمایی که ما انقلاب فلسطین تجربه آنرا رهبری انقلابی نوبواسطه نوشته بدمست ما داده است. از این نظر های نیشترک آمویکا و سوری علیو روبرمن فرمیتم و بوطای سیاست انتقلاب فلسطین (شونه‌ها و زان) انقلابی خود را جنبه پیشیردا سر انقلاب شاکیه و رزیسم!

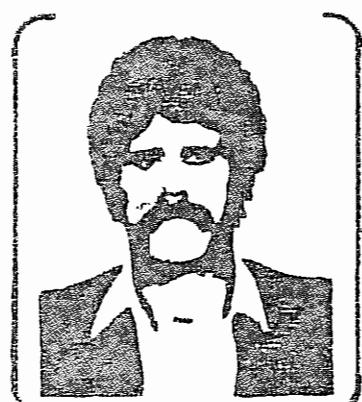
ایران و عراق به درگیری‌ها دامد. تناقضی که این دوستان پایان دهد، غیر از این هم خواهی، دچار شده‌اند، اینگونه خود انقلاب فلسطین انتظاری ندا - راجله‌های میدهکه از یکسوخواهان ششم..... با سرعت اتفاق چنین کوشی وازمی دیگر خواهان قطع را نمود و سه حق هم که بجا باید نرسید فوری جنگ (البته با تاکید و نسبتاً ناچاری این دوست هم بود، جراحته بربا زکت نیروهای متوجه کوششای بیهودا و ازدواجیه عراقی بدسرحدات گذشته‌شان) یک انقلابی نبود، بلکه از یک بدون اینکه واقعیت پشت ذاکر مصلحت آن داشتی بودزدرا - این جنگ را که جیزی جزیک بود اولاً ایشان حدتی است برشا مدیرای خنده‌کردن انقلاب صالح انقلاب فلسطین دا ایران از میان مهربا می‌باشد همیشه رفای مصالحه نیست، توضیح دهد. از یکطرف خواهان مبارزه‌علیه متوجه وزیر این شوده‌اند، ما از نویسنده کان نشریه "هادی" این‌گهان شاید موضع یا سرعت اتفاق تواند از یک تحمل واحد سیاست چندگذاشته باشد. بورزواها به یا سرعت اتفاق خود را ماضی یک مصلحت اندیختی شیراً انقلابی شنیز دهند. اتخاذه‌تین روشن شا - یکه شیره‌یی نیست که خسودرا در یک انتقلابیون ایران می-

نقل از حقیقت ۹۶ - ۵ آبان ۱۳۵۹

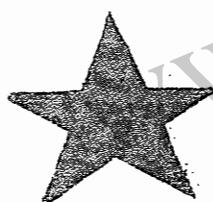
آن رهان که بهادم سرمهی آزادی دست خود ریان شسته ایروانی آزادی  
در هیچ طوفان زماهیله دوچکنی ناخدای استبداد با خدای آزادی



رفیق شهید یدالله فتحی



رفیق شهید نادر امانی  
کارگر شرکت ملی صنایع  
ولاد



رفیق شهید علیرضا بابا احمدی  
کارگر سازمان آب و برق



دانشجوی استیتو تکنولوژی

# شهداي راه استقلال و آزادی

هاداران اتحادیه کمونیست‌های ایران

# فدا آیان اکثریت در جنگ گنونی هبکخ

## پا سیفیم سیاست امپریا لیسم روپس می باشد!



انحراف کاران را بر ملامکنند  
بلوهه یک ویژگی در برخورد  
است غراف کاران "چپ" نظیر  
مردود عراق و اربابان امپریا  
بالهای آن کاملاً خالص و سر  
بر ویزیوئیسم حاکم بر "فدا"  
حق "میثمارند.

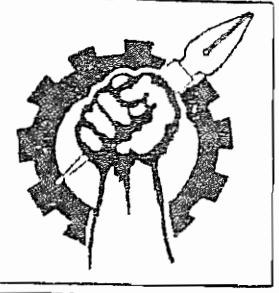
رهبران تداهیان خلق"  
در اعلامه های خود پس از تجاوز  
شروعه، رزیم خاش بعثت علیه  
رویزیوئیسم با ساخت امپریا  
با لیم روس سربوش گذارده و  
انقلاب و کشور ما و همچنین در  
با سمت گیری فدمی و کمپارادور  
همین صحبه مورد بحث آمده کی  
شناخته این همدستان خی قول  
بزرگی خود را برخورد شده، آن  
حرب سوم جال کمپرادر شود.  
دلانه و تدافعی مردم ما اعلام  
در کشورها اختلاف چندانی  
داشته این شرکت را وظیفه  
هم انتقامیون و کموفیستها  
که البت خود را جزء آنها می  
انگارند، بحث اول آورده است.  
بخلافه چنانچه در همین ضمیمه  
متذکر شده اند "سازمان ایشان  
این جریان را از نارکیسم  
و مبارزه<sup>۱</sup> انتقامی مردم ما (وشه  
از همان دوازول هنگ "تمام  
نیروهای هوا دارد سراسر  
ایران" را فراخواهده است که  
در همکاری کامل با شیروهای  
عمل کنند که علیه رزیم سه را  
پیکار میکند. "اگرچه ما بخصوص  
درا این واخر (نیمه) دوم صریح  
به بعد) کمتر از شرکت فصال د  
پویی، مطهور اعضا ای سازمان

### لک بررسی گلی

"فداهیان خلق" در ضمیمه  
 منتشره خود کما میش ارتبا ط خوش بسرا غ داشته ایم، و...  
بنگ تجاوز کارانه عراق علیه همین اعلام موضع و خواست  
ایران را با نشانه های امپریا - شرکت در جنگ میتوانند قابل  
لیم آمریکا علیه انقلاب و توجه باشند.  
استقلال کشور را نشانداد. و لیکن هر رسانی کامل مندرج  
نتیجه میگیرند که این جنگی رجات فعیمه کار "ولا" نشان می  
بین دو فدان انقلاب "یا" همین دهد که اعلام شرکت جنگ اکثریت  
دو دولت را پسته امپریا لیم" بیت "فداهیان خلق" در جنگ  
ویا "بنگ پرادر کشی" میان مادله مردم ماعلیه مجاوزین  
"دونیری" فداهیان لیست. مزدور عراقی و عانبداری آن از  
نمیباشد. بلکه متنها جنگی از طرف حق در برابر طرف باطل  
سری ضد انتساب عراق علیه از موضع کاملاً مغتصب طلبای  
انقلاب ایران است. برعای صورت گرفته و از بنانی استوار  
چنین تحملی طبعاً جنگ از صورت گرفته و از بنانی استوار  
اکثریت "فداهیان خلق" بسر خوردار نیست. رهبران جنای  
خلاف انتساب عراق این "چپ" به یا دندنه در برابری خود را وظایف  
فرورت جانبداری نیروهای فی و خدمه ایستی خود را این

پیروزیک ایران و عراق  
سازمان قدانیان (اکثریت) که در چند شاهزاده اخیر شریعت  
نیز خود را در میان صفت های خود  
حقیقت متشخص است، منطقه  
مخالفین تجاوز آمریکا بی عراق نظرات خود را پیرامون انحراف  
به ایران جای داد. ضمیمه "کار "چپ" و نیز برداشت های رویزی  
شاره ۲۸ که حاوی نقطه نظرات بینیستی و راست روانه از وظایف  
و تحلیل این گروه از ماهیت بیف مارکیت - لینیست ها و  
جنگ و عواقب آن است منتشر شد انتقامیون در این جنگ و نیز  
در عین حال در این شریعت نظرات ایمان را پیرامون این  
 نقطه نظرات انحرافی در میان جنگ و وظایف انتقامیون در قبال  
برخی نیروهای چپ برخورد شده، آن توضیح داده ایم. در عین  
حال در طی چند روزی گزار  
برای کسانی که با نقطه انتشار حقیقت شاره ۹۳ و پیزه  
نظرات اپور توئینیستی این نام آن میگردید، ماشا هدیه -  
جریان آشنا بین دارند، مراضع خورده ای ازوی نیروهای  
ونحوه برخورد این جریان را منحرف "چپ" نسبت به جریان  
نسبت به این جنگ غیرمنتظره رویزیوئیستی اکثریت فدائیان  
نه دانستند، پاره ای گروههای بودیم که برخورد به نظریات  
"چپ" چون "راه گارگر" و جناح چریکهای فدائی اکثریت را از  
"اقلیت" چریکهای دست به انتشار موضع اصولی مارکیسیم -  
مقالاتی علیه این جریان زده شد لینیست دارای اهمیت بیشتری  
تاد برخوردی رویزیوئیسم حاکم میباشد چه انحراف کا -  
برای این سازمان، موضع چپ نمای ران چپ، کما کان سوار بر جریان  
یا شود را توجیه نمایند. ظاهر چپ شایی خود، با طرح انتقا -  
ضمیمه اینگوئ است که یکی بمه دات غلط و بی پایه ای علیه  
انحراف "چپ" برخورد می شاید رویزیوئیسم چریکهای اکثریت  
و دیگری رقیب طوراً متهم بمه علایه ایشان یا می دهند و موجب  
راست روی می شاید. "کار تحریم این موضع در طبع  
اکثریت "مخالفین فوق الذکر" میگردند. -  
خود را "پیکاری های خجول" (می  
برای نمونه جریان  
نام داد، و مخالفین اینان را هم - "اقلیت" چریکهای  
کارهای بورژوازی هردو کردن رویزیوئیسم حاکم بر  
تاکتیک های یکدیگر را به سباد بنای اکثریت فدائیان سرمهد هند  
انتقام دهای شنیدی گرفته است. که چرا اینان گفته اند: "نمی  
گویی دعوا بین و انتقامی در جنگ. کمیری تمام طبقات ایشان  
نمی انتقام جنگی میلیه تجاذب  
چپ نمایان یا با طرح  
یکسری احکام نامربوط و غلط "بنگ بادولت عراق نشادهای  
به جریان رویزیوئیستی فدائیان طبقاتی و کترش می ازد  
اکثریت پوشن میدهند، و ایشان طبقات را تحت تاثیر خود گرفته  
با طرح یکسری احکام ایضاً نشاند. (ارکار سراسری  
مربوط و غلط دیگر به چپ نمایی شاره ۲۸ نقل شده در ضمیمه  
در ایان برخی از گروههای ۸۱ کار اقلیت)، طبعاً طرح این  
مدعی مارکیسیم - لینیست شنیده درک انجرا -  
میدان ناخت و تازی دهد. فی و خدمه ایستی خود را این





## فدا ایان

بیویزه خواهان جنگ میان دولت  
ها و کشورهای مختلف نمیباشد  
بعلاوه آنها به زیان های سادی  
و ویرانی هاش که فقط جنگ  
های موردا شاره حضرات با مطلع  
مداشی خلق هنگه هرچندکی بپیش  
میآورد، واقعند. هیچ جنگی

از حکم میان ایران و عراق  
و بیویزه از نتایج و پیامدهای  
این جنگ، که البته از تبعیت  
ایران از روی بیرونیم خرو-  
نجنی و خواه غریبی های ابد-  
ثولوزیکی و سیاسی حکام  
کرملین ناشی میشود، در عمل  
سازمان ایمان را به مهارخ  
آشنا و طلح لیبرالی میان  
حق و باطل و مروج یا سلیمانی  
و سرخوردگی در میان توده ها  
تبديل کرده و بنا امیریا بیست  
های رنگارنگ که میمین با و ها  
را بینیو، دمیلما تیک و بنام  
دلسویی ولی برای پیغمبرد  
مناما رتعاعی خود عنوان می  
کنندم آوا میکردند، تعجب  
آورنیست که با این طرز تلقی  
سازمان بادشده با وجود علام  
آمادگی برای شرکت در جنگ  
مقامات کنونی شتش فعالی  
را بهیج رود را بن جنگ اپله  
نمیکنند.

لذین در همان استمادی  
مثال خود بیان "موسیا بیسم  
و جنگ" میتویند: "موسیا بیست  
ها همیشه جنگهای وحشیانه  
را بینای جنگهای وحشیانه  
و بیرون حاصله محکوم کرده است.  
لیکن روش برخورد ما به جنگ  
اساسا بر ارض و سرخورد بهای  
سیاستهای شورذوا  
(بنتیجان و هوا داران طلح)  
و آنارشیت ها تفاوت دارد.

تفاوت ما با گروه اول در این  
است که ما به ارشاد احتساب  
نا پذیریان جنگها و مبارزه  
طبقاً نی درون سکنور قائل  
هنیم، ما برآشیم که جنگها  
نمیتوانندنا بودند مگر آنکه  
طبقات نابود گردند و سپس  
لیسم بوجود آید... مامساره  
کیستهاهم از یا سیاستها و هم  
از آنارشیتها در این تفاوت  
داریم که واجب مینماییم هر  
جنگی از لحاظ تاریخی (از دید  
گاه ما شریا لیسم دیگر تکیک  
مارک) و بطور جداگانه بزرگی  
شود. در گذشت جنگهای بمساری  
بوده است، که علیه رعم هست  
نهنگی ها، ثراوت ها سخت

میآورده که درین میتوانند  
سازندگی عظیمی ناشی کردد  
سلامه هنگها ضرورتاً طلح جهانی  
را بهم شناسند بلکه با کویندن  
امیریا بیسم و مرتعین دست  
سنانه آن در حدمت تحکیم  
آن هم هستد، هرای نهونه،  
انقلاب اکتبر بیان سارزی از  
کنترش مازاره، طبقاتی، رشد  
آکا هی توده ها، و شد خلافت ها  
و همچنین بینهاین راه تحکیم  
"ملح جهانی" تدریجاً بسط جنگ  
میان دولتها بود، حکم میان  
دوکنور شوری استالینی و  
آلان هیتلر، که از رزیمهای  
سیاسی مختلف هم سرخوردار -  
سودد، علیرغم اینکه کم و  
سیستها خواهان بروز جنگین  
جگنی سودد، به کنترش مازاره  
طبقاتی و رشد آگاهی توده ها و  
خره در آلان و کنورهای تحت  
اشعال آن پاری رساند و سه  
بهیروزی انقلابات متعددی  
خدمت کرد، جنگهای تدافعی  
جمهوری دمکراتیک یعنی دوقبل  
ارکوئوستای خاشناه، طرفداران  
نوری در این کنوردر مقابله  
با تجاوزات مرزی و معاشرات  
نظایری دژیم مرتیع غربستان  
در زمان خود نشش مشتی در  
تحکیم استقلال این کشور در  
برابر امیریا بیسم امریکا  
شی و رشد آگاهی و هوشیاری توده  
ها راه کرد.

بعلاوه، مارکیسم  
لیسمیم مفتاده سرمهی  
تاریخی وحداگاهه از هر عگی  
سطور منحصر میباشد، و متنهای  
علت و سقنه و مضمون دعوای آن  
جنگ تسبیح تکلیف میکند، این  
تعجب ناصل عتکهای میان  
دولتها و کنورهای میان  
سیح روسپتوان جکی عنوان  
کرد که این ستمهای هم میشود  
در میان دولتها و کنورهای میان  
در میان دولتها و کنورهای طرف حواله  
طرف ساطل ناشده اش عالم  
امیریا بیسم میشود و این  
انقلاب ریان میرساد، ملی  
کاملاً اسپیشی رهیار  
"قدشان حل" (اکتبرست)

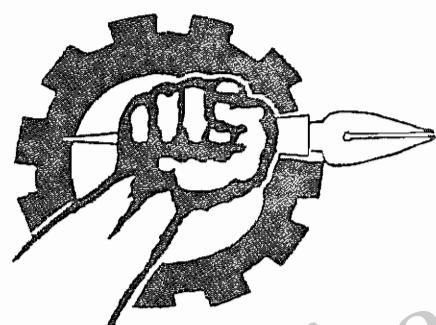
نیست که به سرخی افراط و تغیر  
"عنی اگر به پیروزی ایران بر  
بغداد صادر شود، باز هم مجموعه  
مداشی خلق هنگه هرچندکی بپیش  
میآورد، واقعند. هیچ جنگی

است این با وکیلی  
های پاسخیتی حضرات "قداد"  
های بین اینها گوشی در حال جنگ  
های باشند که میتوانند  
شی خلق "اکتبرست" که طبعاً  
اعلام آمادگی اینها را برای  
شرکت مصالح در جنگ مذاق  
مردم ماعلبه تحویل کاران مز-  
دوریست مکرر برای تبلیغ  
آشنا و سازش زبرشول میگردید  
کوچکترین رابطه ای با مارک  
کیسم - لیستیم و برخورد  
ما رکیست - لیستیها به هم  
سلطه جنگ ارجمند جنگ میان  
دولتها ناشد و ندارد. این  
طریات نکرارهای میان طبقاتی

میان مدریبانه خروجی در ساره  
میشند و درین ردن از اینکه  
میانه جنگ و طلح است، گستاخ  
برای سمات امیریا بیسم طبقات را  
جهانی و آماده ساری بورزوی از  
سوخانه روس برای این  
گردانیده ملتها به مارکیسم  
سیاسی داشتند و مقدمه  
طلح روانی توده ها از حد میان  
کنورهای میان طبقاتی هم  
میان دام میزد و ساره  
ارمارات جنگ سیاحتی های آن نکل  
سازی از آن و با خطر افتداد این  
ملح سلاح روانی توده ها آشنا را  
میآورد و دسته های میانه  
سازی از آن و با خطر افتداد این  
ملح سلاح روانی توده ها آشنا را

مارکیست - لیستیها میان دولتها و کنورهای  
هم از عالمی ساده، تساوی این  
حکم میان دولتها بدین طبقات  
میگردند. همچنانی که این  
میان دولتها و کنورهای میان  
دولتها و کنورهای طرف حواله  
امیریا بیسم میشود و این  
انقلاب ریان میرساد، ملی  
کاملاً اسپیشی رهیار  
"قدشان حل" (اکتبرست)

ها و معاشری که بطور اجتناب اروپا غرب میگفت و برای آمیریالمیم و بزیان انتساب و کشور عراق زیان نهاد است و به ناپدیده شدن با همه جنگها علی معرفت گردانند همچو انتقلابی ای امیریالمیم سود میبرسانند. است، مترفی بودند، یعنی به داشت متأکدمی شهد مثالهای خواهان جنگ میان ایران لیکن جنگ اذمی ایران هر تکا مل بشریت فاشده رسانند. دیگری هم از گذشته دور و تزدیک و عراق خودهاست، لیکن آنها اکرطیق سیاستی محض همجنین درجای دیگر ("جزوه" ردلختین به مثله جنگ از جمله انتقلاب ایران با ضد انتقلاب خدا میریالمیم خود به پیش جوییوس") از نقش مترقبی و جنگ میان دولتها میگانند منطقه امیریالمیم و برآشیر روز دنچاوز کاران و اربابان انتقلابی جنگها دفعه ای فرانسه شوروی پهندزادان "مدانی" را تجاوز شرورانه رژیم مسعودی و محركانش را صریح طبود (در دوران انتقلاب سوریه از مارکسیسم شان میدهند)، عراق و حماقت صریحیمن منطقه بنشانند بون شک اشارات کا ملا دموکراتیک این کشور) در مقابله نسبجه آنکه برخلاف نظری و امرقدرتها در کشور ما جریسان مشتبی بر انتقلاب ایران و عراق سهبا "اشلافها" دشای ای ات با صنعتی "خدا ایان خلق" بناخته است و تنها در صورت بیرون و بلکه منطقه خواهد داشت دیگر، خدا انتقلابی "در اروپا اشاره می‌نمایند" (کشوریت) درباره جنگها و وزیر عراق در آن و بنا کشیده شدن تضییع موقعیت امیریالمیم کند و برشق سازند و مشتبی این میان دول و کشورهای مختلف به ساخت و بناخت های لیبرالی و اشلاف شاهان و شیوخ و روایی جنگها، تا حدی که برای استبداد و نسبتوان لذت چشیدن کسانی کسر و مبتدا و رقابتی امیریما - خود برگزیده دول مرتعی فشود امیریالمیم حاکم بر کشورهای آنها را در هر حالت بسیار لیستی بحال انتقلاب در کشور ما منطقه ای خواهد رسانند.



اتحادیه کمونیستهای ایران

## رفم ارضی امیریالمیستی و مبازه طبقاتی در ایران

قسط اول - تدارک

در زدن نظربات سارمان چریکهای فدایی خلق

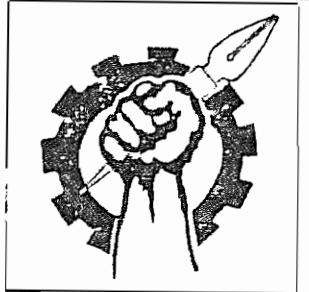
توضیع مارکسیستی سرمایه داری وابسته

سری تحقیقات درباره ساخت جامعه ایران

برگزاری شورش

# برزگر متحد کارگر!





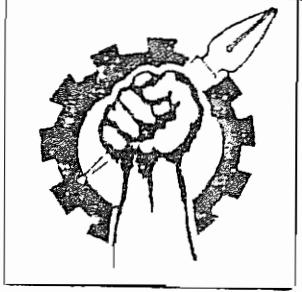
"مناصبات اقتطاعی" کذاشی  
منفی و "سیار مغرب" ارز -  
ناشی از جنگ کوپا چندان برای  
یا بسی میکنند و حتی در جای  
ملت انتقام‌گیری ماغبر قابل تحمل  
دیگر صنعتی نیست" اشارات جهانی  
۸، تکه "نیروهای خدا نقلاب این شکم را سیرکردند با مطلع  
جنگ نیز کاملاً مخرب است" ،  
فرمت خواهند داشت از فشارهای انقلاب حفظ شود . نوکران  
بهم می‌کنند میدهند و نوکران  
انتظامی ناشی از تعیین جنگ آمریکا با این منطق مارابعی  
و دیگر تحریمات امریکا بیشتر  
نشغ خود و درجهت بدین کردند شوروی هم با زنا همین منطق ما  
و مابوس کردن توده‌ها اراده  
را بسوی شوروی ...  
ماست تحلیم ظلمانه" .

انقلاب سهره برداری کنند" .  
رهبران "لذا نهان خلق اکثر  
مگر آنکه دستی از آسمان - البته  
اظهار آمادگی میکنند و  
آسمان طالی کثور (!) بیرونی (بت) " - تسلیم طلبی در مردم ایران  
آید و سداداین ملت بررسید و ابرقدرت شوروی - چنین بیان  
توده‌های این ملت را ازبده . خط مشی ایشان در قبال جنگ  
کنند . آبا این نیست که مرت  
کردگان "فدا شبان خلق  
آشنازی از قماش خودخان اجازه  
انقلابشان شود . ولی هیات!  
رادرهشت تبلیغات با سیاستی  
و بدبینانه ایشان فدا شبان  
که بهات ، که سقول این فدا شبان  
کنند و ما منطق رویز بونیم  
قلابی "ضعف شیروهاي انقلابی" است و ما منطق رویز بونیم  
کذاشی از قماش خودخان اجازه  
خروجی (جنگ بدیختی  
نمیدهد که "در این زمانه" افتخاری  
دست این ملت را بدست این  
جهانی را بهم میزند و گذاش  
نمی‌گیرند از خشود رساند و رای  
توجهی میگردد . طبق این سا  
ست ، این "انقلابیون" خود  
با خود بد مردم ایران تلقین  
میکنند که به پسر جنگ مقاومت  
باشد؟ ای کاش فقط این بود؟  
کنونی علیه تجاوزات عساک  
و توطئه‌های امریکا بیسم  
اتکاه به شیروی ملنی و ایشان  
ولتحاد و تلاش خودخان ، "حتی  
آری ! بگفته" این بی -  
ش رمان این جنگ ما را به جاشی  
مغرب" است ، و تنهای از جنگ  
نمی‌براسند ، مگر آنکه طوق بند  
استند دطلبین از ابرقدرتها  
هم منجذوب شد" ، شمری بواشان  
کشیده با سرعت و قاطعیت از  
طریق گشرش مناسبات اقتصادی  
با بلوك سوسالیست . دست  
آوردهای انقلاب را از جنگ کمال  
کمین کرده خدا نقلاب برهمان  
نمی‌دانند .  
کنی "بلوك سوسالیست" بد - و "بلوك"  
پر فتو شود . این گویانه مردم  
نیازیم این آب و غاک بلکه  
قهرمان این آب و غاک بلکه  
کنی "بلوك سوسالیست" .  
کذاشی و در واقع دولت امریکا  
با بیستی روس ، مابوس کنند .  
بیزعم این فداشی های "بلوك"  
کذاشی ، بهما مدهای جنگ ایران  
و عراق در هر حالت ، "حتی  
گستاخان از طریق قدرت روس و متدهیش را گردن  
اگر به پیروزی ایران برعراق  
منجر شود باز هم .... بروند  
رشاد نقلاب در ایران مثبت  
طبعیت" (چهی تابند آقا بان شوروی بسیار مشغوف خواهد  
بیان این بود ، زیرا هنوز تما  
بلات جنگی برای دست دولتی  
بعنی نوکری بسوی فدر قدرت  
کاذب شوروی با مصطلح سوسا -  
انقلاب "برای ما (!) برهاست !  
میکنند و "بلوك" کذاشی آن  
البته منطق ، منطقی آشناست!  
دو آنکه کم برادرها و ایشان  
دولت ایران دیده نشده است .  
نهایت ایشان است: از قرار شکم گز -  
چهار کمیز عم این مختاریان نشوند  
مای شورهای خروجی ، حفظ انقلاب باشد از طریق

"بیکاری و گرانی" و خوارات  
بسیاری دست تکنی دوازکشون  
یا بسی میکنند و حتی در جای  
دیگر صنعتی نیز کاملاً مخرب است" ،  
بسیار ای شرکت در آن و در

## فدا شبان

رشاد نقلاب چهار ایران و مددار  
صراف ، تا نیز این بسیار مخفی  
بر جای میگذارد" .  
توجه کنند: جنگ ایران  
و عراق ، که بقول خودشان  
محصول برخوردان انقلاب ایران و  
وقدان انقلاب عراق و نتیجهه نعل  
دم تلاشهای استقلال طلبانه" .  
ایران و توطئه‌های اسارتگری  
نه امریکا لیسم آمریکا از طریق  
تلخ فریبکارانهای برای پیش  
برند؟ آیا آن اعلام آمادگی ها  
سیاستی خود را با جنگ پیش  
برند؟ این فدا شبان خلق ایران  
تلخ فریبکارانهای برای پیش  
برند؟ ای کاش فقط این بود؟  
ولی فقط این نیست!  
تبليغات با سیاستی این  
فدا شبان دروغین خلق در خدمت  
آنست که توده‌های مردم مسازا  
سبت به توان خود ، نسبت به  
امکان پیشبردا نقلاب خود را زده  
بیور عراق باشد . طبعاً با این  
وصفت بر احتی میتوان سیاست  
بی لیسم ، در این جنگ شمیتوان  
ندینفع انقلاب در کشور ما و در  
کشور عراق باشد . طبعاً با این  
وصفت بر احتی میتوان دولت شوروی  
و همچنین شلاشهای این دولت  
ونوکرانش را برای میانجی گردی  
و نتیجه "مذاکرات سه‌جانبه" .  
بر جنگ کنونی منطقی نویجه  
جلوه داد . ازا پیشگا کاملاً می -  
میتوان فهمید که چنونه تبلیغات  
پاسیفیستی حضورات فداشی خلق ،  
که از این بسیار باید پیشان را  
فداشی دولت شوروی نامنها داد ،  
به دیپلماتی دولت شوروی و  
صیانت زیرکانه این دولت  
برای بسیار برداری از جنگ  
کنونی خدمت میکنند . لهکن  
اگرها سیاستهای فداشی خلق  
با این جنگ را از هر دو سوی ،  
معنی جدازسوی مظلوم (ایران)



و "فرازونشیب‌های" کذاشی غرب "ستگیری آن سسوی آن دراین سالها و حتی قابل از واستگی کامل به مهربالیم آن (یعنی دوره کودتا هسای آشکارا" گسترش میباشد و فریبی پس از حکومت عبدالکریم "صفا و مت خصلت های فدا مهر قاسم) دم صیزنشد، که انسان بالیستی دربلوک قدرت آخرين نمیداندکه با آدم شوخ طبیعتی رفق های خود را هم ازدست می‌ورددعواها بیش بازیم آمریکا شی شاهد خلیج نارس، که انگاسی دهد".

از رقا است دوا برقدرت درایمن منطقه بود، به همراه ازانقلاد بیرون ایران را دیده بودند، این دو سه موج را دیده بودند که شا بداین حضرات "فداخانی طبق" را امروز شنک گیر کرده و باعث شده که اپندر بآب و نتاب از آنها بصنوان مندی برتر قری خواهی و دمکراتیم و خدا مهر. بالیستی سودن رژیم فاسدیست در آن صالح ارضیمه" کسار خودیا دکنند. لیکن با بدیمه این رهبران شنک تیرشده حالی کردکه عراق در آن صالحای خاطرا نفلای بودن و خدا مهر. بالیستی سودن شما و دیگران شنود که سخما و دیگران امکانات را دیده بودند، بلکه بخاطر پیشبرد دعواهای قدرت طلب خواهی و قدرت طلب شاوه طبق مصالحی که ابرقدرت شوری در رقا است امیریا لیستی اش با ابرقدرت امیریا لیستی خود را این روزهای آمریکا در خلیج خواهی و خروجی و در این درکمیزه شده بود، این امکانات را با مصطلح در طبق اخلاص می‌گذاشت. از دیدگاه دعاوی عراق میان شعای انقلابی و تیمور بختیار فاشیست، که از امکانات هشی بیشتری هم برخوردار نداشت و در این مدت شفاهی و شفاهی اتفاق نمود، فقط اینکه بختیار را همیشته با سردمداران روزیم عراق تفاوتی نداشت و در این مدت شفاهی بیشتری در روشنی و در این دولت "نمیروی این گروه، امیریا لیستی خوش اصلی رهبری و کرامت غالب" است. (ترا جهانی آن جزوی از این دنیا را تشکیل می‌داند) این دنیا بخدا نخنید! کریسمیدارد)، امیریا لیستی را تشکیل نمی‌کند. همچنین ازلحاظ مصالح شوروی هم میان بختیار رونما، تا آنحاکه تدبیری از امن صالح را داشته باشد، تفاوتی نمیتوانست بسیار کند. همچنین ازلحاظ مصالح شوروی هم میان بختیار رونما، طبق این قصه، پس از میان ۷۵ یعنی از همان سال پیش با این طرف، "ستگیری عراق" دارند. هرجد که در عنراق در همان سالهای نیز مناسات قابل بلوک قدرت در عراق آشکارا بک ستگیری خدمکرایی و توجهی با امیریا لیستیها غرب ارتجاعی" میشود، و مانندیکی از تماش اسگلستان و فرانسه سعی های حاکم به امیریا لیستی وغیره برقرار بود. آمریکا و گسترش مناسبتان را که میزهای در میدان رتابست

## قداییان

### خلق (اکثریت) وابستگی به امیریا لیستیم روی بله معنای استقلال و استبداد و فاسدیم روسی گلیست دهمکرواتیسم و رادیکالیسم انتیت

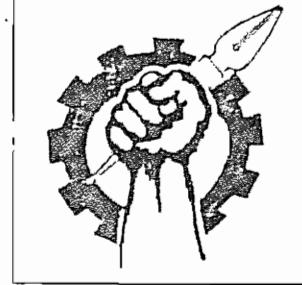
سبعه، کار ۲۸ آشیته تماش است از آنجه که این فدا شبان قلابی خلق سرای کنور خود میخواهد، شویستند - کان خصمیه "کار" جهت تفسیر و توجه علل مخالفت های رژیم بخشی عراق با استقلاب ایران، رژیم که سوریست بش سوسیال امیریا لیستیها روس و احزاب با مصطلح کمونیست دنباله روی ایشان بونه و هنوز هم تا حدی هست، تاریخ حیات این رژیم را بدودوره تقسیم میکنند، بزم، ایشان رژیم بعثت شا قابل از گراش آن به سمت امیریا لیست آمریکا از زمان انتقام رسانی دادالجزا بریک رژیم انتقامی، دمکرات و خدا میریا لیستی سوده، ولی پس از آن "ستگیری خدمکرایی و ارتقا" عین - آنهم قتها "ستگیری" میمین سو پیدا کرده است. ایشان مشتی ظاهرسازی ها و دنیا وی بخشی های عراق را در این دوازده ماهه "تارو و راه" اختناقی که ارمکت حاکمیت آنها سو مردم عراق کذشتند است بعنوان سدا نفلایی و دمکرات و کذا بودن آنها برخیم کشند و چنان از" روندانقلاب عراق"

شوده‌ها و تحکیم رژیم استبدادی گرفته و خط فاصل خود را شوپ مطلفه خود تخت لوای آن سودمی نیست ها و ناسیونال سوسیا - جستند. بعلوه کمونیستهای لیختیا (فاشیت‌ها) می‌کشند عراق هیچ‌گاه از کاربینه ارتقا - (مثلًا جداد شدن گروه فروهراز نکرد. بعضی‌ها شرکت نجستند؛ وابن عی‌بعشی‌ها در تما ۱۷۵۱ کمونیستهای کذاشی، که "ضممه پبوری": لیکن حزب سمعت عراق دوازده مال حکومت خود به تنقو - کار "از آنها نام مسبرد، کرو" و ساندستکریستی‌ها خصوصاً ناقداً بین عناصر ترقی خواهی و ملی بسو - سوکرمندی‌اند که برای پیشبرد اهداف شوروی در عراق از هیچ روزایی و روشنفکران می‌باشد. اما آنچه که "ضممه کار ۶۸" گونه همدمستی در جنایات بعضی‌ها

بیت مبانی استبداد در جامعه عراق برداخته و به منافع سرمایه اند. واقعه‌ها بنت نادانی و رادیکال "نهایان" بزرگ و زمین‌سازان بلکه دغل بازیست که ائتلاف سردن انقلاب ارضی" در این ارتقا عیوض‌خلقی سوکرمان ارتقا و فتووال عراق سالها میخواستند تراهن روجرز حواسیهای بعضی‌ها شیاد و خا - شن است، که انسان دایبی ای های بوروکرات‌بعشی، کددست اختبای ریبا ددعای رزیم مزدور واقعاً رخداده بورزوای زیوده قنان خودها فتد، "قداشیان خلق" هیچ گاه "آزادیهای دموکراتیک اشتلافی از شما سندکان طبقه" کارگز را هم‌کددرمان زمامداری عراق آنسته است، بعنوان کارگرو خرد بورزوای سلامی تلید اشده. با این تفعیل شرکت فرمت طلبان حزب تسوده لیست "نداشته‌اند. رهزان "نده: و در عمل نشان دادند که بزرگترین دشمنان دهقان عراقی‌مدافع منافع خان و فتووال هستند. بعلوه ورقیا - بست احصار، کردید و بموجب آن دو شفرکردسا و اکیداوارد کاربینه کرده‌مرکردهارا میخواستند بیان آن شیره‌بمالند، نه موردن تائید کسی مگر خود بعضی‌ها و همدمستان رویزیوسیست و حبانت ببشه، آن ها بودند اینکه جسته واقعی و عملی داشت.

راستی آنکه "مسایبات عراق ساکنورهای سوسیالیستی کبدشی‌یعنی با سوسال فاشیست های حاکم برشوری و اربابی‌شرفتی، و همجنین پشتیبانی خاشنا - نه" رویزیوسیست های مزدود عراق از حکومت بعضی‌ها، در نظر گردانندگان سازمان "فسدا - شیان خلق" (اکثریت) "دلیلی سر ترقی خواهی، دموکراتیسم و خلقت صد امیریا لستی" در حکومت ارتقا عی بعثت می‌باشد: حال آنکه واقعیات عکس این شرکت فعال داشت. غالب این میکند. آن جبهه‌یا صلاح ملی ملی بورزوای و روشنفکران متفرق هم میتوانند وارد خدمت داشتند، که طبعاً در مرحله‌ای زمان راه‌دادگانه‌ای رادریش

## قداشیان



بختیار رصوت گرفت.

حکومت بعضی‌های توطئه‌کروها شبست در حمایت از آنها هیچ درینه در حمایت از آنها همچندمی‌باشد. هیچ فداشی خلق (اکثریت)، هیچ ارتقا طی با فرایندهای انتقالی در عراق نداشته و بلکه محظوظ کودتاگران زویبیه ۱۹۶۸ او منحصراً دارودسته، شکریتی‌های پسان عربیست و توطئه‌گری‌هایی بسی از شرکت دریک رشته‌کودتا های ارتقا عی برانجا مدریز و شیوه ۶۸ بنای تدریت مطلق خسود رادر پرده، دودی از عوا مغرسی و جب سماشی های مزورانه بربا داشته و با حمایت های مادی و معنوی امبریالستهای اروپا شی و "بلوک شرق" خصوصاً سال امبریالیم روی راهها شیبستی کردن، جامعه عراق را (و شناس اصلاح "رادیکالیسرا - سیون "موردادهای "قداشیان") هموار ساختند. ساقه هیچ بعثت به بلا فاصله بین از جنگ جهانی دوم بر میگردد، و این حزب نیز مانند حرب بان ایروانیت در کشور مابه "ناسیونال سوسیالیسم" هیتلری و امیریا لیم جنایتکار آلمان گرایش داشت. جناح بعثت عراق بسر - کردگی میشل عفلق و بعدها باشد تکریتی‌ها از همه مرتعه سفر - شیست تربیود، و در توطئه سندر - نگوشی حکومت عبدالکریم قاسم، بعضی شنها حکومتی در عراقی معا - مرکه‌دا رای جنبه‌های ترقی خواهی وضد امیریا لیستی بود. شرکت فعال داشت. غالب این ملی بورزوای و دلال صفت کردو که دارودسته، رویزیونیستی حزب خاشن با صلاح کمونیست تشكیل شده بود و بعضی‌ها از آن حاکم در شوری و که روشن دوبلو واخلاقگرانه‌ای رادر زمان بعنوان وسیله‌ای برای تحقیق

و به غون کشیدن نظاهرات ها و  
اعتصامات توده های عراقی  
کاری صورت نداده است. فقط  
اینکه دولت امپریالیستی دوس  
تا مدتها و هسوز هم منوق و  
حیثیت این استبداد و عنیانه  
مشهود است، و همچنین  
کمونیستها ی دروغین عراقی همی  
بیث و خیانت این رژیم به ملت  
فعیل مردم عراق است.  
کشور دوستی از این سر  
کوبگیریها، کشتارها و بخشن  
کشیدنها بخواهی زلیخ  
عمل کرده و نقش بک را با این بی  
چهره و موافق را برای مسیحی های  
آذعنی اینها اگرده است.  
المیت برای "توده ای های  
محروم" تظییر بخواهی مردم "فضل"  
آمریکا شوکری میکند، هیچ  
لیکلین (اکثریت)، که مبار  
اصلی استقلال عراق  
کیم جدی در راه استقلال عراق  
برنداشته و جزر کوب حقوق  
دموکراتیک خلق، کشتار  
وحتی اسما مترقب و فدا میزد.  
منتشر سیاستهای راقعی، این واقعیت  
آزادخواهان و میلیون عراقی ها همچنان  
میکند،

تدارد، برای آنها حکومت سنتی و ایستگی "قدم برداشته است!  
عراق هوزهم مطهری از اجتماع ارزاسی و هیجانی "مذاشیان  
و خیانت نسباً شد، زیرا آنها خلی (اکثریت) "ازدواجسته"  
سیک مذاشیوری و مسلوک به کم برادری و تبعیضی ها  
اعلاج سوابیست هنوز ازبر. در عراق مرای مانگفت آور نیست.  
کت مرحابیت حزب خاشن سمع طبعاً کسانی که از کودتای ازاد  
ناشیست در افغانستان معموان سافع سرشاری ادرکشون عراق  
یک انقلاب گفتگوی میکنند و بیرای را بدنیال میکند، برای چنین  
کشوریان "ضمیمه کار ۷۸" با اتفاقی و دموکرات میخواستند  
احتیاط به ما هیبت حکومت بست در باره کودتای رنجانی شزاد  
برخورد کرده و معرفا از "متگیری" طایفه تکریت در عراق و حاکمیت  
مدده موترا تیک و ارجاعی آن، هوشخوارانه و سرشوار از هاشست  
از "زیمی که در مسیر راه استگی به آنها شیز همیں ارجایف را خواهی  
امپریالیسم کامنهاده". صعبت هندیافت. ولی شکته مهم ایست  
میدارند. بعیارت دیگر هنوز هم که این اطلاع و نظرها اهداف کاملا  
حکومت خاشن و جنا پستان ریخت ارجاعی و خیانت با راین نسخه  
و منتظر این فداشیان فلامی خلق جههای ناشیهای حزب خاشن متوجه  
مطهری از اجتماع کم برادر. رادرکشون روش گردانشیده و  
نشودالی عراق نبوده بلکه بیک عهیت حرکت سیاسی آنها را میزد  
حکومت اساساً مترقب و فدا میزد. خشون حرکت مشتی و شنفکران  
با لیست که تازه "مست خودساخته" طریق راستگارانه شرقی  
گیری "آن تغییر کرده و در مسیر برای مردم ما برملا میکند.

نقل از حقیقت ۹۰ - ۱۶ آبان، حقیقت ۹۴ - ۲۶ آبان ۱۳۰۹

بالا گرفتن انحرافات موجود در جنبش چپ و برخی سازمانهای  
دیگر درون جنبش، و بیرون زدن این انحرافات بخصوص در قبال جنگ  
کنونی با عراق، ما را بر آن داشت که مبارزه ایدئولوژیکی ای که  
در داخل ایران بختی جریان دارد را در اختیار علقمدان به جنبش  
چپ در خارج از کشور قرار نهیم.

جزوه حاضر مقاله ای از "حقیقت" را در بر میگیرد که "اتحادیه کمو-  
نیستهای ایران" در برخورد به مواضع انحرافی در مورد جنگ ایران و عراق  
ایران گردیده است. تنظیم و تکثیر این حزوه توسط هواداران اتحادیه  
کمونیستهای ایران در آلمان غربی انعام گرفته است. دیماه ۱۳۰۹

هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران  
البادن غربی

متحده اتحادیه ارتش مزو و عراق را درهم بگوییم

ضرر را نشان میدهد. بندهای  
و ایستگی هراق به امپریالیسم  
خدمه گرروی و همها لکی های آن  
هیچ تفاوت ماهوی سارشته  
های متعددی که هراق را رسیده  
اصبرها لبستهای فربی متحمل  
میکنند شداید، وجود این بندها  
خودهایی بروانستکی رژیم  
بیث و خیانت این رژیم به ملت  
فعیل مردم عراق است.  
کشور دوستی از این سر  
کیم جنایتکاری، این  
مولود کودتای ارجاعی زلیخ  
امروز کشوری امپریالیسم  
آمریکا شوکری میکند، هیچ  
لیکلین (اکثریت)، که مبار  
اصلی استقلال عراق  
کیم جدی در راه استقلال عراق  
برنداشته و جزر کوب حقوق  
دموکراتیک خلق، کشتار  
وحتی اسما مترقب و فدا میزد.  
منتشر سیاستهای راقعی، این واقعیت  
آزادخواهان و میلیون عراقی ها همچنان  
میکند،

حقیقت



ارگان اتحادیه  
کمو نیستهای ایران  
را بخواهند و بخشند

آمریکا نقشه میریزد، سوروی مسلح می‌گند،  
چین حمایت می‌گند، عراق تجاوز می‌گند.

به ۵۰۰۰۰ از انقلاب و میهمانی خیرید!